





مرکز تدوین آثار رهبر شهید



السلامة



گفت‌وگوی رهبر

(مجموعه از گفت‌وگوهای رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربّانی)

جلد دوّم



شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: گفت‌وگوی رهبر ۲؛
عنوان فرعی: مجموعه از گفت‌وگوهای رهبر شهید پروفیسور، برهان الدین ربّانی؛
گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
حروف‌نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
تحرشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
طراح جلد: عصمت‌الله احراری؛
برگ‌آرا: محمدکامل عمران؛
سال چاپ: ۱۴۰۰ خورشیدی؛
نوبت چاپ: نخست؛
محل چاپ: کابل؛ افغانستان؛
شناسه افزوده: بخشی از مصاحبه‌های رسانه‌ای داخلی و بیرونی رهبر شهید؛
شمارگان: ۳۰۰۰ جلد؛
شمار برگه‌ها: ۲۰۲؛
قطع: رقی؛
بها: ۱۵۰ افغانی؛
چاپ‌خانه: بهیر؛
نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛
نشانی برقی: sh.rabbani1390@gmail.com
حق چاپ برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست

- درآمد..... ۱۱
- گفت‌وگوی نزدهم با روزنامه الشرق الأوسط..... ۱۵
- گفت‌وگوی بیستم با عبدالفتاح واحد، روزنامه نگار و سردبیر روزنامه جوانان
تاجیکستان ۳۹
- گفت‌وگوی بیست‌ویکم با مجله المجاهدون..... ۴۵
- گفت‌وگوی بیست‌ودوم با جریده افغان نیوز ۵۷
- گفت‌وگوی بیست‌وسوم با هفته‌نامه مجاهد..... ۶۹
- گفت‌وگوی بیست‌وچهارم با روزنامه جمهوری اسلامی ایران..... ۸۷
- گفت‌وگوی بیست‌وپنجم با خبرنگاران داخلی و خارجی..... ۹۷
- گفت‌وگوی بیست‌وششم با کمیسیون‌های رفع تشنجات، شورای هماهنگی امور
فرهنگی مجاهدین ۱۱۳
- گفت‌وگوی بیست‌وهفتم با اعضای انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت
اسلامی افغانستان..... ۱۲۵
- گفت‌وگوی بیست‌وهشتم با مجله الجهاد..... ۱۳۹
- گفت‌وگوی بیست‌ونهم با هفته‌نامه مجاهد..... ۱۵۳
- گفت‌وگوی سی‌ام با جریده افغان نیوز ۱۵۹
- گفت‌وگوی سی‌ویکم با اعضای انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی

۱۶۵	 افغانستان
گفت‌وگوی سی‌ودوم با اعضای انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی	
۱۷۵	 افغانستان
۱۹۳	 رویکردها

به نام خدای مهربان

درآمد

استاد ربانی، نام آشنا در حوزه سیاست و دیانت در افغانستان، بیشتر از نیم قرن برای اهداف و آرمان‌هایی که داشت، قدم زد و قلم و هزار جهد بکرد که باورهایش را به پیروزی برساند و برای تحقق آرمان و رسالتی که عنوان کرده بود، برنامه ریخت و محور ایجاد کرد و مجموعه ایجاد کرد... و در این راه با دشمنان پیدا و پنهانی مواجه شد که این دشمنی‌ها و قساوت آن هرگز پای اراده و باورهای او را متزلزل نساخت؛ بلکه بیشتر از پیش عزمش را جزم کرد و با گام‌های استوار و با قلب پر از ایمان به خدا و امید به پیروزی به پیش تاخت. برگه‌هایی که پیش چشمان شما قرار دارد، پاسخ به پرسش‌هایی است که در همین مسیر خلق شده است.

گفتنی است که ما پیش از این جلد نخست این گفت‌وگو را که حاوی «۱۸» مصاحبه بود، به نشر سپردیم و اینک به ادامه همان، جلد دوم را خدمت خوانندگان عزیز خویش تقدیم می‌داریم.

کتاب «گفت‌وگوی رهبر، ج۲» هم عبارت از مجموعه از مصاحبه‌های استاد شهید، با رسانه‌های چاپی، شنیداری و دیداری داخلی و خارجی است که در سال‌های مختلفی صورت گرفته است که هر کدام برای هر مقامی،

مقالی دارد.

این مصاحبه‌ها عبارت‌اند از:

گفت‌وگوی نهم با روزنامه الشرق الأوسط؛

گفت‌وگوی بیستم با عبدالفتاح واحد، روزنامه‌نگار و سردبیر روزنامه جوانان تاجیکستان؛

گفت‌وگوی بیست‌ویکم با مجله المجاهدون؛

گفت‌وگوی بیست‌ودوم با جریده افغان نیوز نشریه کمیته سیاسی جمعیت اسلامی افغانستان؛

گفت‌وگوی بیست‌وسوم با هفته‌نامه مجاهد؛

گفت‌وگوی بیست‌وچهارم با روزنامه جمهوری اسلامی ایران؛

گفت‌وگوی بیست‌وپنجم با خبرنگاران داخلی و خارجی؛

گفت‌وگوی بیست‌وششم با کمیسیون‌های رفع تشنجات، شورای هماهنگی امور فرهنگی مجاهدین؛

گفت‌وگوی بیست‌وهفتم با اعضای انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی افغانستان؛

گفت‌وگوی بیست‌وهشتم با مجله الجهاد؛

گفت‌وگوی بیست‌ونهم با هفته‌نامه مجاهد؛

گفت‌وگوی سی‌ام با هفته‌نامه مجاهد؛

گفت‌وگوی سی‌ویکم با جریده افغان نیوز؛

گفت‌وگوی سی‌ودوم با اعضای انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی افغانستان؛

گفت‌وگوی سی‌وسوم با اعضای انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی افغانستان؛

نکته قابل تذکر اینکه به دلیل در اختیار نداشتن همه گفت‌وگوهای رهبر، ما نتوانستیم ترتیب تاریخ را رعایت کنیم. امیدواریم روزی فرابرسد که همه

مصاحبه‌های ایشان فراهم شود و پس از نوبه اساس ترتیب تاریخ رعایت گردند.

نکته‌ای را که می‌خواهیم در اینجا با خط درشت تسجیل کنیم اینکه این گفت‌وگوها - که اکثراً سیاسی‌اند - در تناسب با وضعیت همان روزگار و در فضای سیاسی و منافع مردم و جهاد و مقاومت مردم، نگاشته شده است؛ از این رو، نباید در حین خوانش این گفت‌وگوها، زمان بیان این گفت‌وگوها فراموش شود.

کارما:

کار ما در این اثر چنین بوده:

در گام نخست، سخنان رهبر شهید را حروف‌نگاری کردیم و بعد مطابق دستورالعمل تدوینی خویش دست به تصحیح زدیم و از آن بعد در کنار مُعرَفی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، دست به مستندسازی روایات و نقل قول‌ها، ترجمه آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها و ویرایش زدیم.

درکُل، چنانکه ما در مقدمه نخست جلد خط رهبر گفتیم، اینک در مقدمه جلد دوم «گفت‌وگوی رهبر» تکرار می‌کنیم که چشم‌داشت ما از این کار این است: نسلی که به دلایلی از معیت با این گفت‌وگوهای‌های روشنگر، به دور بودند؛ امروزه در متن این گفت‌وگوها قرار گیرند؛ تا رغبت جنیدن در آنان بیدار شود.

پیش از بستن این برگه‌ها بر خود لازم می‌دانم که از همکاران و برادرانم در مرکز تدوین خیرالله خیرخواه، دلاور نسیمی، محمد کامل عمران و عبدالحمید اواب، بابت زحمات‌شان در کار تدوین آثار سپاسگزاری کنم. أجرهم علی الله وسدد خطاهم.

به هر رو امید ما از حضرت باری تعالی این است که همان گونه که توفیق بخشید و توانستیم که تا کنون جلد دهم خط رهبر را روانه چاپ‌خانه کنیم،

قادر شویم که «گفت‌وگوی رهبر» را هم مسلسل کنیم تا از حقایق زیادی پرده برداشته شود و حقایق زیادی تسجیل برگه‌های تاریخ گردد.
به امید روزی که بتوانیم به این مأمول دست یابیم وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ.

فضلی آماج

رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

گفت و گوی نزدیک
با
روزنامه الشرق الأوسط

تاریخ: ۱۵ دسامبر ۱۹۹۶م



خبرنگار: آیا هنوز حکومت خود را، حکومت قانونی قلمداد می‌کنید؟
استاد: یقیناً؛ زیرا ما حکومتی هستیم که همه کشورها ما را به رسمیت می‌شناسند، کما اینکه سازمان ملل متحد^۱ اضافه بر سازمان‌های دیگر جهانی که ما عضویت‌شان را دارا ایم. ما را به رسمیت می‌شناسند و با آنکه میهن ما اوضاع دشواری را پشت سر می‌گذارد؛ اما این دولت همچنان پایدار خواهد ماند.

خبرنگار: ولی در حدود دو ثلث کشور به شمول کابل تحت تسلط جنبش طالبان قرار دارد که مخالف حکومت شماسست و می‌خواهد شکل حکومت قانونی را به خود بگیرد؟

استاد: آری؛ ولی باید به خاطر بیاوریم که رژیم سابق کابل و حتی بیشتر از دو ثلث کشور را تحت تسلط داشتند، در حالی که اراضی تحت تصرف طالبان کم‌تر از اراضی تحت تصرف رژیم سابق است؛ زیرا طالبان تنها در شهرهای عمده حضور دارند و به دلیل داشتن پول زیاد و اسلحه پیشرفته، این

۱. سازمان ملل متحد: سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۴۵م، تأسیس و جایگزین جامعه ملل شد. این سازمان، توسط ۵۱ کشور تأسیس و در سال ۲۰۱۱م، ۱۹۳ عضو داشته است. اعضای آن تقریباً شامل همه کشورهای مستقلی اند که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند. مقر سازمان ملل متحد در نیویارک است و کشورهای عضو و مؤسسات وابسته، در طول هرسال با تشکیل جلسات منظم در مورد امور بین‌المللی و امور اجرایی مربوط به آن‌ها تصمیم می‌گیرند. سازمان ملل در پایان جنگ جهانی دوم از سوی کشورهای پیروز در آن جنگ، شکل گرفت و سازمان و روال حاکم بر فعالیت آن نشان از شرایط جهانی بعد از جنگ دوم دارد. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۳۳۴ - ۳۳۶. «مرکز تدوین»

مناطق را متصرف شده و بسیاری از قوماندانان محلی را با پول خریده‌اند، روی هم‌رفته جنبش طالبان هیچ‌گونه ریشهٔ مردمی و سیاسی ندارد و ما باید به خاطر بیاوریم که هلاکو^۱ بغداد را در زمانی که پایتخت خلافت اسلامی بود، متصرف شد؛ ولی او و لشکریانش بالاخره مجبور به ترک آن گردیدند؛ زیرا ایشان نیروی بیگانه بودند و هیچ‌گونه تأثیر و نفوذی از خود بجا نگذاشتند. طالبان نیرومندی ارتش اسکندر کبیر^۲ را ندارند و به یاری خداوند «إن شاء الله» آن‌ها را از کشور بیرون می‌رانیم.

خبرنگار: چرا تصمیم عقب‌نشینی از کابل را اتخاذ کردید؟

استاد: این یک گام تاکتیکی بود تا از به راه افتادن حمام خون در کابل جلوگیری کنیم و روی همین علت نیروهای خود را بیرون کشیدیم تا جنگ را طبق شروط خویش ادامه بدهیم.

خبرنگار: منظورتان از این حرف چیست؟

استاد: جنگ هنوز پایان نیافته است و من نمی‌توانم، از پلان‌های جنگی

۱. هلاکو خان: (۶۱۵-۶۶۳/۱۲۱۸-۱۲۶۵م مراغه) فرزند پنجم تولی خان و نوهٔ چنگیز خان و مؤسس سلسله ایلخانان بود. او بعد از این که برادرش منگو قآن به مقام قآنی یعنی خان بزرگ رسید، در سال ۶۵۶ هـ.ق به جنگ خلافت عباسی رفت و آخرین خلیفه عباسی المستعصم بالله را کشت و با این کار خلافت عباسی منقرض شد و سلطه پانصد و اندی ساله خلافت عباسی بر سرزمین‌های اسلامی از بین رفت. نگاه: اشپولر، برتولد ۱۳۵۱. تاریخ مغول در ایران. تهران: علمی و فرهنگی. «مرکز تدوین»

۲. اسکندر کبیر: اسکندر سوم مقدونیه معروف به اسکندر بزرگ یا اسکندر کبیر، پادشاه مقدونیه در یونان باستان بود. او در سال ۳۵۶ پیش از میلاد در شهر «پلا» متولد شد و تا سن ۱۶ سالگی تحت تعلیم ارسطو قرار داشت. اسکندر توانست تا پیش از رسیدن به سن سی سالگی یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های دنیای باستان را شکل دهد که از دریای یونان تا هیمالیا گسترده بود. او در جنگ‌ها شکست‌ناپذیر می‌کرد. از اسکندر به‌عنوان یکی از ده فاتح بزرگ در سرتاسر تاریخ یاد می‌شود. پس از آنکه پدر اسکندر، فیلیپ دوم مقدونیه، به قتل رسید، اسکندر در سال ۳۳۶ ق.م به جای او بر تخت سلطنت نشست. اسکندر کشوری نیرومند و ارتشی کارآزموده را از سلطنت پدرش به ارث می‌برد. سرلشکری یونان به او اعطا شد و او از این موهبت برای تحقق بخشیدن به بلندپروازی‌های نظامی پدرش نهایت استفاده را برد. در سال ۳۳۴ ق.م به آسیای صغیر، در سال ۳۲۶ ق.م به هند و پس از تسخیر تخت جمشید به دست یافت و هفت سال در آنجا حکومت کرد. اسکندر در سال ۳۲۳ ق.م به بابل بازگشت و همان‌جا بیمار شده و نهایتاً در سن ۳۳ سالگی از دنیا رفت. نگاه: راهنمای مستند تخت جمشید، ص: ۱۹.

خودمان پرده بردارم، با آن‌هم اظهار می‌دارم که حادثه‌ای به وقوع می‌پیوندد. طالبان برای تهاجمات جدیدی پلان می‌سنجند؛ زیرا ایشان می‌دانند که هرگز موفق نمی‌شوند. آن‌ها هنوز هم از نگاه نظامی و مالی از پشتیبانۀ نیرومندی برخوردارند؛ اما به عقیده من حوادثی چند، موقعیت ایشان را ضعیف ساخته و ما را قادر می‌سازد تا علیه ایشان به شکل فیصله‌گن اقدام کنیم.

قبل از همه هاله‌ای از شکست‌ناپذیری که این جنبش را احاطه کرده بود، با ناکامی آنان در راه داخل شدن به وادی پنجشیر^۱ و عقب‌نشینی اجباری نیروهای آنان به کابل، از هم پاشید و در حال حاضر نیروهای ما در چند کیلومتری پایتخت قرار دارند، کما اینکه ما تعداد زیادی از افرادشان را به اسارت گرفته‌ایم و اضافه براین، حقیقت دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه جنبش طالبان پرده از چهره خود برداشت؛ زیرا این جنبش ادّعا می‌کرد که نیروی بی‌طرفی است و برای خدمت به کافۀ ملّت و نجات از گروه‌گرایی مجاهدین و تأسیس حکومت موقت گرفته‌اند و حتی ایشان در قندهار^۲ شایع ساخته بودند که به نمایندگی از پادشاه سابق^۳ عمل می‌کنند؛ ولی اینک روشن شده است که همه این ادّعاها دروغ بوده است؛ چه ایشان، (پادشاه سابق) را که از همه ادّعاهای طالبان اعلان برائت کرد، مورد حمله قرار دادند و علی‌الرغم ادّعای‌شان مبنی بر اینکه هیچ‌گونه اهداف سیاسی ندارند، بسیاری از افغان‌ها به‌خصوص در هرات و کابل، مستقیماً چهره اصلی طالبان را مشاهده کردند و از ماهیت ایشان باخبر شدند و دانستند که آن‌ها باند قدرت‌طلب و ماجراجویی بیش نیستند که هیچ‌گونه احترامی به ملّت افغان و دین و فرهنگ و طرز زندگی مردم ندارند و

۱. پنجشیر: در شرق افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۳۷۷۱٫۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۸۶هـ.ش، حدود ۱۳۴٫۴ هزار نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر «بازارک» است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۳۰۵ - ۳۱۲. «مرکز تدوین»

۲. قندهار: در جنوب افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۵۴۸۴۴٫۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱هـ.ش، حدود ۱۱۵۱٫۱ نفر محاسبه شده است، مرکز آن شهر قندهار است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۹۱. «مرکز تدوین»

۳. منظور استاد از پادشاه سابق، ظاهرشاه است. «مرکز تدوین»

بنابراین، مردم از ایشان فرار می‌کنند.

همچنان عامل دیگری علیه طالبان وجود دارد و آن عبارت از تغییر حکومت پاکستان^۱ است که اخیراً صورت گرفت؛ زیرا جنبش طالبان در واقع مزدور حکومت سابق پاکستان بود.

خبرنگار: منظورتان این است که پاکستان از طالبان دست‌بردار شده است؟
استاد: قضاوت در این مورد پیش از وقت است؛ ولی من در حال حاضر خوش‌بین نیستم؛ زیرا پاکستان برای تغییر سیاستی که حکومت گذشته سرمایه‌گذاری زیاد مالی و تلاش فوق‌العاده‌ای در مورد آن کرده است، به وقت ضرورت دارد. پاکستان می‌تواند و حتی وجیهه‌اش است که با دولت افغانستان روابط مستحکمی برقرار سازد؛ لکن اشتباه خواهد بود اگر کسی در پاکستان گمان کند که چنین هدفی از طریق گروه مزدوری برآورده خواهد شد؛ زیرا ملت افغان آزادی و استقلال خود را مقدس می‌شمارد و اضافه بر آن، پاکستان باید این را بداند که گروه طالبان آرامش خود پاکستان را به خطر مواجه می‌سازد؛ چون امکان ندارد در خانه همسایه آتش بیفروزی و آرزوی عدم سرایت آن را به خانه خود داشته باشی.

خبرنگار: به چه دلیل معتقدید که پاکستان از طالبان حمایت می‌کند؟

استاد: در دوران جهاد، پاکستان دو یا سه گروهی از مجاهدین را مورد توجه خاص قرار داد، به این امید که بعد از شکست رژیم سابق زمام امور را در افغانستان آنان در دست بگیرند؛ ولی رژیم سابق بدون شرکت این گروه‌ها سرنگون شدند و پاکستان برای دوسال کمک خود به این گروه‌ها را به امید گسترش نفوذ خویش ادامه داد؛ اما این آرزو تحقق نیافت و در پی آن حکومت جدیدی در اسلام‌آباد^۲ تشکیل شد و این حکومت پنداشت که

۱. جمهوری اسلامی پاکستان: کشوری است که در جنوب‌غربی قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۷۹۶۰۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۱۸۴۴۰۵۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن اردو، انگلیسی، پایتخت آن شهر «اسلام‌آباد» و واحد پول آن روپیه پاکستان است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۰. «مرکز تدوین»

۲. اسلام‌آباد: پایتخت جمهوری اسلامی پاکستان است. «مرکز تدوین»

نیاز به ایجاد نیروی تازه‌نفسی برای خدمت به منافع پاکستان در افغانستان وجود دارد؛ زیرا پاکستان می‌خواهد پایگاه استراتژیک ژرف و جاودانه‌ای علیه هند^۱ داشته باشد و بنابراین، اگر با آسیای میانه^۲ پیوندی برقرار سازد، می‌تواند علاوه بر داشتن چنان پایگاهی، نفوذ چشم‌گیری نیز در بخش‌های تجارتي، فرهنگی، سیاسی و دیپلماتیک به دست آرد.

مسئله دیگری نیز در این رابطه وجود دارد و آن بخش‌های آسیای میانه است که نظر به وجود منابع بزرگ انرژی در قزاقستان^۳ و سایر بخش‌های آسیای میانه است که به نظر کارآگاهان، بزرگ‌ترین ذخایر انرژی را بعد از خلیج^۴ در بر دارد؛ اما سؤال در رسانیدن این منابع به جهان صنعتی است و

۱. هند یا هندوستان: کشوری است که در جنوب قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۳۱۶۵۵۹۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۱۱۷۳۱۰۸۰۰۰ نفر تخمین شده است که دومین کشور پرجمعیت دنیا پس از چین به شمار می‌آید. زبان رسمی آن هندی و انگلیسی، واحد پول آن روپیه هند و پایتخت آن دهلی نو می‌باشد، هند معجونی از ادیان مختلف و فرقه‌های مذهبی گوناگون است. پیشینه ورود اسلام به هند از اواخر قرن ۱ قمری و با سقوط پادشاهی ساسانی آغاز شد، گسترش اسلام در دوران سلطان محمود غزنوی و تصرفات وی در پنجاب ادامه پیدا کرد و در دوران حکومت گورکانیان هند به اوج خود رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۲، «مرکز تدوین»

۲. آسیای میانه: در میان در رود آمو دریا و سیر دریا جای دارد. در منابع کهن تر عربی و فارسی «ماوراءالنهر» و در فارسی «فرارود» گفته می‌شود. اگرچه مرزهای دقیقی برای این سرزمین تعریف نشده است؛ اما معمولاً کشورهای امروزی ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و سرزمین‌های دیگری چون: افغانستان، شمال‌شرق ایران، مغولستان، کشمیر، شمال و غرب پاکستان و گاه سین‌کیانگ در غرب چین و جنوب سائیریا در روسیه را نیز شامل آسیای میانه می‌دانند. آسیای میانه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی سابق در ۱۹۹۱ م، کاملاً مستقل و آزاد شدند. نگاه: نوشته «آسیای مرکزی و حدود آن»، بهرام امیر احمدیان، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۵ (تابستان ۱۳۷۳)، ص: ۳۷ - ۳۸. «مرکز تدوین»

۳. قزاقستان: جمهوری قزاقستان یکی از کشورهای بزرگ در آسیای میانه است. پایتخت آن شهر آستانه، مساحت آن ۲۷۱۷۳۰۰ کیلومتر مربع بوده و از لحاظ وسعت نهمین کشور بزرگ در دنیا است. نفوس آن در سال ۲۰۱۰ به ۱۶۳۱۰۰۰۰ نفر می‌رسید، طبق برخی آمارها، ۶۳ درصد جمعیت قزاقستان قزاق، ۳۳ درصد روس و متباقی ملیت‌های دیگر است. در قزاقستان بیشتر از صد ملیت زندگی می‌کنند. اسلام و مسیحیت بیش‌ترین پیرو دارند؛ اما سیستم سیاسی دولت سکولار است و بنابراین، نام رسمی قزاقستان «جمهوری قزاقستان» است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۶. «مرکز تدوین»

۴. کشورهای عربی خلیج: به کشورها و دولت‌هایی گفته می‌شود که سواحل و دسترسی به آب‌های

بدیهی است که یکی از راه‌ها روسیه می‌باشد؛ ولی شک و تردید دولت‌های غربی در مسئله استقرار و ثبات این دولت در درازمدت، راه دیگری را مانند ایران^۱ برای انتقال این انرژی در پیش‌روی‌شان قرار می‌دهد؛ اما این راه نیز برای کشورهای صنعتی حاضر، از جاذبه‌ای برخوردار نیست و فقط همان یک راه کوتاه باقی می‌ماند که افغانستان و پاکستان است و اگر این راه گشوده شود، اسلام‌آباد به صورت مستقیم و به قیمت ارزان از این منابع بهره‌مند می‌گردد، کما اینکه پاکستان به مرکز تجارتی بین‌المللی بزرگی و در نهایت به بازیگر مهمی در ساحة جهانی مبدل می‌شود.

خبرنگار: چرا با این منافع پاکستانی مخالفت می‌کنید؟

استاد: ما منفعت مشروع هر دولت همسایه و دوست را می‌پذیریم و چیزی که ما پیشنهاد می‌کنیم همانا شرکت در این منافع است و حاضریم در هر پروژه‌ای که به سود دو کشور افغانستان و پاکستان باشد، سهیم باشیم؛ اما نباید با افغانستان چنان معامله شود که گویا قطعه زمینی است که حق تصمیم‌گیری در مورد آینده خود را ندارد.

طور مثال، دوسال پیش ناگهان شنیدیم که پاکستان و ترکمنستان در مورد تمدید پاپ لاین برای یکی از شرکت‌های نفت امریکائی از طریق افغانستان مذاکره کرده‌اند بدون اینکه هیچ یک، افغانستان را از این موضوع با خبر سازد و بدون اینکه افغانستان در مذاکرات شرکت داشته باشد. درحالی که منطقه

خلیج فارس دارند، معمولاً به این کشورها، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج نیز گفته می‌شود که عبارت‌اند از: عربستان، کویت، قطر، امارات، بحرین و عمان، فرهنگ کشورهای عربی خلیج، علاوه بر اشتراک دینی و فرهنگی برگرفته از اسلام، یکسری روابط قبیله‌ای و زبانی متمایزی در میان کشورهای عربی خلیج وجود دارد. کشورهای خلیج عربی، در سه خصلت مشترک هستند. ۱. درآمد سرشار و انبوه از طلای سیاه (نفت و گاز). ۲. جمعیت انبوه غیر بومی. ۳. رشد اقتصادی سریع. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۳۷. «مرکز تدوین»

۱. جمهوری اسلامی ایران: در جنوب‌غربی قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۷۳۸۸۷۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. پایتخت آن شهر تهران و واحد پول آن «ریال ایران» است. دین رسمی آن اسلام و زبان رسمی آن فارسی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹. «مرکز تدوین»

اساسی برای چنین پروژه‌ای ولایت هرات است که باید همه پایپ‌لاین‌های نفت آسیای میانه از آن بگذرد.

خبرنگار: لکن هرات تحت سلطه طالبان است!

استاد: این درست است و از همین سبب، ما آرزوی حل سیاسی را داریم و نخواستیم منطقه را با جنگ آزاد بسازیم؛ زیرا طالبان می‌دانند که هرات تسلط ایشان را قبول نکرده و هرگز قبول نخواهد کرد.

خبرنگار: آیا می‌پذیرید که شما نیروی طالبان را دست‌کم گرفته‌اید؟

استاد: اعتراف می‌کنم که ما در مرحله نخست عبور این جنبش از پاکستان به افغانستان، به آن ارزش زیادی ندادیم و به این فکر نشدیم که ممکن است به خطر بزرگی تبدیل شود و قادر به دنبال کردن استراتژی خود به سطح ملی باشد؛ زیرا ما معتقد بودیم که طالبان، تنها وظیفه مفیدی را که نجات از بعضی از فرماندهان فاسد مناطق مرزی است، انجام خواهند داد و نیز بدین عقیده بودیم که طالبان همچنان به شکل یک پدیده محلی باقی خواهند ماند؛ ولی این اشتباه بود.

کما اینکه ما آن وقت گمان نمی‌کردیم که توجه پاکستان به طالبان از توجه گذشته اسلام‌آباد به برخی از گروه‌های مجاهدین فراتر رود. نمی‌توان طالبان را تنها آله‌ای در دست اسلام‌آباد تصور کرد؛ زیرا این جنبش جریان‌های گوناگونی را در بردارد؛ مثلاً می‌توان در بین آن، تعدادی از غلزایی‌ها^۱ و برخی از ابنای قبایل پشتون درانی^۲ را یافت که از فرماندهان پیشین خود خسته‌شده و در جست‌وجوی فرمانده جدیدی که جانشین فرمانده سابق گردد، برآمدند.

۱. غلزایی یا غلزّه: نام قبیله‌ای بزرگ از قبایل افغانی است که شعبه‌های بسیاری دارد و در نواحی غزنه و زمین‌هایی که از سوی مشرق به خوست و وزیرستان امتداد می‌یابند سکنی دارد. نگاه: لغت‌نامه دهخدا، ج: ۱۱، ص: ۶۴۷. «مرکز تدوین»

۲. نام قومی از افغان که در اطراف و حوالی قندهار سکونت دارند. گویند به‌سبب کشیدن مروارید در گوش به این لقب ملقب گشته‌اند و این قوم را ابدالی نیز گویند. نگاه: لغت‌نامه دهخدا، ج: ۸، ص: ۹۳۰. «مرکز تدوین»

همچنان در داخل جنبش طالبان، عناصری عقیده دارند که داکتر نجیب^۱ الله به حزب خلق^۲ خیانت کرده و باعث سقوط آن رژیم شده است.^۳ اضافه بر این‌ها، در صف طالبان تعداد زیادی از کادرهای نظامی، به‌ویژه پیلوتان و رانندگان تانک‌ها و توپچی‌ها که در قوای مسلح حکومت کمونیستی خدمت

۱. نجیب: در اگست ۱۹۴۷م، در شهر کابل به دنیا آمد. نجیب از اعضای جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود، پس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷هـ. ش، در حزب کمونیست مشغول کار شد، در سال ۱۹۷۳م، به وسیله شاه محمد دوست و حزب کمونیست هندوستان عضویت K.G.B را می‌گیرد و با نام مستعار «پتوموک» در آرشیف K.G.B درج می‌شود، وی مدتی بعد به مسکوفت و همراه با قوای شوروی در دسامبر سال ۱۹۷۹م، به کابل آمد و به‌عنوان رئیس دستگاه استخباراتی (خاد) دولت، تعیین شد. در این دور جنایات نابخشودنی را علیه زندانیان مسلمان انجام داد، او با جرات بی‌ریا رئیس پلیس مخفی استالین، حکم اعدام و بازداشت هشتاد هزار انسان بی‌گناه را بی‌رحمانه امضا کرد و بدان افتخار هم می‌کرد، تکنیک‌های شکنجه‌گری خاد شامل بی‌خوابی، تکان برقی، شلاق زدن، مشت و لگد زدن، استعمال بوتل فانتا، اِمالة آب‌جوش در روده‌ها، کندن موی سر و کشیدن دندان و ناخن دست و پای و دهه‌ها نوع دیگر شکنجه بود، K.G.B نه‌تنها تمویل و آموزش کارمندان آن را به عهده داشت؛ بلکه ابزارهای شکنجه مخصوص برای کشیدن ناخن را نیز در خدمت آن‌ها گذاشته بود، آهن تیز و میخ‌مانندی را در لبه میز کوفته بودند که بیشتری زندانیان به آن میخ شکنجه می‌شدند. انگشتان دست و پای زندانی را محکم گرفته و انگشت را به‌گونه‌ای قرار می‌دادند؛ تا همان میخ نوک‌تیز در زیر ناخنش برابری شود و بعد آهسته و عذاب دهنده انگشت زندانی را به‌سوی میخ فشار می‌دادند؛ تا میخ زیر انگشت قربانی فرو رود، وی در سال ۱۹۸۶م، جانشین ببرک کارمل شد و قدرت را به‌دست گرفت، سرانجام نجیب در صبحگاه نخستین روز ورود طالبان به کابل در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶م، از مرکز سازمان ملل در کابل بازداشت گردید و به‌همراه برادرش شاهپور احمدزی در چهار راهی آریانا در نزدیکی ارگ ریاست‌جمهوری به دار آویخته شد و اعدام گردید. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد و کتاب «انتصر الافغان وسقط المنجل والسندان» از دکتور محمد مورو و کتاب رها در باد، از خانم ثریا بهاء همسر برادر نجیب، ص: ۳۸۴-۳۸۵ و کتاب «ک.جی. بی، در افغانستان» از واسیلی متروخین، ترجمه حمید سیماب. «مرکز تدوین»

۲. خلق و پرچم: حزب چپ‌گرا و مارکسیستی است که دوشاخه‌ای از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بودند. شاخه پرچم را «ببرک کارمل» و شاخه خلق را «تره‌کی» رهبری می‌کرد. این حزب در زمان حکومت «نجیب» نامش را تغییر داد و به‌نام «حزب وطن» یاد می‌شد، کودتای محسوس هفتم ثور و تجاوز وحشیانه و دمنشانه شوروی سابق که سرآغاز مصیبت‌ها و بدبختی‌های مردم مسلمان و مجاهد ما شد، شهادت، معلولیت و معیوبیت بیش از دو نیم میلیون از مردم مسلمان ما و به زندان کشاندن میلیون‌ها انسان بی‌گناه و هزاران گور دسته‌جمعی در هرگوشه کشور عزیزمان را به همراه داشت، همه از جنایات شوم این دو حزب و حامیان آن‌هاست. نگاه: کتاب «دسایس و جنایات روس در افغانستان»، از دکتور شیراحمد نصری حق‌شناس. «مرکز تدوین»

۳. این تحلیل استاد شهید تأمل‌انگیز است. «مرکز تدوین»

می‌کردند وجود دارند و طبعاً تعداد بسیاری هم از فرصت طلبان و قاچاقچیان مواد مخدر و راهزنان در داخل آنان وجود دارند.

خبرنگار: آیا در بین جنبش طالبان جناحی وجود دارد که گفت‌وگوی شما با آن ممکن باشد؟

استاد: یقیناً... ما با عناصری در داخل این گروه تماس داریم و چنانکه گفتم، این گروه جنبشی است متشکل از عناصر مختلف و آرزوی ما این است که با عناصر ملی که در آن وجود دارند، به تفاهم برسیم و آنان را در هر نوع حکومت ملی که در آینده به وجود می‌آید سهیم نماییم.

خبرنگار: شمار اسرای طالبان نزد شما چند است؟

استاد: گفتن شمار دقیق مشکل است؛ زیرا ما هر روز تعداد جدیدی را به اسارت می‌گیریم؛ اما آخرین رقمی که می‌دانم هزار و دوصد تن است که در بین ایشان چهل پاکستانی هم شامل است؛ ولی فکر نمی‌کنم اسرای از کشورهای دیگر نیز وجود داشته باشد!

خبرنگار: حکومت شما در کجا مستقر است و چگونه کار می‌کند؟

استاد: نخستین وظیفه هر حکومتی، نمایندگی از حاکمیت ملی، آزادی و دفاع از این دوست، این چیزی است که حکومت ما در سطح جهانی آن را انجام می‌دهد. ما از کابل به پروان^۱ منتقل شدیم، تا به حیث حکومت وظایف خود را دور از میدان جنگ ادامه بدهیم؛ اما پروان نیز به میدان جنگ مبدل گشت، در حال حاضر مقر حکومت در تخار^۲ است، شورای وزیران به‌طور منظم جلسات دارد و آقای حکمتیار به حیث صدراعظم نقش خود را ایفا می‌کند.

۱. پروان: از ولایت‌های مهم حوزه مرکزی افغانستان است. مساحت آن ۵۷۱۵٫۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن حدود ۶۳۱٫۶ هزار نفر تخمین شده است و مرکز آن شهر چاریکار است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۲۷۶ - ۲۸۳. «مرکز تدوین»

۲. تخار: یکی از ولایت‌های شمال شرقی افغانستان است. مساحت آن ۱۲۴۵۷٫۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ ش، ۹۳۳٫۷ نفر محاسبه شده است و مرکز آن شهر تالقان است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۴۶۲ - ۴۶۷. «مرکز تدوین»

خبرنگار: پس نقش شورای عالی دفاع چیست؟

استاد: این شوری مسئولیت دارد که سوّمین جنگ آزادی را به پیش ببرد. این شورا به قیادت عبدالرشید دوستم و عبدالکریم خلیلی و پیر سید احمد گیلانی و فرمانده احمدشاه مسعود و دیگران، از همه اقشار ملت نمایندگی می‌کند.

این شوری وظیفه بازبانی کامل استقلال و حاکمیت کشور و تمامیت ارضی آن را به دوش دارد و این کار از طریق سیاسی ممکن است. ما چنین حلی را ترجیح می‌دهیم و تشکیل حکومتی با پایه‌های وسیع به منظور کار در جهت تدوین قانون اساسی جدید و اجرای انتخابات در مدّت یک یا دو سال است و دروازه این حکومت، به روی همه گروه‌های مجاهدین و شخصیت‌هایی که ممکن است سهم مثبت بگیرند، باز خواهد بود.

خبرنگار: آیا چنین حکومتی، شامل پادشاه سابق محمد ظاهر شاه نیز خواهد شد؟

استاد: چرا نه؟ افغانستان به خدمت همه فرزندان‌ش ضرورت دارد؛ اما پادشاه سابق باید خودش پیش قدم گردد تا با طرز کار و روشی که برای آینده بهتر افغانستان، در نظر دارد، آشنا شویم، ما نقش هیچ‌یکی از فرزندان افغانستان را نفی نمی‌کنیم.

خبرنگار: حتی نقش طالبان را؟

استاد: طالبان گروهی از مجاهدین و یا حرکت سیاسی نبوده‌اند؛ اما می‌توانند حزب سیاسی تشکیل بدهند و در عملیه بازسازی کشور از طریق سیاسی و اقتصادی شرکت کنند؛ لکن این جنبش در حال حاضر سخت دچار انشعابات داخلی است و نمی‌تواند رهبری واحدی را برای اجرای مذاکرات در مورد آینده کشور معرفی کنید. به مجرد آنکه با برنامه واضح و مشخص به عنوان یک جنبش سیاسی خود را تنظیم کند، می‌تواند در هر حکومت ملی آینده شرکت داشته باشد.

سیاست ما در این رابطه تغییر نخورده است؛ زیرا ما می‌خواهیم به وحدت

ملی دست‌یابیم و این همان نکته‌ای است که ما به نماینده خاص پیشین سازمان ملل متحد به صراحت بیان داشتیم. او کوشید چنین وحدتی را به وجود آورد تا ما قدرت را به میکانیزم جدیدی تسلیم کنیم؛ ولی وی در این امر موفقیتی به دست نیاورد و ناچار شدیم با وضعی که پیش می‌آید مقابله کنیم.

خبرنگار: آیا نزاع کنونی بعد نژادی دارد؟ بدین معنی که پشتون‌ها در یک صف و تاجیک‌ها، هزاره‌ها و ازبیک‌ها در صف مخالف ایشان قرار گرفته‌اند.

استاد: آنانی که شناخت درستی از افغانستان ندارند، ممکن است گمان کنند که چنین وضعی در این کشور حاکم است؛ لکن حقیقت این است که به فضل خداوند، افغانستان از مرحله احساسات نژادی و قبیلی گذشته است. این بدان معنی نیست که در بین ملت ما احساس انتساب به نژاد یا دین یا قبیله وجود ندارد، بلی وجود دارد؛ ولی همه، احساس مشترکی دارند و این مسلمان بودن و افغان بودن است که بالاتر از پیوندهای نژادی و مذهبی و زبانی و غیره می‌باشد.

مبارزه ما صبغه سیاسی دارد و باید دیگران آن را به همین صبغه بشناسند. ما در افغانستان از مردم نمی‌پرسیم که شما به کدام گروه و یا قبیله یا نژاد یا تشکل مذهبی وابسته‌اید؟

خبرنگار: یقیناً در مورد شک و تردیدی که بعضی از کشورها مخصوصاً ایالات متحده^۱ راجع به حکومت شما دارند، اطلاع دارید؟

استاد: بلی، اطلاع داریم؛ ولی آنچه در موردش اطلاع نداریم، علت حقیقی این شک و تردیدها است، چه در دوران جهاد علیه شوروی‌ها، بعضی از عناصر زمان، ما را دنباله‌رو امریکا می‌دانستند و مورد حمله قرار می‌دادند؛ زیرا ما همیشه خواهان روابط با امریکا بودیم و این بدان جهت که ایالات متحده

۱. ایالات متحده امریکا: کشوری است که در امریکای شمالی موقعیت دارد. مساحت آن ۹۳۶۳۳۶۴ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۳۱۰۰۶۲۰۰۰ نفر تخمین شده است و پایتخت آن شهر واشنگتن است. زبان رسمی آن انگلیسی و واحد پول آن دلار امریکایی است. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۹۹. «مرکز تدوین»

به‌حیث یک ابرقدرت در آن زمان می‌توانست در برابر ثقل اتحاد شوروی^۱ توازن را برقرار سازد. کما اینکه امریکا از جنگ آزادی ما حمایت می‌کرد و پس از آزادسازی کشور نیز سیاست تحکیم روابط با امریکا را در پیش گرفتیم؛ زیرا این عمل منافع ملی ما را به بهترین وجهش منعکس می‌ساخت و همچنان، من از امریکا دیدار به عمل آوردم و دوبار با جورج بوش^۲ رئیس‌جمهور وقت امریکا ملاقات کردم و پیام ما این بود که واشنگتن^۳ آنچه را می‌خواهد در مورد افغانستان بداند، از ما بشنود و نه از حکومت‌های بیگانه. پیش از سال جاری چنین نشده است که امریکایی‌ها در رابطه با سیاست‌های ما و یا به‌طور عموم قضایای مربوط به افغانستان، شکایاتی از ما داشته باشند و در اوایل سال، رابین رافل^۴ به دیدن من به کابل آمد و گفت واشنگتن از ناحیه وجود اردوگاه‌های تربیه تروریست‌ها در خاک افغانستان تشویش دارد. من از وی خواستم نام یکی از مناطقی را که در آن چنین اردوگاه‌هایی وجود دارد، بگیرد.

۱. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی: کشوری بود متشکل از روسیه و چندین جمهوری متحد که از زمان تأسیس در ۱۹۲۲، تا زمان انحلال در ۱۹۹۱م، بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را در بر می‌گرفت و پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد، در دهه ۱۹۸۰م، آثار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد و بالاخره در ۱۹۹۱م، این کشور رسماً منحل شد و به چند کشور دیگر تجزیه شد، یکی از اساسی‌ترین عوامل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را حمله به افغانستان می‌دانند که به اثر شکست در مقابل ملت قهرمان و مجاهد افغانستان، این اتحاد بزرگ از هم پاشید. نگاه: جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیسم، از امیر اعتماد دانشیار. «مرکز تدوین»

۲. جرج واکر بوش (George Walker Bush): متولد ۶ جنوری ۱۹۴۶م، چهل و سومین رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا (۲۰۰۱-۲۰۰۹م) از حزب جمهوری‌خواه است. برخی از مهم‌ترین وقایع قرن بیست‌ویکم از جمله حوادث ۱۱ سپتامبر، جنگ افغانستان و جنگ عراق در دوران هشت‌ساله زمامداری او رخ داد. وی پسر جرج هربرت واکر بوش، چهل و یکمین رئیس‌جمهور امریکا بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ است. نگاه: سیمای خانوادگی جرج بوش، ص: ۱۷-۲۲. «مرکز تدوین»

۳. واشینگتن: شهر واشنگتن پایتخت ایالات متحده امریکا بوده، نفوس آن در سال ۲۰۰۸م به ۵۹۲۰۰۰ نفر می‌رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹. «مرکز تدوین»

۴. خانم رابین رافل از سال ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۰۰م سفیر امریکا در تونس بود و در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون معاون وزیر خارجه امریکا در امور آسیای مرکزی بود. او در سال ۲۰۰۵م پس از ۳۰ سال بازنشسته شد و به‌عنوان نیروی پیمانکار در سفارت امریکا در اسلام‌آباد مشغول کار شد، رافل در دفتر فرستاده ویژه امریکا به افغانستان و پاکستان در واشنگتن کار می‌کرد. «مرکز تدوین»

وی جلال‌آباد را نام گرفت و من برایش توضیح دادم که جلال‌آباد تحت کنترل شورایی است به قیادت حاجی قدیر^۱ که هم‌پیمان مولوی خالص است و هر دو در آن وقت مخالف حکومت بودند. من به وی پیشنهاد کردم که ایالات متحده هیئتی برای بررسی مفصل در این مورد بفرستد. همان بود که سناتور هانک براون را فرستادند. وقتی براون نزد من آمد به او گفتم: مناطقی که گمان می‌شود اردوگاه‌های تروریزم^۲ در آن‌ها وجود دارند نشان داده شود تا ما در جهت بستن اقدام کنیم. این به حق حیرت‌انگیز است؛ زیرا دستگاه‌های اطلاعات جمعی امریکا در این چند سال اخیر، به تکرار این اتهام عادت کرده‌اند که تعداد زیادی از دست‌اندرکاران عملیات تروریستی در ایالات متحده، به شمول آن‌هایی که مرکز تجارت جهانی در نیویارک^۳ را منفجر ساختند، در افغانستان آموزش دیده

۱. حاجی عبدالقدیر: در سال ۱۳۳۳ هـ.ش، در روستای سیدان سرخ‌رود ولایت ننگرهار به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رسانید. در دوران حکومت داود خان همراه برادرانش عبدالحق و حاجی دین‌محمد مهاجرت کردند. پس از کودتای ۷ ثور، وی یکی از مجاهدان مبارزی بود که برضد قشون سرخ مبارزه کرد. پس از سقوط دولت نجیب، در سال ۱۳۷۱ هـ.ش، و پیروزی مجاهدین، به‌حیث والی ننگرهار منصوب و ریاست شورای مشرقی را - نیز - بر عهده گرفت. پس از تصرف ننگرهار توسط طالبان، در سال ۱۳۷۵ هـ.ش، به پاکستان رفت، مدت زیادی طول نکشید که مجبور شد، تا به آلمان مهاجر شود، بعد از سپری کردن مدتی به پنجشیر رفت و با شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور یکجا به مبارزه علیه طالبان پرداخت، این عمل وی طالبان را برآشفست، از این‌رو تعدادی از اعضای خانواده‌اش توسط این گروه قتل‌عام شد. وی در کنفرانس بُن اشتراک کرد و در حکومت موقت به‌حیث وزیر شهرسازی و والی ننگرهار، عضو فعال لویه جرگه اضطراری، همچنان پس از تشکیل دولت انتقالی، به‌حیث معاون رئیس دولت و وزیر فواید عامه کار کرده بود. سرانجام در سال ۱۳۸۱ هـ.ش، در شهر کابل به شهادت رسید. «مرکز تدوین»

۲. ترور (Terror): از ریشه لاتینی Terrere گرفته شده و به معنای ترس و ترساندن است. این واژه (ترور / Terreur) برای نخستین‌بار در سال ۱۷۹۶ م، در متمم فرهنگ لغات «فرهنگستان علوم فرانسه» ظاهر شد و تروریزم را چنین معنا کرد: «نظام یا رژیم وحشت». «واژه‌نامهٔ فرانسوی روی دو تعریف برای تروریزم ارائه می‌کند: ۱- اعمال مستمر خشونت در راه یک هدف سیاسی و اعمال خشونت‌آمیز مربوط به آن؛ ۲- رفتار و کردار حاکی از عدم تحمل و مدارا و ایجاد ارباب. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۱۸۸. «مرکز تدوین»

۳. نیویارک (New York city): یکی از شهرهای مهم و پرجمعیت ایالات متحدهٔ امریکا می‌باشد و یکی از قطب‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهان است. عده‌ای به دلیل اهمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منحصر به فرد نیویورک، این شهر را پایتخت جهان نامیده‌اند. این شهر با مساحت ۸۶۸۳ کیلومتر مربع، وسیع‌ترین شهر ایالات متحده امریکا و وسیع‌ترین منطقهٔ شهری در جهان بوده

و در آن اقامت دارند و این کار در آنجا، برنامه ریزی و اجرا گردید. شاید چنین باشد؛ ولی این موضوع چه ربطی به حکومت افغانستان و یا به‌طور مشخص به سازمان^۱ ما دارد؟

در دوران جنگ آزادی، سازمان ما پیوسته از پذیرش جنگ‌جویان بیگانه در صف خود اجتناب ورزیده است. این بدان جهت بود که نیروی بشری به حد کافی نزد ما وجود داشت؛ زیرا صدها هزار جوان افغانی نزد ما رضاکارانه به غرض سهم‌گیری در جهاد می‌آمدند و این جوانان به دلیل معرفت کاملی که از طبیعت خاک خود داشتند و به دلیل انگیزه نیرومند جنگ با تجاوزگران، نقش ارزشمندی در آزادی کشور بازی کردند. نظر ما در آن وقت این بود که برادران غیر افغان که خواهش شرکت در جهاد دارند، می‌توانند پول سفر خود به افغانستان را به‌صورت نقد بفرستند. جهاد ما به پول و اسلحه ضرورت داشت و نه نیروی بشری؛ ولی روی هم‌رفته بعضی از گروه‌های مجاهدین نظر به دلایلی که به خود آن‌ها مربوط است، رضاکاران بیگانه را در صفوف خود پذیرفتند؛ اما این جناح‌ها بیش از همه، از کمک‌های ایالات متحده، پاکستان و هم‌پیمانان منطقوی‌شان برخوردار می‌شدند. در دوران جنگ آزادی، هزاران تن از رضاکاران بیگانه به تشویق حکومت‌های‌شان به شمول برخی از حکومت‌های خلیج، به پاکستان و افغانستان سرازیر شدند؛ ولی عملاً تعداد اندکی از رضاکاران در جنگ شرکت کردند. به هرصورت، نیروهای ما جنگ‌جویان بیگانه را استخدام نکردند، با آنکه ما از خدمات تعدادی از داکتران خارجی که رضاکارانه نزد ما آمده بودند، استفاده کردیم؛ ولی بعد از آزادی، ایشان خاک افغانستان را ترک گفتند و برخی از آن‌ها در پاکستان مستقر شدند؛ ولی اغلب‌شان به وطن خود بازگشتند و یا به مناطق دیگری به سراغ جهاد رفتند.

نیازی به گفتن ندارد که افغانستان کشوری است محاط به خشکه و رسیدن به خاک آن ایجاب عبور از کشورهای دیگر را می‌کند. حال خود بفرمایید که

و جمعیتی قریب به ۲۰ میلیون نفر دارد. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۹۹. «مرکز تدوین»

۱. منظور استاد شهید از «سازمان ما» جمعیت اسلامی افغانستان است. «مرکز تدوین»

افغان‌های عرب از طریق کدام کشور همسایه داخل افغانستان می‌شدند؟ این قضیه را چند بار با خانم بی‌نظیر بوتو^۱ در محافل متعدد در میان گذاشتم. بدون شک مبارزه با تروریسم بیگانه‌ایجاب همکاری افغانستان و پاکستان را می‌کند. بسیاری از افغان‌های عرب در پاکستان خانه و خانواده دارند و ایشان در سفر به کشورها و جنگ با حکومت‌های‌شان، از خاک پاکستان استفاده می‌کنند و طبعاً جلوگیری از بکار گرفتن خاک افغانستان برای عملیات علیه کشورهای دیگر، همیشه در سرلوحه سیاست حکومت ما قرار داشته و خواهد داشت. من به حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر^۲ و زین‌العابدین بن علی رئیس‌جمهور تونس^۳ با تأکید گفتم: در خاک ما هیچ‌یک از اتباع مصر یا تونس وجود ندارد تا از آن برای اعمال تروریستی استفاده کند.

خبرنگار: در مورد ابن لادن^۴ که در اوایل سال جاری مصاحبه‌هایی با جراید انگلیسی و آلمانی از افغانستان انجام داده است، چه می‌گویید؟

۱. بی‌نظیر بوتو (به اردو: بی‌نظیر بھٹو): سیاستمدار پاکستانی بود که در ۲۱ ژوئن ۱۹۵۳م به دنیا آمد. وی طی دو دوره از سال‌های ۱۹۸۸م تا ۱۹۹۰م و ۱۹۹۳م تا ۱۹۹۶م نخست‌وزیر پاکستان از حزب مردم بود. وی اولین زن مسلمان در تاریخ جهان اسلام بود که به مقام نخست‌وزیری در یک کشور اسلامی رسید. وی در طول دوران فعالیت سیاسی خود بارها به اتهام فساد مالی مواجه شده بود و به همین دلیل از مقام نخست‌وزیری برکنار شد. او را نیز همچون پدرش ذوالفقار علی بوتو دارای گرایش‌های سوسیالیستی و پوپولیستی می‌دانند. مادر بی‌نظیر بوتو نصرت بوتو نام داشت. وی سرانجام در دسامبر ۲۰۰۷م در پاکستان ترور شد و به قتل رسید. نگاه: بازگشت با فرجام، ص: ۲۴. «مرکز تدوین»

۲. مصر: کشوری است که در خاورمیانه موقعیت دارد. مساحت آن ۹۹۷۷۳۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۸۴۴۷۴۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن عربی، واحد پول آن لیره مصر و پایتخت آن شهر «قاهره» می‌باشد، دین رسمی آن اسلام است. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۱۱۰. «مرکز تدوین»

۳. تونس: کشوری است که در شمال آفریقا و جنوب دریای مدیترانه موقعیت دارد، مساحت آن ۱۶۳۶۱۰ کیلومتر مربع و نفوس آن در سال ۲۰۰۹م، ۱۰۴۳۹۶۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن عربی و واحد پول آن دینار تونس است، دین رسمی این کشور اسلام و پایتخت آن شهر تونس می‌باشد. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۱۰۲. «مرکز تدوین»

۴. برای آشنایی با اسامه بن لادن به این منابع مراجعه فرمایید: موسوعة الجزيرة و دانشنامه آزاد. «مرکز تدوین»

استاد: او در ننگرهار^۱ تحت حمایت حاجی قدیر بود و قبل از آن‌هم تحت حمایت گروه خالص قرار داشت که در دوران جنگ آزادی از کمک‌های مالی ابن لادن بهره‌مند می‌شد. علاوه بر آن پاکستانی‌ها از رفت‌وآمد ابن لادن بین ننگرهار و خرطوم از طریق پشاور^۲ مطلع بودند.

خبرنگار: اما طبق نوشته جراید، جنبش طالبان تعهد سپرده است که افغان‌های عرب را دستگیر کند؟

استاد: این مسأله‌ای است که به خود طالبان مربوط است و تا جایی که من اطلاع دارم، طالبان بعد از آنکه در سپتامبر گذشته ده‌ها تن از افغان‌های عرب را دستگیر کرده به قندهار انتقال دادند، اکنون دوباره به گشایش برخی از اردوگاه‌ها اجازه داده‌اند.

خبرنگار: چرا؟

استاد: جنبش طالبان در مورد این موضوع عمیقاً اختلاف و دودستگی دارند. شاید برخی از عناصر نزدیک به ادارات پاکستانی، وعده دستگیری افغان‌های عرب و بستن اردوگاه‌های ایشان را داده باشند؛ ولی بر علاوه رهبران محلی مجاهدین که به طالبان پیوستند، عناصر دیگری در رهبری طالبان غالباً به خاطر منافع مالی می‌خواهند به حمایت از افغان‌های عرب ادامه بدهند.

خبرنگار: آیا ابن لادن در بین این گروه هست؟

استاد: طبق معلوماتی که ما داریم، ابن لادن افغانستان را ترک گفته و

۱. ننگرهار: یکی از ولایات شرقی افغانستان است. مساحت آن ۷۶۴۱،۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، حدود ۱۴۳۶ هزار نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر جلال‌آباد است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۱۸۳ - ۱۱۹۷. «مرکز تدوین»

۲. پشاور: پایتخت ولایت مرزی شمال‌غربی کشور پاکستان است، مساحت این شهر ۱۲۵۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۹۵۵۲۵۴ نفر تخمین شده است. نگاه: روزگاران ایران بهران، ج ۱، ص: ۱۶۵. «مرکز تدوین»

گمان می‌رود بعد از تسلط طالبان بر ننگرهار، کنر^۱ و پکتیا^۲ به خرطوم^۳ رفته باشد و آخرین راپوردهایی که به ما رسیده، بیانگر آن است که وی در ماه نوامبر در معیت بعضی از رهبران طالبان در کابل دیده‌شده است؛ بنابراین باید حدس زد که وی از طریق خاک پاکستان بین سودان^۴ و افغانستان در رفت‌وآمد است.

خبرنگار: قضیه دیگری نیز وجود دارد که برای بسیاری از کشورها مهم است و آن قضیه مخدرات است؟

استاد: شکی نیست که افغانستان به مرکز اصلی قاچاق هروئین تبدیل شده و این حقیقت دارد؛ اما این مشکل در زمان حکومت رژیم سابق بروز کرد و بعد از آزادی، ما خطر مخدرات را بر ضد ملت‌مان درک کردیم و اداره ویژه‌ای برای مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدره تأسیس کردیم و علی‌الرغم قلت امکانات، بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه را برای این هدف تخصیص دادیم و حکومت ما برنامه‌هایی را مبنی بر همکاری با پاکستان و ایران و ترکیه^۵، در

۱. کُنُر یا کُنُرها: یکی از ولایت‌های شرقی افغانستان است. مساحت آن ۴۹۲۵٫۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، ۴۲۸٫۸ هزار نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر «اسعدآباد» است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۲۲۶ - ۱۲۲۹. «مرکز تدوین»

۲. پکتیا: از ولایات جنوب شرقی افغانستان است. مساحت آن ۵۵۸۳٫۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، ۵۲۵ نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر گردیز است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۱۴۲ - ۱۱۴۷. «مرکز تدوین»

۳. خرطوم یا خارطوم پایتخت و دومین شهر بزرگ کشور سودان و مرکز ایالت خارطوم است. نفوس آن در سال ۲۰۰۸م به ۱۴۱۰۸۵۸ نفر می‌رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۴. «مرکز تدوین»

۴. جمهوری سودان: کشوری است که در شمال شرقی قاره آفریقا موقعیت دارد، پایتخت آن شهر «خرطوم» است، مساحت آن ۱۸۸۶۰۶۸ کیلومتر مربع و نفوس آن در سال ۲۰۱۰م، ۳۴۶۷۳۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن عربی است و واحد پول آن پوند سودان می‌باشد، بیش از ۹۷ درصد مردم سودان مسلمان هستند، بقیه را پیروان ادیان محلی آتیمیسیت و اقباط تشکیل می‌دهند. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۴. «مرکز تدوین»

۵. ترکیه: کشوری است که در جنوب غرب آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۷۷۹۴۵۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۷۳۰۸۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. پایتخت آن شهر «آنکارا»، زبان رسمی آن ترکی و واحد پول آن لیره ترکیه است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۱. «مرکز تدوین»

این رابطه در دست گرفت، با آنکه از سازمان ملل متحد برای مبارزه با تولید و قاچاق مخدرات کمک فنی خواستیم؛ ولی کمک موردنظر را به دست نیاوردیم. بعضی‌ها امریکایی‌ها را قناعت داده بودند که طالبان تجارت مخدرات را از بین خواهند برد؛ اما اینک آن‌ها درک می‌کنند که به این سخن فریب خورده بودند؛ زیرا عناصری که بر جنبش طالبان مسلط‌اند، امکان ندارد خواست امریکایی‌ها و هم‌پیمانان‌شان را برآورده سازند. کسی نمی‌تواند از سراب، سیراب شود.

بدون شک ۴/۵ حصه هیروئینی که در افغانستان تولید می‌شود، در دو سال گذشته از مناطق تحت کنترل طالبان آمده است و باید امریکایی‌ها از طریق تصاویری که اقمار مصنوعی می‌بردارند، این حقیقت را درک کرده باشند.

خبرنگار: منتقدان شما می‌گویند که می‌کوشید بلاکی را با دهلی نو^۱ و ماسکو^۲ و تهران^۳ تشکیل دهید؟

استاد: این سخن بیهوده‌ای است. موقف طبیعی افغانستان به حیث ملّتی در بین ملّت‌ها همانا موقف بی‌طرفی است. ما به همه همسایگان و دیگران بدون داخل شدن در پیمان‌های نظامی، خواهان روابط طبیعی ایم و ما با هیچ جبهتی

۱. دهلی نو (New Delhi): پایتخت کشور هند و دومین شهر پرجمعیت جهان، پس از توکیو است. نفوس آن در سال ۲۰۰۱ م به ۳۰۲۳۶۳ می‌رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۲. «مرکز تدوین»

۲. مسکو (به روسی: Москва): پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر در کشور روسیه است. این شهر با جمعیت ۱۰۵۶۳۰۳۸ نفر پرجمعیت‌ترین در قاره اروپا و یازدهمین شهر پرجمعیت در جهان است. این شهر در کنار رودخانه مسکو و در ناحیه فدرالی مرکزی قرار دارد و در روسیه اروپایی واقع شده است. این شهر از مهم‌ترین مراکز سیاسی، اقتصادی، مذهبی، تاریخی، مالی و آموزشی فدراسیون روسیه و اروپا به‌شمار می‌آید. کاخ کرملین، قلعه‌ای باستانی در این شهر است که محل زندگی رئیس‌جمهور روسیه و استقرار قوه مجریه این کشور است. این شهر در دوران جماهیر شوروی پایتخت آن کشور بود. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۳. «مرکز تدوین»

۳. تهران: پرجمعیت‌ترین شهر و پایتخت ایران، مرکز استان تهران و شهرستان تهران است. نفوس آن در سال ۲۰۰۷ م به ۲۷۴۳۷۹۶ نفر می‌رسید. از جمله بیست و چهارمین شهر پرجمعیت جهان و پرجمعیت‌ترین شهر باختر آسیا به‌شمار می‌رود. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹. «مرکز تدوین»

معاهده‌ای امضا نکرده‌ایم که از نزدیک یا دور شباهتی با معاهدات نظامی داشته باشد. ما با عزم و اتکا به امکانات خویش و بدون کمک احدی، در برابر تجاوز بر حکومت ما در کابل، دفاع کردیم. ما روابط نزدیکی با کشورهای متعدد، به‌خصوص مصر و ترکیه و آلمان^۱ و فرانسه^۲ داریم و از پیشنهاد ترکیه مبنی بر انعقاد کنفرانسی در انقره^۳ راجع به معضلهٔ افغانستان استقبال کردیم و ضمن نامه‌ای از ملک فهد بن عبدالعزیز خواستیم که در کوشش‌های تازه‌ای برای استقرار صلح در افغانستان؛ با ابتکار مستقیم سعودی^۴ و یا در چوکات سازمان کنفرانس اسلامی^۵ ما را، یاری دهد و از صمیم قلب آرزو داریم که به‌منظور کمک جهت یافتن راه‌حل سیاسی برای جلوگیری از خون‌ریزی بیشتر،

۱. جمهوری فدرال آلمان: کشوری در قارهٔ اروپاست. مساحت آن ۳۵۷۰۲۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۸۱۶۴۴۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. واحد پول آن یورو، زبان رسمی آن آلمانی و پایتخت آن شهر «برلین» است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۶. «مرکز تدوین»
۲. فرانسه کشوری است که در قارهٔ اروپا موقعیت دارد. مساحت آن ۵۴۳۹۶۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۶۲۹۶۲۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. زبان رسمی آن فرانسوی، واحد پول آن یورو و پایتخت آن شهر پاریس است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۶. «مرکز تدوین»

۳. انقره یا آنکارا پایتخت کشور ترکیه بوده و نفوس آن در سال ۲۰۰۷ م به ۳۷۶۳۵۹۱ نفر می‌رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۱. «مرکز تدوین»

۴. عربستان سعودی یا جزیرهٔ العرب: بزرگ‌ترین کشور در غرب آسیاست، این کشور که بخش عمدهٔ شبه‌جزیرهٔ عربستان را در بر گرفته‌است، بیت‌الله الحرام، مسجدالنبی/ و آرامگاه رسول اکرم/ در آن قرار دارد، مساحت آن ۲۱۴۹ میلیون کیلومتر مربع بوده و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۲۷۱۳۶۹۷۷ نفر تخمین شده‌است که فقط ۱۶ میلیون آن‌ها شهروند این کشور و بقیه از اتباع خارجی‌اند، دین رسمی آن اسلام و پایتخت آن شهر «ریاض» می‌باشد. نگاه: شناخت عربستان، از محمدی آشتیانی، علی، چاپ اول، تهران: مشعر، ۱۳۸۱ هـ. ش. شامی، یحیی، موسوعة‌المدن العربیة والإسلامیة، دارالفکر العربی، بیروت، چاپ: ۱۹۹۳ م به عربی. «مرکز تدوین»

۵. سازمان کنفرانس اسلامی: با ۵۷ کشور عضو در چهار قاره جهان، یکی از سازمان‌های بین‌المللی کنونی جهان و دومین سازمان بین‌دولتی پس از سازمان ملل متحد است. دبیرخانه، دادگاه بین‌المللی عدل اسلامی و کمیته‌های تخصصی از ارکان سازمان کنفرانس اسلامی است که رکن عالی آن، پادشاهان و رؤسای کشورها و سران دولت‌هاست که هر سه سال یکبار در پایتخت یکی از کشورهای عضو سازمان برگزار می‌شود. علاوه بر اجلاس کشورهای اسلامی، یک اجلاس دیگری توسط وزرای خارجه کشورهای اسلامی هر سال یکبار و در صورت لزوم چندبار تشکیل می‌گردد. نگاه: سازمان‌های بین‌المللی، ص: ۳۲۵. «مرکز تدوین»

کنفرانسی در جده^۱ انعقاد یابد. ما در وضعی قرار نداریم که اجازه افزایش لیست سیاه دشمنان مان را بدهد، ما به کمک همه نیاز داریم و از هرکسی که به ملت افغان درین وضع مصیبت بار کمک می‌کند، ممنون خواهیم بود. چه: دوست آن باشد که گیرد دست دوست * در پریشان حالی و درماندگی^۲ همچنان ما مخلصانه آرزومندیم که پاکستان و ایالات متحده با در نظر داشت حقایق موجود، به سیاست‌های خود در قبال ما تجدیدنظر کنند. این دو کشور حالا درک بهتری از جنبش طالبان و مفکوره حقیقی‌شان دارند و باید بدانند که توطئه طالبان در مرزهای افغانستان توقف نمی‌کند و ایالات متحده و پاکستان باید دقیقاً متوجه باشند که اگر درنده‌ای از نوع فرانکشتاین^۳ ایجاد کنند، اول‌تر از همه گلوی خودشان را خواهد فشرد.

پاکستان به دلیل وجود برخی از عناصر قبایلی در ایالت مرزی شمال غربی‌اش که هنوز از امتیازات خاصی برخوردارند که انگلیس‌ها برای‌شان داده بود، واقعاً به خطر همه‌جانبه‌ای مواجه است؛ چون این قبایل حکومت مرکزی پاکستان را به رسمیت نمی‌شناسند.

خرنگار: می‌توانم از معلوماتی که درباره لحظات اخیر حیات داکتر نجیب‌الله دارید، بپرسم؟

استاد: زمانیکه طالبان کابل را مورد حمله قرار دادند، با اعضای کابینه و

۱. جده: شهری است در غرب کشور شاهی عربستان سعودی واقع در شبه جزیره عربستان این شهر بر کرانه دریای سرخ قرار دارد و به عروس (البحر الأحمر) «عروس دریای سرخ» ملقب است و در آن ۳۱۶۱۰۰۰ جمعیت زندگی می‌کند. نگاه: اطلس جامع گیتی شناسی، ص: ۱۰۵. «مرکز تدوین»

۲. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین، گلستان، باب اول، حکایت شماره ۱۶. «مرکز تدوین»

۳. فرانکشتاین: هیولای فرانکشتاین، یک شخصیت تخیلی است که برای اولین بار در سال ۱۸۱۸م، در رمان فرانکشتاین مری شلی ظاهر شد. این موجود همچنین به‌عنوان مخلوق فرانکشتاین، آدم، گرگ یا پرومته مدرن نیز نامیده می‌شود. در داستان مری شلی، ویکتور فرانکشتاین موجودی را در آزمایشگاه خود از طریق روشنی متشکل از شیمی و کیمیاگری می‌سازد. نام هیولای فرانکشتاین در فرهنگ عامه وارد شده و در اشکال مختلف رسانه‌ای از جمله فیلم‌ها، سریال‌های تلویزیونی و بازی‌های ویدیویی نیز به نمایش درآمده. معروف‌ترین نسخه او، ایفای نقش هیولا توسط بوریس کارلوف در فیلم فرانکشتاین سال ۱۹۳۱م است. نگاه: مری شلی، (۱۸۱۸م). فرانکشتاین، مترجم:

محسن سلیمانی. «مرکز تدوین»

فرماندهان ارشد نظامی نشستی اضطراری برگزار کردیم و بعد از گفت‌وشنود زیاد همه موافقت کردند که برای جلوگیری از خونریزی موقت از کابل عقب‌نشینی کنیم و در پی آن به هر کسی که زندگی‌اش بعد از عقب‌نشینی ما در خطر خواهد بود، احوال دادیم که از کابل خارج شود و نماینده‌ و ویژه‌ای نیز به نزد داکتر نجیب که به نیابت از ملل متحد حمایتش می‌کردیم، فرستادیم و به وی پیشنهاد کردیم که همراه با برادرش به ما بپیوندد؛ اما او به نماینده‌ ما گفت که از این پیشنهاد ممنون است؛ ولی نظر به اقدامات معینی که در مورد حفظ جان‌ش گرفته‌شده است، رغبتی به ترک کابل ندارد. ما زیاده از این در مورد این قضیه فکر نکردیم و پنداشتیم که اقدامات موردنظر وی از طریق سازمان ملل اتخاذ گردیده است که تا زمان تسلیمی‌اش به محکمه، که جرایمش به حق ملت افغان مشهور بود [در امان است.].؛ اما بعداً دانستیم که بعضی از حلقات اتصال در ایالات متحده، به وی وعده داده بودند که از طریق پاکستان به غرب فرارش بدهند و در مقابل او وعده داده بود که در مورد دوران کارش در خاد (اداره جاسوسی افغانستان) به حیث رئیس آن اداره و نیز به حیث رئیس جمهور افغانستان و همکاری گذشته‌اش با شوروی‌ها، معلومات بدهد.

ما در مورد هویت این حلقات ارتباط امریکایی معلوماتی نداریم؛ ولی ما میدانیم که طالبان از این موضوع مطلع شده و قبل از حرکت آن حلقات، به حیات وی خاتمه دادند. گروهی از طالبان به مقر داکتر نجیب رفتند و بر وی و برادرش آتش کشودند و هر دو را بعد از کشتن به دار آویختند. بر اساس معلوماتی که داریم، حلقات ارتباط، نیم ساعت بعد برای نجات داکتر نجیب با موتر ضدگلوله آمدند؛ ولی دیگر کار از کار گذشته بود و داکتر نجیب فرصت را خودش از دست داد.

خبرنگار: اگر نجیب به رفتن با شما موافقه می‌کرد آیا اعدامش نمی‌کردید؟
استاد: هرگز نه، ما به سازمان ملل متحد تعهد سپرده بودیم که تا زمان استقرار حکومت منتخب در افغانستان و اتخاذ تصمیم درباره وی، حفاظتش کنیم.

خبرنگار: ناظران فکر می‌کنند که رکود در دو بعد نظامی و سیاسی در افغانستان حاکم است، شما توقع چه حادثه‌ای را در آینده نزدیک دارید؟

استاد: این رکود امکان ندارد برای همیشه ادامه یابد؛ چون در بسیاری از ولایات زمینه قیام‌های ملی علیه طالبان مساعد می‌گردد و به مجردی که این جنبش‌ها به راه افتد نیروهای مسلح ما تحرکات لازم را برای کمک با آن انجام خواهد داد؛ مثلاً در شمال کابل، ملت علیه طالبان قیام کردند و این کار زمینه به‌دست گرفتن ابتکار را برای نیروهای مسلح ما مساعد ساخت و بدین گونه، ضد حمله ما در ماه اکتوبر آغاز گردید و طبعاً ما مساعی خود را در جهت یافتن راه‌حل سیاسی ادامه خواهیم داد و در حال حاضر برای این کار کانال‌های بازی وجود دارد و طبعاً من نمی‌خواهم درین مورد وارد تفصیلات شوم؛ ولی ما به هیچ صورت خیال‌پرستی نمی‌کنیم. ما این حقیقت را درک می‌کنیم که باید آماده جنگ باشیم، علی‌الرغم آنکه حلول زمستان تا حد زیادی مسیر جنگ را معطل می‌سازد؛ ولی چیزی که ما به آن یقین داریم این است که به‌زودی طالبان را از همه شهرهایی که اشغال کرده‌اند، به شمول کابل بیرون می‌رانیم و در پی آن حکومت وحدت ملی تشکیل می‌دهیم.^۱

۱. منبع گفت‌وگو: میزان، ارگان نشراتی سفارت کبرای دولت اسلامی افغانستان - دهلی جدید، شماره چهارم، سال اول، ۲۶ قوس ۱۳۷۵ هـ ش - ۱۵ دسمبر ۱۹۹۶ م. «مرکز تدوین»

گفت و گوی بیستم
با
عبدالفتاح واحد، روزنامه نگار و سردبیر روزنامه
جوانان تاجیکستان

تاریخ: ۱۵ مارچ ۱۹۹۲ م (۱۳۷۰/۱۲/۲۵)



خبرنگار: استاد، مبارزه شما طولانی ست، بفرمایید که چه سودی از آن به دست آوردید؟

استاد: ما در جنگ نابرابری، بیش از ۱،۱ میلیون نفر شهید دادیم. در ابتدا ضد تانک‌های پر قدرت شوروی نمی‌دانستیم چطور بجنگیم، با سنگ و وسایل ابتدایی دیگر می‌جنگیدیم؛ ولی واقعاً سودی نداشت بیشتر متضرر بودیم. داستان آن روزها طوری است که مردم خود را زیر چاب‌های تانک می‌انداختند، تا آن‌ها را بازدارند؛ ولی بازهم سودی نداشت. مشکلات را تحمل می‌کردیم. واقعه‌ای در خاطر من سخت نقش بسته است، در بادغیس دو برادر، یکی موی سفید و جهان‌دیده و دیگری جوان کم‌تجربه؛ اما هر دو خانواده و فرزندان، پیش از نبرد بحث طولانی داشتند. برادر بزرگ طلب می‌کرد؛ او در جنگ ضد دشمن شهادت می‌خواهد و از برادر خود خواهش می‌کند که او زنده بماند، تا پشتیبان خانواده و فرزندان باشد. برادر خورد در نوبت خود طلب می‌کرد که «نه بگزار برادر بزرگم زنده بماند؛ زیرا او حج رفته است و در دل آرمان ندارد» نهایت هر دو در جنگ فتح قلعه^۱ اشتراک داشتند. برادر بزرگ شهید شد و برادر کوچک زخمی.

۱. قلعه نو: مرکز ولایت بادغیس و از بزرگ‌ترین نقطه مسکونی ولایت بادغیس است و در پهنای یک تپه در شمال بند بادغیس (سفیدکوه) واقع شده است. قلعه نو در کنار جاده‌های قادس و کشک که از راه تجارتی هرات - میمنه جدا می‌شوند، واقع است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۸۸۰ - ۸۸۵. «مرکز تدوین»

خبرنگار: نظر تان به افغان‌های که فعلاً در تاجیکستان^۱ زندگی، کار و تحصیل دارند، چیست؟

استاد: به هر مِلّت از روی نمایندگان آن بها می‌دهند؛ ولی عده‌ای از افغان‌هایی که فعلاً در تاجیکستان اقامت دارند، دشمنان مردم افغانستان می‌باشند؛ زیرا آنان با کارهای ناشایسته خود و با مشغولیت‌های غیرشرعی، مردم افغانستان را در نظر مِلّت تاجیک بد معرفی می‌کنند.

خبرنگار: مناسبت شما با اسیران شوروی، چگونه است؟

استاد: جوانان شوروی سابق که فعلاً با ما، اسیر نیستند، آزادند و هر وقتی که بخواهند، می‌توانند به وطن‌شان برگردند؛ اما آنان برگشتنی نیستند. پیش من دو نفر جوان از بیک تاحال خدمت می‌کند. ما راضی بودیم که به خانه‌شان، پیش پدر و مادر برگردند و حتی با والدین‌شان ملاقات کردند؛ اما به خانه برگشتند و تعهد کردند که تا زمانی افغانستان به آزادی کامل دست پیدا نکنند به وطن‌شان بر نخواهند گشت.

خبرنگار: مرزهای جانب تاجیکستان از جانب افغانستان چندین بار بمب‌باران شد که در نتیجه تعدادی قربانی شدند، در این مورد چه پاسخی دارید؟

استاد: ما نمی‌گذاریم که ضد مرزهای تاجیکستان بمباران شود. آن‌های که مرزهای تاجیکستان را بمباران کردند یا خلبان‌های شوروی یا دست‌نشانده‌های آن‌ها بودند و هستند. خلبان‌های مجاهدین به این کار راه نخواهند داد. مجاهدین با تاجیکستان هیچ‌گاه تهدید نخواهند بود؛ برعکس ما از مرزهای جنوب تاجیکستان پشتیبانی می‌کنیم.

خبرنگار: آوازه‌های پهن شد که گویا از خاک تاجیکستان به حکومت

۱. تاجیکستان: کشوری است که در آسیای میانه موقعیت دارد. مساحت آن ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۷۰۷۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن فارسی، واحد پول آن «سامانی» و پایتخت آن شهر «دوشنبه» است. دین بیش از ۹۰ درصد مردم آن کشور اسلام است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۱. «مرکز تدوین»

امروزه افغانستان اسلحه می‌فرستند؟

استاد: به فکرم حالا از راه‌های تاجیکستان سلاح نمی‌آید؛ ولی از راه‌های دیگر تأمین حکومت نجیب الله با اسلحه شوروی دوام دارد.

خبرنگار: به آینده افغانستان روشنی می‌انداختید و می‌گفتید که انتهای جنگ برادرکُش تا کجاست؟

استاد: امروز اختلافات بین مجاهدان و حکومت نجیب محدود است؛ زیرا او دیگر قدرت ندارد. امیدوارم سال آینده همه این مشکلات پایان یافته و مسئله حل شود.

خبرنگار: آیا برای نجیب الله در حکومت آینده افغانستان جای موجود است؟

استاد: نه، ما نجیب را به حکومت خود راه نمی‌دهیم.

خبرنگار: ظاهرشاه چه؟

استاد: او نیز جای ندارد؛ ولی می‌تواند به‌هیئت یک تبعه، ساکن افغانستان باشد و در میان ملت و مردم زندگی کند.

خبرنگار: دنیای امروز، رهبران مجاهدین، برهان‌الدین ربّانی، احمدشاه مسعود و گلبدین حکمتیار را می‌شناسد. کدامی از ایشان در رأس حکومت آینده افغانستان خواهد بود و شما چگونه حکومت خواهید کرد؟

استاد: ما سال‌های دراز به‌خاطر ملت جنگیدیم، نه به‌خاطر ثروت و قدرت، مصلحت کردیم که تا زمان انتخابات، شورایی را ترتیب دهیم که آن رهبری دولت را به‌عهده بگیرد. این یگانه راهی است که تمام مشکلات را از بین می‌برد. عصر حاضر عصر بیداری ملت‌های مسلمان است. دیگر بمب‌افگنی‌ها رژیم را نگاه نمی‌کند. دلیل شکست کمونیسم در همه دولت‌های مسلمان‌نشین حاکمان آنان‌اند، اگر بخواهند که دولت‌شان بقا داشته باشد، باید حاکمیت اسلامی را برقرار کنند؛ زیرا آینده از آن‌هاست.

خبرنگار: شما مدام در حرکت هستید، امروز اینجا هستید، فردا در گوشه دیگر دنیا، برای حل معمایی برای خود، چگونه وقت پیدا می‌کنید؟

استاد: الحال در یک شبانه‌روز ۳-۴ ساعت استراحت می‌کنم، وقت باقی شبانه‌روز را به کار می‌بخشم. مشغولیت اساسی‌ام اکثراً تلاوت قرآن است و این کلام‌الله هم سفر دایمی من می‌باشد.

خبرنگار: باقاضی مسلمان تاجیکستان، حاجی اکبر توره‌جان‌زاده ملاقات داشتید، او را چگونه دریافتید؟

استاد: حاجی اکبر را چون یک انسان ذکی و هوشیار و واقع‌بین دریافتم.

خبرنگار: جنگ در افغانستان طول می‌کشد؛ ولی انسان‌ها باید زندگی کنند، وضع اقتصادی افغانستان در کدام درجه قرار دارد؟

استاد: جنگ از سال ۱۹۴۷م آغاز شده‌است و تا امروز دوام دارد و به پایه‌های اقتصادی افغانستان ضربه سخت وارد کرده است. شهرها از بین رفتند؛ ولی مردم به خاطر آزادی‌شان، این همه مشکلات را تحمل می‌کنند.

خبرنگار: به مردم مسلمان تاجیکستان پیام دارید؟

استاد: استقلال تاجیکستان را برای‌شان تبریک می‌گویم. ملت تاجیک، باید به پای خود راست ایستد و نگذارند، کسی از خارج بالای‌شان حکم‌روایی کند و اسلام را پیاده کنند.^۱

۱. منبع گفت‌وگو: این مصاحبه در یکی از سفرهای رسمی استاد شهید به تهران صورت گرفته است، مصاحبه مذکور در تاریخ ۱۵ مارچ ۱۹۹۲م در روزنامه جوانان تاجیکستان به نشر رسیده است. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوی بیست‌ویکم
با
مجله‌المجاهدون

تاریخ: ۱۱ میزان ۱۳۷۰ هـ ش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ
اصْطَفَى^۱؛ اما بعد:

انکشافات نظامی سیاسی اخیر را می‌توان در نکات ذیل خلاصه کرد:
مجاهدین در ماه‌های اخیر در ساحه‌های نظامی به فتوحات و پیروزی‌های
سترگی دست‌یافته و این ابتکار نظامی در دست مجاهدین قرار دارد و دشمن
دیگر نمی‌تواند به آن تحرکاتی که اهمیت نظامی نداشت و تنها به صفت
یک حربه تبلیغاتی از آن کار می‌گرفت، [دست‌یازد؛] زیرا هدف رژیم از آن
تحرکات این بود که به جهانیان بنمایاند که باند حاکم در کابل تا اکنون از
نعمت زندگی برخوردار است و می‌تواند دست به یک سلسله تحرکات بزند؛
اما با فتوحات مجاهدین در شمال کشور و مناطق دیگر و پلان جهت حمله
به کابل و شهرهای دیگر، ابتکار نظامی در دست مجاهدین قرار گرفته است
و به‌ویژه پس از تغییرات روسیه، مورال رژیم مزدور ضعیف گردیده است و
اینک، در تلاش آن است تا با ایجاد روابطی؛ -در صورت امکان- با گروه‌های
مجاهد راه برون‌رفت یا گریز بیابد؛

از همین‌رو، یکی پی دیگر پیشنهادهایی تقدیم می‌کند؛ زیرا رژیم مزدور
کابل می‌داند که فرجام او نزدیک شده است. از همین‌رو، قبل از فرار و قبل از
رسیدن به سرنوشت مختموش در تلاش راه‌های نجات است.

۱. به نام خداوند بخشنده و مهربان، ستایش تنها از آن الله است و درود و سلام بر بندگان برگزیده
او. «مرکز تدوین»

لذا ما، می‌بینیم که گاهی او خواهان حکومت ایتلافی با مجاهدین است و گاهی خواهان برگشت ظاهرشاه است. صدراعظم رژیم مزدور کابل، در ملل متحد با اصرار تقاضای برگشت ظاهرشاه را کرده و آمادگی رژیم را جهت تسلیم کارها به او یادآور شد.

این‌همه دلالت براین دارد که از لحاظ وضع نظامی و روانی حکومت کلاً در حالت متلاشی‌شدن قرار دارد؛ اما مجاهدین الحمدلله دارای معنویات عالی‌اند و آنان در آغاز حملات‌شان بر گردیز^۱، جلال‌آباد و شهرهای دیگر قرار دارند؛

بناءً می‌توان گفت که مرحله کنونی از ناحیه نظامی برای مجاهدین مرحله مهم و اساسی است؛ اما در ساحه سیاسی می‌بینیم که حالت رکود پایان‌یافته است و مجاهدین کمیته‌ای را تشکیل دادند که هدفش گرفتن قدرت پس از سقوط حکومت کابل است و این کمیته در این اواخر گسترش یافته و جهت دست‌یافتن به اداره‌ای که همه گروه‌های مجاهدین در آن اشتراک ورزند، می‌کوشد.

از نگاه سیاسی یک سلسله رویدادهای دیگری نیز به‌وقوع پیوسته است و ما می‌دانیم توافقی میان روس و امریکا صورت پذیرفته و روسیه آمادگی‌اش را جهت قطع کمک رژیم کابل اعلام داشته است و بدون شک، این کار اثر بزرگی به معنویات رژیم مزدور بجا خواهد گذاشت. هرگاه چنین توافقی واقعی باشد و روسیه در امور داخلی افغانستان مداخله نکند و برای ملت مسلمان افغانستان حق تعیین سرنوشتش را بدهد،^۲ این کار با سرعت، تسلط رژیم مزدور را در کابل پایان می‌دهد و از ناحیه سیاسی، همچنان ما می‌توانیم بگوییم که مجاهدین در این مرحله علی‌الرغم یک سلسله اختلافات در حالت

۱. گردیز: شهر گردیز، مرکز ولایت پکتیاست. گردیز در تقاطع دو جاده مهم کابل با خوست و غزنی را به پاراچنار در خیبر پختونخواه پاکستان واقع شده است. گردیز در ۷۰ کیلومتری شمال‌غربی خوست و ۱۰۰ کیلومتری جنوب کابل است. جمعیت گردیز در سال ۲۰۰۸م بالغ بر ۷۰ هزار نفر تخمین شده است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۱۴۲. «مرکز تدوین»

۲. این جمله طنزانه است. «مرکز تدوین»

بهرتر از سابق قرار دارند؛ زیرا آنان نسبت به گذشته‌ها متحدترند و اختلافات جزئی‌شان مانعی در برابر وحدت رأی در مورد ادارهٔ موردنظرشان نیست؛ بناءً در این اوضاعی که مجاهدین در فاصله کمی با پیروزی کامل قرار دارند، ما می‌توانیم بگوییم که وضع به مصلحت مجاهدین است.

المجاهدون: در مورد انگیزه‌های قطع کمک از طرف امریکا و روسیه، بگویید!

استاد: برای کسانی که قضایا را با ژرف‌نگری دنبال می‌کنند پوشیده نیست که امریکا و روسیه نیروی مجاهدین را درک کرده‌اند و دانسته‌اند که مجاهدین دارای موقف نیرومند بوده و ابتکار نظامی را در دست دارند؛ بناءً آن‌ها ترسیده‌اند که مبدا مجاهدین به کمک‌هایی دست یابند که به سلطهٔ رژیم مزدور کابل پایان دهد و این جهت‌ها نمی‌خواهند که حکومت اسلامی مجاهدین در کابل استقرار یابد؛ لذا با اشکال گوناگون، از جمله با عنوان کردن قطع کمک‌ها، در معنویات مجاهدین تأثیر بگذارند؛ درحالی‌که قطع کمک‌ها دور تازه‌ای در برابر مجاهدین نیست؛ بلکه این کمک‌ها پس از فرار ارتش سرخ تقریباً قطع شده بود و هدف از این اعلان، تأثیر بر معنویات مجاهدین است؛

اما حقیقت این است که مجاهدین برای ادامه جهادشان به کمک خارجی انتظار نمی‌کشند و به حکم ایمان و عقیده به پا خاستند و تاکنون هم این راه را ادامه می‌دهند و از این‌رو، قطع کمک‌ها بالای‌شان تأثیر وارد نخواهد کرد.

جهت‌های یاد شده در مورد رژیم کابل چنین می‌اندیشند:

رژیم کابل آن‌قدر اسلحه و ذخایر دارد که می‌تواند مدت‌ها در برابر مجاهدین ایستادگی کند. امریکا و روسیه این زمان را که آمد آمد فصل سرماست، برای این انتخاب کرده‌اند تا به‌زعم ایشان رژیم مزدور فرصت یابد تا چند ماه دیگر به عمر ننگینش ادامه دهد؛ زیرا مجاهدین نمی‌توانند در این فصل به‌سرعت به تحرکات خود ادامه دهند و هرگاه کابل فتح نشود، این کار یک نوع آرامش به رژیم کابل خواهد بخشید که رژیم مزدور باوجود قطع

کمک‌های خارجی توانسته است، چند ماه به حکومتش ادامه دهد. عاملی جز اوضاع جوئی چیزی دیگری نیست و به همین جهت این زمان برای قطع کمک‌ها گزیده شده است؛ طوری که در گذشته‌ها نیز هجوم روس‌ها در زمستانِ جدی ۱۳۵۸ آغاز شد و فرار ارتش سرخ در زمستان دلو ۱۳۶۷ شروع شد و قطع کمک‌ها از حکومت مزدور در فصل سرما آغاز شد تا مجاهدین نتوانند از یک طرف ضربات‌شان را به سرعت به دشمن وارد سازند و از طرف دیگر دشمنان را در نشر و پخش تبلیغات‌شان برضد مجاهدین یاری برسانند.

به هر حال، ما به این نظریم که قطع کمک‌ها از طرف روسیه با وجودی که ما در صداقت روسیه شک داریم، اگر به راستی به وقوع بپیوندد و روسیه به آن تعهد بسپارد، این کار یک تغییر اساسی در سیاست شوروی در رابطه به قضیه افغانستان است.

با وجود این همه، قطع کمک‌ها بر مجاهدین تأثیر وارد نمی‌کند؛ اما حکومت کابل بدون این کمک‌ها نمی‌تواند به حیاتش ادامه دهد. بدون شک حکومت کابل امکانات و ذخایر زیادی در اختیار دارد و یک سلسله کمک‌های غیرنظامی بر روسیه شده است؛ مثلی که همه شنیده‌اند هند ۱۵۰۰ تَن چای به قزاقستان فرستاد تا قزاقستان پنجاه هزار تَن گندم به حکومت کابل گسیل دارد و این بدان معناست که کمک‌ها به اشکال گوناگون به رژیم کابل ادامه دارد؛ اما به عنوان کمک‌های غذایی و انسانی.

المجاهدون: در مورد کنفرانس سه جانبه میان مجاهدین، پاکستان و ایران در اسلام‌آباد و تهران، چه نظر دارید؟

استاد: این گردهمایی‌ها تأثیر مثبتی دارد؛ زیرا مجاهدین توانسته‌اند به یک موضع واحد در برابر حکومت کابل و قضایای دیگر، با پاکستان و ایران برسند. در اسلام‌آباد موافقه شد تا به رژیم کابل نه حق اشتراک در حکومتِ دارای پایه‌های گسترده داده خواهد شد و نه در انتخابات و رژیم کابل حق ندارد در مورد تعیین سرنوشت افغانستان مداخله کند و همین مسایل در تهران نیز مورد تأکید قرار گرفت. بر علاوه، موافقه شد تا هیئت‌هایی به کشورهای

مختلف اعزام گردد و همچنان هیئتی نیز به نیویارک سفر کند. همچنان به تشکیل یک اجتماع دیگر در اسلام‌آباد نیز توافق صورت گرفت و این همه در جهت توحید تلاش‌های سیاسی، در پهلوی ادامهٔ جهاد صورت گرفت که این تلاش‌ها منجر به یک سلسله نتایج هم شده است و ما تاکنون جهت رسیدن به یک ادارهٔ واحد تلاش داریم تا با پایان یافتن رژیم کابل مجاهدین در «مرحلهٔ انتقالی» در ادارهٔ افغانستان موقف واحدی داشته باشند.

المجاهدون: نظرتان در مورد اینکه اتحاد اسلامی، حزب اسلامی انجینیر حکمتیار و حزب اسلامی مولوی خالص با این کنفرانس‌ها مقاطعه کرده اند چیست؟

استاد: حزب اسلامی مولوی خالص از آغاز در این نشست‌ها اشتراک نورزید؛ اما اتحاد اسلامی در نشست‌های اول اشتراک ورزید و در جلسه اسلام‌آباد پایش را کشید و در کنفرانس تهران نیز اشتراک نورزید؛ اما حزب اسلامی حکمتیار در این نشست‌ها اشتراک ورزید و در کنفرانس تهران هم می‌خواست اشتراک ورزد؛ اما یک سلسله شروطی داشتند از جمله: آن‌ها می‌خواستند که مجددی صاحب رئیس حکومت، ریاست هیئت را به عهده نداشته باشد؛ زیرا حزب اسلامی در حکومت اشتراک ندارد؛ اما تاکنون حزب اسلامی در گردهمایی‌های منطبق از جلسات اسلام‌آباد و تهران اشتراک می‌ورزد.

بدون شک، حضور آن برادران عنصر اساسی در کامیابی این کنفرانس‌ها بوده و خروج شان در صفوف، خلل وارد می‌کند و ما خواهان اداره‌ای می‌باشیم که همه بر آن اتفاق داشته باشند و نباید به راه‌حل‌هایی قانع شد که سبب خروج برخی برادران گردد و ما طوری که در گذشته‌ها کوشیده‌ایم باز هم خواهیم کوشید تا راهی را جهت اجتماع همه برادران مجاهد به‌ویژه تنظیم‌های نیرومند جهادی به میان آوریم.

المجاهدون: در مورد اهداف اجتماع اخیری که میان صدراعظم پاکستان (نواز شریف) و رهبران تنظیم‌های جهادی صورت گرفته بود، توضیح دهید؟

استاد: این اولین اجلاسی است که مورد بحث قرار می‌گیرد؛ بناءً بایست مجاهدین جهت وصول به اهداف و غایه‌های عالی‌شان از این اوضاع استفاده کنند.

حاضرین در مجلس، قضایای مختلفی از جمله قطع کمک‌ها را مورد بررسی قرار دادند و حکومت پاکستان مثل گذشته همراه مجاهدین و با تأیید آن‌ها، و به ادامه کمک‌های سیاسی و اقتصادی‌اش وعده داد تا مجاهدین به اهداف خود و تأسیس حکومت اسلامی برسند.

حکومت پاکستان همچنان وعده داد، جلسه‌هایی که مورد پسند مجاهدین نیست و با اهداف آنان اختلاف دارد مورد تأیید پاکستان نیست.

المجاهدون: معنویات رژیم کابل ضعیف شده و زندگی در کابل طاقت‌فرسا شده است و کابل اینک انتظار فاتحین را می‌کشد، آیا مجاهدین جهت عملیات گسترده بالای کابل که سر مار خوانده می‌شود، هماهنگی دارند که با سقوط آن سایر ولایات کشور سقوط کند و آیا میان مجاهدین به‌ویژه میان جمعیت اسلامی و حزب اسلامی در این رابطه هماهنگی وجود دارد؟

استاد: بدون شک میان حزب و جمعیت جهت إسقاط رژیم کابل هماهنگی وجود دارد و جمعیت جهت فتح مراکز مهم دشمن پلان‌های دیگری هم دارد، ما برنامه خود را با هماهنگی حزب اسلامی جهت فتح کابل ادامه می‌دهیم؛ اما تاکنون برخی اموری باقی مانده است که باید بالای آن اتفاق صورت گیرد. همچنان جهت اهمیت نظامی و سیاسی کابل نسبت به شهرهای دیگر ما خواهان اشتراک همه نیروهای جهاد در این برنامه‌ایم.

المجاهدون: در مورد قضیه افغانستان در اوایل سال آینده میلادی (۱۹۹۲) چه نظر دارید؟

استاد: ماه‌های اخیر سال ۱۹۹۱ میلادی آبستن یک سلسله حوادث غیرمنتظره است و ما منتظر تغییرات غیرمنتظره دیگری در مورد افغانستانیم؛ اما آرزو مندیم که سال آینده، سال سرنوشت‌سازی در قضیه افغانستان باشد و از بارگاه الهی التجا داریم که در سال ۱۹۹۲ م پیروزمندانه داخل شهر کابل

گردیم و سلطهٔ رژیم اجنبی‌پرست پایان پذیرد و اوضاع برپایی دولت اسلامی در کشور مهیا شود و این آرزویی است که ما و امت اسلامی انتظار تحقق آن را داریم و ما از بارگاه الهی التجا داریم که خداوند ما را به نابودی رژیم مزدور توفیق نصیب فرماید و ما پیروز و فاتح داخل شهر کابل گردیم و دولت اسلامی را که ملت مسلمان افغانستان قربانی‌های زیادی به خاطر آن داده است، پایه‌گذاری کنیم.

المجاهدون: آیا رهبران جهادی تصمیم دارند تا حکومت جدید و فعالی را عوض حکومت کنونی تشکیل دهند؟

استاد: در این رابطه یک سلسله پیشنهادها و بدیل‌هایی مطرح شده است؛ مثلاً: این حکومت تغییر یابد و دارای قاعده گسترده شود یا اینکه کمیتهٔ رهبری از رهبران جهاد تشکیل یابد و از حکومت دیگری سرپرستی کند، یا یک کمیته اداری تشکیل یابد که ادارهٔ افغانستان را در مرحله انتقالی به دوش گیرد.

از جمله این طرح‌ها یکی هم این است که کمیته‌ای برای انتخابات تشکیل یابد که در آن علما و قضایان اشتراک داشته باشند و آنان در پهلوی حکومت موقتی که مجاهدین به آن راضی باشند، قرار داشته باشند، اگرچه که رهبران جهاد در آن سهیم نباشند و برخی از این پیشنهادها در جلسهٔ لاهور مورد بحث قرار گرفت و اتخاذ تصمیم در این مورد به جلسه آینده موکول شد.

المجاهدون: نظرتان دربارهٔ اخبار منتشره به ارتباط سفر هیئتی از مجاهدین به مسکو چیست؟

استاد: موضوع سفر مجاهدین به مسکو ضمن تحرکات سیاسی مجاهدین می‌آید و وظیفه هیئت هم بررسی قضایای مختلفی است که برای مجاهدین اهمیت دارد، خصوصاً در این شرایط حساس تاریخی و من معتقدم که باید رژیم مزدور از نگاه سیاسی در محاصره قرار گیرد و ارتباط خارجی آن قطع شود تا در انزوا قرار گرفته و هیچ آرزویی برای بقا نداشته باشد و یا تغییراتی که در روسیه پدیدار شده، ما درمی‌یابیم که این تغییرات با اوضاع قبل کودتای نافرجام مسکو فرق دارد و حکومت امروزی روسیه از حکومت دیروزی آن

تفاوت دارد؛ پس باید مجاهدین از این اوضاع در بررسی اوضاع منطقه و به‌ویژه آنچه با افغانستان ارتباط دارد استفاده کنند و طوری که همه میدانیم یک سلسله توافقات و پیمان‌هایی که میان رژیم مزدور روسیه صورت گرفته، باید قاطعانه در مورد آن، اظهار نظر شود و به روس‌ها فهمانده شود که این توافقات از «الف» تا «ی» باطل است و حکومت مجاهدین به عمل کردن هیچ‌یکی از این توافقاتی که رژیم مزدور آن‌ها را بسته، تعهدی ندارد و همچنان باید با روس‌ها در مورد جنایات و ویرانی‌هایی که حکومت‌های روسیه در افغانستان مرتکب آن شده‌اند، بحث صورت گیرد؛ زیرا حکومت روسیه و ملت آن در برابر این ویرانی و جنگ ویرانگری که حکومت روسیه عامل آن بوده است مسئولیت دارند و همچنان در مورد چگونگی روابط آینده، میان ملت افغانستان و روس بحث صورت گیرد.

بر علاوه، فراموش نشود که تعدادی زیادی از کودکان افغانستان به روسیه برده شده بودند که سرنوشت‌شان مجهول است و باید از سرنوشت آنان اطلاع حاصل کرد.

چون روسیه قطع کمک‌ها به رژیم کابل را اعلان کرده است و باید مجاهدین اصرار ورزند که قطع کمک‌ها، تنها در مورد نظامی نباشد؛ بلکه همه انواع کمک‌ها که در آن کمک‌های سیاسی هم شامل می‌گردد و سبب بقای رژیم مزدور شده، قطع گردد.

با در نظر داشت این امور، وقتی که دعوت از روسیه به مجاهدین رسید و در مورد بحث و بررسی صورت گرفت، اینجاست که مجاهدین به توافق رسیدند تا هیئتی از مجاهدین به روسیه برود؛ و پیشنهاد شده است که گردهمایی‌هایی در جمهوری‌های اسلامی آسیای میانه صورت پذیرد تا این کار اولین پیوند میان مجاهدین و مسلمانان آنجا بعد از تغییرات اخیر و آزادی نسبی که بعد از ده‌ها سال از زندگی زیر نظام‌های دیکتاتوری کمونیستی به دست آمده است، باشد و موعد سفر هم تاکنون تعیین نشده است.

المجاهدون: اما در مورد اینکه برخی از مردم می‌گویند مذاکره با روس

در مورد قضایای سیاسی و تعیین سرنوشت افغانستان جواز ندارد و مذاکرات گذشته را نیز رد می‌کنند، شما چه می‌فرمایید؟

استاد: من به این باورم که این نظر از ناحیه شرعی و با در نظرداشت مصلحت مجاهدین اساسی ندارد. هرگاه برخی گمان داشته باشند که مذاکرات در سرزمین دشمن جواز ندارد، ما می‌گوییم که پیامبر ﷺ در «حدیبیه»^۱ که زیر سلطه مشرکین بود و تا آن زمان فتح نشده بود، با مشرکین نشستند و مذاکره کردند و ما مجاهدین هم هرگاه در هر گفت‌و شنود و مذاکره‌ای، اشتراک می‌ورزیم پیروزمندانه در آن سهم می‌گیریم؛ زیرا ما توانسته‌ایم بر یک تجاوز مسلحانه پایان دهیم و ارتش تجاوزگر را از کشور خود طرد کنیم و ما تنها در قضایایی که به ما ارتباط دارد بحث نمی‌کنیم؛ بلکه در قضایای هر دو طرف بحث می‌کنیم؛ چون قضایای گوناگونی وجود دارد که خواهان مذاکره میان ما و روس‌هاست و ما مجاهدین امروز خویشان را زمامداران حقیقی افغانستان می‌شناسیم و حیثیت ما مثل حیثیت هر حکومت مستقل دیگری است که می‌تواند با طرف دیگر بنشیند، خواه آن طرف دولت اسلامی باشد یا کافر^۲.

طوری که یادآور شدم یک سلسله قضایایی هست که به هر دو طرف مربوط است و هیچ‌گاه یک طرفه حل نمی‌شود و باید یا در سرزمین خود یا در سرزمین دشمن اعلان صورت گیرد که توافقات و پیمان‌های گذشته میان رژیم مزدور و روسیه مردود بوده و ما مجاهدین آن را به رسمیت نمی‌شناسیم و به صفت نمایندگان واقعی ملت آن را باطل می‌خوانیم.

همچنان از سرنوشت یک تعداد اسیران اطلاعی در دست نیست و باید ما

۱. حَدِیبِیَہ: قریه‌ای در یک منزلی (حدوداً ۲۴ کیلومتر) مکه و نُه منزلی مدینه است. بخشی از این قریه داخل حرم مکه و بخشی خارج از حرم قرار دارد و نام آن برگرفته از اسم چاه حدیبیه یا درختی به نام حُذَبَاء است که در آن ناحیه وجود داشته‌اند. از مهم‌ترین حوادثی که در این منطقه رخ داده است می‌توان به صلح حدیبیه اشاره کرد که قرارداد مکتوب آن در سال ششم هجری بین پیامبر و مشرکان مکه امضا شد و در سورة فتح به آن اشاره شده است. بیعت رضوان نیز در این منطقه واقع شده است.

نگاه: کتاب المغازی، ج: ۲، ص: ۶۱۱-۶۱۲؛ السیره النبویه، ج: ۲، ص: ۷۸۴. «مرکز تدوین»

۲. تفصیل این بحث را در کتاب «آینده مجاهدان» از استاد شهید، بخوانید. «مرکز تدوین»

از آنچه بر سر آنان آمده اطلاع داشته باشیم و یک سلسله قضایای دیگری هم در جریان جنگ پدیدار شده است که باید در موردشان، بحث صورت بگیرد و حکومت اسلامی مجاهدین امروز یا فردا، برای انجام وظایفش در مورد، فیصله کند و مذاکره با کشورهای همسایه کاری نیست که آن را به معنی اعطای حق مداخله در امور داخلی خود بخوانیم.

مهم این است که مجاهدین قبل از سفرشان قضایایی را که مطرح می‌شود مورد بحث قرار دهند تا در آنچه استقلال و آزادی‌شان را خدشه‌دار می‌کند، بحث صورت نگیرد و نه به طرف مقابل اجازه دهند تا در امور داخلی‌شان مداخله کند و من به این باورم که مجاهدین تنها طرف رسمی و سیاسی‌ای است که روس‌ها می‌دانند که حل قضایای افغانستان، جز از طریق آنان از راه رژیم مزدور، امکان ندارد و این به این معنی است که مجاهدین در این سفرها در روابط بین‌المللی زمینه جدیدی به دست می‌آورند؛ زیرا در گذشته‌ها روس‌ها تنها با رژیم مزدور معامله داشتند و تنها آن‌ها را به رسمیت می‌شناختند و امروز درک کرده‌اند که مناقشه قضایا تنها میان آن‌ها و مجاهدین که زمامداران حقیقی افغانستان اند امکان دارد و بس.

هرگاه برادرانی آنچنان اجتهاداتی داشته باشند، نظر آنان است؛ اما حقیقت این است که همچو سفرها به مجاهدین ضرر نداشته؛ بلکه مفید است به‌ویژه بعد از تغییراتی که در جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای میانه به‌وجود آمده است، این فرصتی است جهت بنای روابط میان ما و میان آن مسلمانان که زمانی طولانی زیر سلطه کمونیسم به سر برده‌اند.^۱

۱. منبع گفت‌وگو: هفته‌نامهٔ مجاهد، شمارهٔ مسلسل ۱۶۴، سال چهاردهم نشراتی، شماره ۱۶، ۱۱ میزان ۱۳۷۰ ه.ش. «مرکز تدوین»

گفت و گوی بیست و دوّم
با
جریده افغان نیوز
نشریه کمیته سیاسی جمعیت اسلامی افغانستان

تاریخ: سرطان ۱۳۷۰ هـ ش



خبرنگار: سفر اخیرتان به ایران به چه منظور صورت گرفت و نتایج آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

استاد: سفر من به اساس دعوت وزارت خارجه ایران صورت گرفت. سفر طوری ترتیب شده بود که من باید قبل از صفر اکرم ذکی^۱ به تهران که با مقامات ایران روی قضیه افغانستان صحبت می‌کرد، در آن کشور باشم؛ زیرا مقامات رسمی ایران می‌خواستند از نظریات جمعیت اسلامی آگاهی داشته باشند، درعین زمان سه رهبر دیگر مجاهدین هم به تهران سفر کردند، بعضی از ملاقات‌های ما با مقامات، مشترک و برخی از آن‌ها به تنهایی انجام گرفت. ضمن صحبت با مقامات ایرانی دریافتم که برخلاف تصورات عمومی، ایران خواهان حل قضیه افغانستان از طریق پروگرام آشتی ملی رژیم نیست و آن‌ها از این مسئله آگاهی کامل داشتند که رژیم در کشمکش عجیب داخلی به‌سر می‌برد و درحال از هم‌پاشیدن است. مقامات ایران فکر می‌کردند روس‌ها قضیه افغانستان را در چوکات امنیت داخلی خود فکر می‌کنند و شاید با روش‌های آشتی‌ناپذیر مجاهدین از خود مقاومت نشان دهند، به‌این‌ترتیب آن‌ها درحالی‌که مخالفت صریح با مبارزه مسلحانه نشان نمی‌دادند؛ اما علاقه‌مند بودند راه‌هایی پیدا شود که جلو خطراتی که از این نوع طرز تفکر روس، متوجه مجاهدین است، رفع گردد و مجاهدین آسیب نبینند.

۱. اکرم ذکی؛ در آن زمان وزیر مشاور در امور خارجی پاکستان بودند. «مرکز تدوین»

آقای رفسنجانی^۱ اطمینان داد که از موضوع مجاهدین حمایت می‌کند. وی می‌گفت: باید راهی پیدا شود که رنج ملت افغانستان پایان پذیرد. من وقتی که در ایران بودم مشکلات آوارگی تعداد زیادی از مردم «زنده‌جان»^۲ بروز کرد. با مقامات ایرانی صحبت کردم آنان فوراً ۳۰ تَن مواد غذایی ارسال کرده و وعده ارسال کمک‌های دیگر را نیز کردند. خبرنگار: رژیم ادعا کرده که در «زنده‌جان» پیروزی‌هایی به دست آورده، موضوع از چه قرار است؟

استاد: در اثر حمله غافل‌گیرانه رژیم در مرحله اول منطقه رباط و «پس سنگ‌بست» به دست نیروهای دشمن افتاد؛ اما در اثر مقاومت شدید مجاهدین این مناطق، رژیم مجبور به عقب‌نشینی گردید و جنگ ادامه داشت و تلفات دشمن خیلی زیاد بود و از اینکه دشمن به کمبود افراد مواجه بود، یک

۱. اکبر هاشمی بهرمانی مشهور به اکبر هاشمی رفسنجانی: روحانی، سیاست‌مدار و از تأثیرگذارترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی ایران بود. اکبر هاشمی بهرمانی در ۳ سنبله ۱۳۱۳ هـ.ش در روستای بهرمان شهرستان رفسنجان در استان کرمان به دنیا آمد. پدرش میرزا علی هاشمی بهرمانی تحصیلات حوزوی داشت و از باغ‌داران منطقه بود که محل رجوع مسایل دینی و مادی مردم بود. وی از یاران امام خمینی در مبارزه علیه حکومت پهلوی بود و چند بار دستگیر و زندانی شد. از موسسان جامعه روحانیت مبارز تهران، عضویت در شورای انقلاب، سرپرستی وزارت کشور، عضویت در هیئت مؤسس حزب جمهوری، ریاست مجلس شورای اسلامی، جانشین فرماندهی کل قوا و فرماندهی جنگ، دو دوره ریاست جمهوری، ریاست شورای عالی امنیت ملی، ریاست مجتمع تشخیص مصلحت نظام از تأسیس تا زمان درگذشت، امامت جمعه مؤقت تهران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ هـ.ش، نمایندگی مردم تهران در مجلس خبرگان از ابتدای تأسیس و ریاست آن مجلس از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ هـ.ش و ریاست هیئت مؤسس و هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی از جمله فعالیت‌های وی پس از انقلاب بود. هاشمی رفسنجانی در زمان ملاقات با استاد شهید؛ نماینده مردم تهران در مجلس خبرگان بود. هاشمی رفسنجانی سرانجام یک‌شنبه ۱۹ جدی ۱۳۹۵ هـ.ش، در پی سکته قلبی، به عمر ۸۲ سالگی درگذشت. نگاه: روایتی از زندگی و زمانه هاشمی رفسنجانی، ص: ۳۰. «مرکز تدوین»

۲. زنده‌جان: یکی از شهرستان‌های استان هرات می‌باشد، این شهرستان در تاریخ باستانی هرات به نام فوشنگ نیز مسمی گردیده است و مرکز آن اکنون نیز به نام فوشنگ یاد می‌شود. در شرق با شهر هرات و شهرستان گزده، در شمال با شهرستان‌های کشک و گلران هم‌سرحد است و پروژه نا تکمیل سمت از منطقه مشهور این شهرستان است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۱۵. «مرکز تدوین»

تعداد شاگردان مکاتب را به جنگ آورده بودند و ۱۸ نفرشان از بین رفته بود این کار باعث مظاهره کردن آنان شد و آنان رژیم را متهم می‌کردند که در صدد قتل عام آنان است. تکتیک دیگر دشمن جنگاندن مردم باهم است و دولت با آوردن جنرال بیگی^۱ که از بیک است می‌خواسته احساس تنفر میان ملیت‌های مختلف ایجاد کند، همان قسمی که با جنگاندن ملیشه‌های رشید دوستم در جنوب همین کار را کرد.

در جنگ‌های هرات مجاهدین از خود هماهنگی خوب نشان دادند؛ بر علاوه نیروهای جمعیت اسلامی، گروه‌های خُرد و کوچک دیگر موجود در منطقه؛ مثل حزب الله نیز مقاومت جدی کردند.

مشکلات مردم هرات زیاد است. با مقامات دولت پاکستان و مؤسسات خیریه بین‌المللی تماس گرفته شد تا به مهاجرین کمک برسانند، نیروهای رژیم دیپوهای مواد غذایی ملل متحد در «زنده‌جان» را نیز چور و چپاول کردند.

خبرنگار: از قول شما گفته شده بود که گویا حاضرید با آن عده اعضای حکومت که کمونیست نباشند، صحبت کنید، خالقیار^۲ آمادگی خود را به

۱. دگر جنرال ارکان حرب عبدالرؤف بیگی فرزند غلام‌رسول در سال ۱۳۲۶ هـ ش در ولایت تخار تولد گردیده، در سال ۱۳۴۸ هـ ش از حربی پوهنتون سند فراغت به‌دست آورد و به صفت دوه‌م بریدمن عازم اردو گردید او بعد از هشت سال ایفای وظیفه در رژیم وقت، در سال ۱۳۵۵ هـ ش جهت تحصیل به اتحاد شوروی فرستاده شد. در سال ۱۳۶۰ هـ ش بعد از ختم اکادمی‌های سوق و اداره قطعات به‌نام (فروزه) و اکادمی ارکان حربی به‌نام (ورشیلوف) به افغانستان برگشت و در پست‌های گوناگون رژیم وقت ایفای نقش کرد. او فعلاً در کشور ترکیه به‌سر می‌برد. نگاه: افغانستان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا سقوط شمال به‌دست طالبان. «مرکز تدوین»

۲. فضل الحق خالقیار فرزند غلام‌یحیی، در سال ۱۳۱۳ هـ ش خورشیدی، در شهر نو مرکز استان هرات به‌دنیا آمد؛ پس از دریافت مدرک لیسانس (کارشناسی) از دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل، در سال ۱۳۳۷ هـ ش، به استخدام دولت درآمد و در پست‌های مختلفی حکومتی در دوران نجیب ایفای وظیفه کرد. خالقیار در ماه ثور ۱۳۶۹ هـ ش، براساس فرمان نجیب، به سمت نخست‌وزیری حکومت درآمد. وی در سال‌های اخیر از بیماری سرطان سینه رنج می‌برد، سرانجام، روز جمعه، ۲۷ سرطان ۱۳۸۳ هـ ش، به سن ۷۰ سالگی در یکی از بیمارستان‌های هالند درگذشت. نگاه: سال‌نامه افغانستان (دافغانستان کلنی)، شماره ۵۶، سال ۱۳۶۹ هـ ش، ص: ۲۶۳. «مرکز تدوین»

مذاکره با شما نشان داد، اصل مسئله از چه قرار است؟

استاد: من به خبرنگار بی‌بی‌سی گفته بودم که در یک طرح همه‌جانبه با حذف حزب کمونیست با بعضی از افراد مسلمان، حتی اگر در رژیم هم باشند، منعیت افراد، نه به حیث نمایندگان رژیم صحبت شود.

از این گفته، خالق‌یار فکر کرده بود که شاید این سخن‌ها متوجه او باشد؛ اما خالق‌یار اگرچه ظاهراً عضو حزب خلق نیست؛ اما در مقام بالای دولت دست‌نشانده قرارداد و در جنایاتی که رژیم در مناطق مختلف انجام می‌دهد، مخصوصاً در غرب کشور وی نقش مستقیم دارد. او برای روس خدمات بزرگی کرده، در غرب افغانستان عده زیادی را ملیشه ساخت، اگر وی وابسته به حزب کمونیست نباشد، ممکن است مستقیماً با K.G.B وابستگی داشته باشد؛ مثلی که جلالر^۱ وزیر پلان که او هم در چوکات رژیم‌های قبلی... پُست حساسی را به عهده داشت و خودش با روس رابطه مستقیم داشت. خالق‌یار در میان گروه‌های قومی اختلافات بزرگی را به راه انداخت و از هر جنرال رژیم بیشتر مصدر خدمت به دشمن شده‌است؛ لذا او نمی‌تواند، جزء افراد مسلمان غیر وابسته مقیم کابل به شمار آید.

خبرنگار: قطع کمک‌های خارجی به مجاهدین چه ضررهایی را متوجه خواهد ساخت؟

استاد: قطع کمک‌ها به مجاهدین تا زمانی که رژیم غیرقانونی کابل در قدرت باشد، یک اقدام عادلانه نیست.

قطع کمک‌ها به مجاهدین اثرات منفی خواهد داشت. اگرچه مجاهدین تصمیم دارند که در هر صورت به جهاد خود ادامه دهند؛ اما پیشبرد جهاد و جنگ مسلحانه به این وسعت، بدون کمک کشورهای که در گذشته با مجاهدین همکاری داشتند، برای مجاهدین اشکالاتی را فراهم خواهد آورد. جنگ طولانی می‌شود، رژیم در کشتار مردم دست قوی‌تر می‌یابد،

۱. محمدخان جلالر: وزیر تجارت حکومت نجیب بود. وی به عمر ۸۵ سالگی در نیوجرسی امریکا درگذشت. «مرکز تدوین»

روس‌ها کمک‌های خود را به رژیم نه‌تنها ادامه داده‌اند؛ بلکه در این اواخر افزایش داده‌اند، در چنین اوضاعی قطع کمک‌ها ضربه زدن به آرمان ملت افغانستان است.

خبرنگار: بعضی از رهبران مجاهدین دسایس خارج را مانع عمده در راه رسیدن به پیروزی می‌دانند، آیا عوامل خارجی مانع عمده است و یا عوامل خارجی؟

استاد: جهاد افغانستان مثل سایر مشکلات عالم اسلام بیشتر به مسایل داخلی ارتباط می‌گیرد که یک اصل اسلامی هم است که عوامل داخلی در این مسایل نقش تعیین‌کننده دارد. مشکلات ما اکثراً داخلی است. عدم وحدت سیاسی و نظامی، نداشتن برنامه واحد، اساس عمده مشکلات جهاد را تشکیل می‌دهد؛ اما مشکلات خارجی هم در این راه وجود دارد؛ مثلاً بعضی از دستگاه‌ها و کشورهای کمک‌کننده به مجاهدین به خاطر مصالح به خصوص کشوری، خود به یک سلسله کارها دست می‌زنند که به زیان جهاد تمام می‌شود؛ مثلاً توجه به افراد خاص، برنامه‌های خاص، کوشش برای منزوی کردن تنظیم‌های مقتدر و غیره... هم‌چنین بعضی از کشورهای ذی‌دخل در قضیه افغانستان بدون مشوره مجاهدین، تصامیمی در باره حل قضیه افغانستان می‌گیرند که به زیان جهاد تمام می‌شود. امضای قرارداد ژنو^۱ بدون توافق مجاهدین یک مثال خوب در این باب است؛

بناء می‌توان گفت که سلسله تصمیم‌گیری و پالیسی‌ها از خارج، در روند جهاد نیز اثر منفی گذاشته است؛ اما عمده، مشکل داخلی خود ماست.

۱. معاهده ژنو: در دسمبر ۱۹۸۲م، بین امریکا، پاکستان و روسیه صورت گرفت و هیچ‌گروهی از مجاهدین در آن حضور نداشتند، این معاهده در پنج ماده به روز ۱۴ اپریل ۱۹۸۸م، بدون حضور و نقش مجاهدین به امضا رسید، معاهده مذکور اعتراضات و تظاهراتی را نیز در پی داشت، مجاهدین و مهاجرین در پاکستان دست به تظاهرات زدند و همچنان در نیویارک و دهلی و بعضی کشورهای دیگر مهاجرین دست به تظاهرات زدند و خشم و نفرت خویش را نسبت به این معاهده اعلان کردند. برای معلومات بیشتر به متن این معاهده، نگاه شود، به کتاب‌های «تحولات سیاسی جهاد افغانستان»، از دکتر شیراحمد نصری حق‌شناس، جلد دوم، ص: ۱۳۸-۱۵۰ و کتاب «ما و پاکستان»، از محمداکرام اندیشمند. «مرکز تدوین»

خبرنگار: جمعیت اسلامی اکثراً متهم به نداشتن یک پالیسی واضح در قبال مسایل می‌شود، آیا این اتهام وارد است؟

استاد: جمعیت اسلامی در پالیسی‌های خود طرف اعتدال را گرفته است. موضع‌گیری‌های سخت‌گیرانه گروهی که آمیخته با ذهن‌گرایی است مورد تأیید نبوده و هم‌چنین ما با پالیسی‌هایی که به اعتبار سیاسی و نظامی مجاهدین خدشه وارد کند و به رژیم کریدت بدهد، مخالفیم.

مرحله حساس کنونی ضرورت به یک پالیسی معتدل و واقع‌بینانه دارد؛ چون ساختار اجتماعی و سیاسی افغانستان در اثر جنگ تغییر خورده است؛ از این‌رو، در این مرحله وحدت ملی و تأمین امنیت دو مسئله اساسی‌اند و به همین خاطر نظر جمعیت اسلامی این است که همه نیروهای ضد کمونیستی در یک چوکات داخل شوند. «جمعیت» در این راه تلاش می‌کند و حیثیت پلی را میان دو قطب در نیروهای مقاومت دارد. جمعیت با تلاش‌هایی که جناحی باشد، مخالفت می‌ورزد. اگر امکان یکی شدن همه نیروها وجود نداشته باشد، حداقل اکثریت نیروها، باید باهم یکجا شوند تا وحدت ملی افغانستان حفظ شده بتواند.

شاید برخی، این موضع‌گیری جمعیت را خوب درک نکرده باشند؛ اما در هر پالیسی، مسئله وحدت ملی و تأمین امنیت در کشور از اصول اساسی پالیسی ماست. اتخاذ این موضع اشکالاتی را در پی دارد و چندان آسان نیست؛ ولی ترک آن هم کشور را به‌سوی چندپارچگی سوق می‌دهد.

تشدید جناح‌بندی که حتماً پشتیبانی حلقات به‌خصوص خارجی را نیز با خود خواهد داشت، افغانستان را به مرکز کشمکش‌ها تبدیل می‌کند.

اتخاذ این نوع پالیسی اضرار سیاسی و تبلیغاتی به جمعیت داشته و منافع اسلام و افغانستان از این پالیسی بهتر برآورده می‌شود.

البته این پالیسی دایمی نیست تا اکنون به نفع جهاد بوده؛ اما با تغییر وضع، جمعیت می‌تواند موضع‌گیری‌های جدیدی داشته باشد.

خبرنگار: پاکستان در باره حل سیاسی قضیه افغانستان صحبت می‌کند،

با در نظر داشت اینکه در گذشته جمهوری اسلامی پاکستان، قرارداد ژنورا بر خلاف میل مجاهدین امضا کرد آیا خطر این نمی‌رود که بار دیگر چنین اتفاقی دست بدهد؟

استاد: پاکستان یا هر کشور دیگری که می‌خواهد کاری در افغانستان بکند، باید با هماهنگی نیروهای جهادی این را انجام دهد. اگر هدف حل مشکلات داخل خود پاکستان باشد، آن مطلب جداست؛ اما اگر هدف برقراری صلح در افغانستان باشد، اقدامات مستقلانه و بدون تأیید مجاهدین این هدف را برآورده نمی‌سازد. اکرم ذکی گفته که در باره پلان ملل متحد نظریات مجاهدین و پاکستان یکی است؛ اما بهتر است نظریات پاکستان هماهنگ با تصمیم‌گیری دسته‌جمعی مجاهدین شود و اگر چنین هماهنگی به‌وجود نیاید امکان ایجاد سوء تفاهم میان دوطرف وجود دارد.

خبرنگار: اتحاد سه‌گروپ به سرپرستی مجددی سرنوشت حکومت موقت را به کجا کشانید؟

استاد: با تشکیل این اتحاد حیثیت حکومت ختم می‌شود. این اتحاد مشکل خود را حل نمی‌کند و این اقدام بیشتر با موضع‌گیری‌های جنگ خلیج ارتباط می‌گیرد، ممکن این اقدام ناشی از تشویش از این ناحیه باشد که گویا نیروهای به‌اصطلاح بنیادگرا میان خود نزدیک می‌شوند، درحالی‌که چنین چیزی صورت نگرفته است. مذاکراتی درباره‌ی شورای رهبری و یا شورای انقلاب از سال گذشته به این طرف در جریان بوده که به‌جز آغای مجددی دیگران در باره‌ی آن نظرات مثبت داشتند و آن اتحاد کدام گروه علیه گروه دیگر نه؛ بلکه طرحی برای همه بود.

خبرنگار: عدم اعزام مجاهدین از طرف جمعیت به عربستان در رابطه جمعیت و سعودی چه نوع تأثیری داشته است؟

استاد: برادران سعودی ما که از دوستان و پشتیبانان جهاد بوده‌اند، شاید از جمعیت آزردہ‌خاطر باشند؛ اما مواضع جمعیت در این رابطه واضح است و آن محکوم‌کردن تجاوز صدام حسین به کویت و جانب‌داری از آزادی کویت

است.

دلایلی وجود داشت که جمعیت نتوانست نیرو به خلیج بفرستد؛ زیرا در آن زمان فشارهای افکار عامه در جهان سوّم و نهضت‌های اسلامی برخلاف این کار بود و ما نخواستیم در یک عملی که اثر عملی در سرنوشت جنگ خلیج نداشت، اشتراک کنیم، تا پرسش‌هایی را متوجه مجاهدین بسازیم. بلی، عربستان سعودی از پشتیبانان مهم مجاهدین است، مصالح جهاد برایش ارزش اساسی دارد. امید است، اگر سوء تفاهمی از طرف آنان ایجاد شده باشد، رفع گردد و حسن نیت ما بر این مسئله پابرجاست.

خبرنگار: توجه برای رسیدن به قدرت در افغانستان و ناچیز شمردن نیروی دشمن به طرز تفکر مجاهدین حاکم است، آیا این طرز دید ادامه اشتباهات گذشته نیست؟

استاد: واقعاً مجاهدین این مشکل را دارند که به جای فکر کردن درباره سقوط رژیم، درباره جانشین آن بیشتر فکر کنند، این طرز فکر باعث ایجاد کشمکش‌های داخلی و سیاسی گردیده است.

درباره اوضاع بعد از سقوط رژیم باید احزاب تنها و تنها فکر نکنند باید فکر دسته‌جمعی درباره آن صورت گیرد، تلاش برای کودتا، تلاش گروهی برای سنگربندی در اطراف کابل ناشی از همین طرز تفکر است. این طرز تفکر برای رژیم مجال داد که به زندگی خود ادامه دهد. مجاهدین درباره چیزهای مصروف شدند که وقت آن نبود و کمتر راجع به سقوط رژیم فکر می‌کنند، این کار واقعاً اشتباه بود.

خبرنگار: امکان تفاهم میان احزاب مقیم پاکستان و ایران وجود دارد؟

استاد: هر دو طرف فکر می‌کنند که اگر تمام خواسته‌های شان همین حالا برآورده نمی‌شود، بعد از پیروزی به مشکلاتی مواجه خواهند شد. این یک مرحله استثنایی است و هر کار این مرحله، مربوط به شرایط فعلی می‌باشد، نه آینده؛ بناءً تصامیم فعلی، اساسی برای کارهای بعدی نمی‌شود. موضع‌گیری‌های یک جناح از همین مشکل سرچشمه می‌گیرد، ضرورت به

درک واقعیت‌های است تا درخواست‌ها در وقت و زمان مناسبی صورت بگیرد. من ضمن صحبت‌هایی که با برادران مقیم ایران داشتم، دریافتم که تمایل به طرح‌های عملی زیاده‌تر است تا به ترکیب هیئت از دو طرف.

خبرنگار: آیا برای تهیهٔ جواب مشترک به ملل متحد کار جریان دارد؟

استاد: نشست‌های در اسلام‌آباد میان نمایندگان گروه‌ها وجود دارد و باید این‌ها یک موضوع مشترک را تهیه کنند، مواضع پراکندهٔ معضله را حل نمی‌کند. **خبرنگار:** قرار اطلاع، کمیشنری مهاجرین، کارهای مربوط مهاجرین جمعیت اسلامی را اجرا نمی‌کند، علت چیست و در این باره چه اقدامی صورت گرفته است؟

استاد: موضوع‌گیری کمیشنری در این باره نادرست است، مسئله از اینجا آغاز شد که کمیشنری مهاجرین از جمعیت اسلامی خواست تا قوماندانان انورخان که مجاهدین وی با سایر منطقه شکرده^۱ شمال کابل، بر یک کاروان رژیم که زیر حمایت هلیکوپترهای روسی حرکت می‌کرد، مورد حمله قرار دادند. یکی از برادران قبایل پاکستان ادّعا کرد که در میان کاروان مقداری از (کالا‌های تجارتي) وی نیز بوده که از طریق روسیه، به کابل آورده می‌شد. نظر به شکایت این شخص، کمیشنری خواهان آن گردیده که انورخان به پولیس تحویل داده شود. بناءً جمعیت به خاطر اینکه قضیه در افغانستان رخ داده و در دوران عملیات جنگی، علیه روس‌ها صورت گرفته است. هرگز این پیشنهاد را نپذیرفت و نمی‌پذیرد و به همین دلیل کمیشنری با عکس‌العمل‌هایی که داشت، خود از انجام کارهای مربوط جمعیت خودداری ورزید. مجاهدین و مهاجرین از این ناحیه دچار تکلیف‌اند و به آن‌ها توسط مقامات کمیشنری توهین می‌شود. این موضوع از جانب ما به رئیس‌جمهور پاکستان در حضور رهبران دیگر مطرح شد، آن‌ها وعدهٔ همکاری دادند؛ اما کمیشنری تاکنون هم

۱. شکرده: بزرگ‌ترین ولسوالی ولایت کابل از نگاه جمعیت و وسعت می‌باشد که در قسمت شمال‌غربی کابل موقعیت دارد و مرکز این ولسوالی، شکرده است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۲۰۱. «مرکز تدوین»

به مردم آزاری خود ادامه می‌دهد که برای جمعیت اسلامی غیرقابل تحمل است و این عمل را ضد سیاست کلی پاکستان می‌داند. بنابراین، جمعیت اسلامی امیدوار است که در این مورد اقدام فوری شود و کمیشنری به حیث قاضی دعاوی که در یک کشور دیگر صورت گرفته است، عمل نکند.^۱

۱. منبع گفت‌وگو: مجله میثاق خون، دور دوم نشراتی، سال ششم، شماره چهارم و پنجم، ماه سرطان- اسد ۱۳۷۰ هـ ش نمبر مسلسل ۸۲-۸۳. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوی بیست‌وسوم
با
هفته‌نامه مجاهد

تاریخ: ۲۰ جدی ۱۳۶۹ هـ ش



مجاهد: وضعیت فعلی جهاد و به خصوص وضعیت جمعیت اسلامی را در حال حاضر چطور بررسی می‌کنید؟

استاد: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * ما در حالی که خاطره تجاوز خونین روس‌ها در افغانستان را در ذهن داریم و در آستانه دوازدهمین سالروز آن (۶ جدی) قرار داریم، بازهم یکبار دیگر آن را به خاطر می‌آوریم، یکبار دیگر متوجه اوضاع حاکم بر جهاد می‌شویم.

ما هنگامی که می‌خواهیم این وضعیت را بررسی کنیم در گام نخست، باید چند مطلب، به حیث شاخص پدیده‌ها بوده باشد و در قدم دوم، بعد از حمله روس‌ها بر افغانستان حالاتی به میان آمده که به صورت مشخص می‌توانیم از آن‌ها؛ چنین نام ببریم:

۱- تجاوز روس‌ها به ناکامی بسیار ذلت‌باری روبه‌رو شد و روس‌ها در تجاوز خود، به اهداف شومی که در پیش داشتند، نتوانستند نایل آیند و به ذلت و زبونی از افغانستان بیرون شدند و هم‌زمان با شکست نظامی روس‌ها در افغانستان، کمونیزم در سطح جهانی از هم پاشید و در عین حال جهاد و انقلاب افغانستان بالای قضایای مختلفی تأثیرات مثبتی داشت؛ از جمله، جنبش‌های آزادی‌خواهی در کشورهای اسلامی با الهام از این حرکت، اوج گرفتند و در بعضی از کشورها به جان جنبش‌ها روح تازه‌ای دمیده شد؛

۲- در کشمیر و در فلسطین^۱ اوضاعی به میان آمد که در گذشته‌ها وجود

۱. فلسطین: بخشی از بلاد شام است که در ساحل شرقی دریای مدیترانه و در تقاطع سه قاره بزرگ

نداشت و کشورهای اروپایی یکسره از زیر استعمار روسی نجات یافتند و دیوار برلین^۱ هم سقوط کرد؛

۳- همچنان یک نوع ترس و رعبی که از لحاظ تسلط ابرقدرت‌ها بر سرنوشت ملت‌های کوچک وجود داشت، به کلی از بین رفت و در نتیجه، اعتماد به خود و امید به نتایج مبارزه و آزادی‌خواهی در برابر قدرت‌های بزرگ در میان ملت‌هایی که با آرمان آزادی مبارزه می‌کردند، به میان آمد؛

از همین جاست که برای کشمیری‌ها بعد از سال‌های دراز در برابر استعمار هندوستان^۲ دوباره احساس جدیدی به میان آمد و دارند سرسختانه مبارزه می‌کنند و زعمای کشمیر^۳ این حقیقت را به‌هیچ‌عنصر اساسی اعلام می‌کنند که یکی از مسایل عمده‌ای که در قیام مردم کشمیر به‌هیچ‌محرك اساسی از آن می‌توان نام برد، مسئله جهاد افغانستان است کشمیری‌ها دریافتند

آسیا، اروپا و افریقا موقعیت دارد، مساحت آن ۶۲۶۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م ۴۳۴۲۰۰۰ نفر تخمین شده‌است، زبان رسمی آن عربی، پایتخت آن شهر قدس و مرکز اداری موقت آن شهر راولالہ است. بَيْتُ الْمُقَدَّس؛ یعنی نخستین قبله مسلمانان و اسراگاه رسول اکرم / نیز در آن موقعیت دارد. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۶. «مرکز تدوین»

۱. دیوار برلین: این اصطلاح که مظهری از دوران جنگ سرد به‌شمار می‌رفت، به بنایی اطلاق می‌شد که در شامگاه ۱۳ اگست ۱۹۶۱م، نیروهای امنیتی آلمان شرقی بنا به دستور روس‌ها اقدام به ساختن آن کردند. عملیات احداث دیوار با بستن شصت و هشت نقطه از هشتاد نقطه مرزی آغاز شد و در همان مرحله اولیه واکنش شدید امریکا و انگلستان را به دنبال داشت و نیز به استقرار یک لشکر تانک امریکایی در بخش غربی دیوار منجر گردید، دیوار مزبور نخست با سیم خاردار و سپس با سنگ و سمنت، درست به روی خطی که برلین را به دو بخش غربی و شرقی تقسیم می‌کرد، ایجاد شد. طول آن به ۴۶ کیلومتر می‌رسید. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۳۰۷. «مرکز تدوین»

۲. هند یا هندوستان: کشوری است که در جنوب قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۳۱۶۵۵۹۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۱۱۷۳۱۰۸۰۰۰ نفر تخمین شده‌است که دومین کشور پرجمعیت دنیا پس از چین به‌شمار می‌آید. زبان رسمی آن هندی و انگلیسی، واحد پول آن روپیه هند و پایتخت آن دهلی است. هند معجونی از ادیان مختلف و فرقه‌های مذهبی گوناگون است. پیشینه ورود اسلام به هند از اواخر قرن ۱ قمری و با سقوط پادشاهی ساسانی آغاز شد، گسترش اسلام در دوران سلطان محمود غزنوی و تصرفات وی در پنجاب ادامه پیدا کرد و در دوران حکومت گورکانیان هند به اوج خود رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۲. «مرکز تدوین»

۳. کشمیر: منطقه‌ای در شمال غربی شبه جزیره هند است که از ایالت جامو و کشمیر تحت کنترل هند، ایالت گلگت و کشمیر آزاد تحت کنترل پاکستان و منطقه اقصای چین تحت کنترل جمهوری خلق چین تشکیل می‌شود. نگاه: ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان، ص: ۶۶. «مرکز تدوین»

که ملت‌های کوچک هم می‌توانند در برابر ابرقدرت‌های بزرگ مبارزه کنند و به پیروزی برسند.

این‌ها يك سلسله پدیده‌های بسیار عمده و مهمی است که در جهان به میان آمده و اما؛ اینکه ما فعلاً بعد از سال‌ها مقاومت در کدام مرحله قرار داریم و جمعیت در کدام مرحله است و مجموع انقلاب در کدام سطح است؟ باید بگویم که نظر جمعیت در کل قضیه این است که هر حلی که در افغانستان مطرح می‌شود، باید آن حل فراگیر و با سهم‌گیری اطراف عمده جهادی بوده باشد.

به این اساس، ما معمولاً در قسمت حل قضیه افغانستان موضوع را انفرادی مطرح نمی‌کنیم و همیشه مسایل را در بخش‌های سیاسی و حتی در بخش‌های نظامی هم که مسئولیت بارسنگین نظامی را به‌دوش داشتیم و هنوز هم با این فلسفه معتقدیم که باید زیاده‌تر بار نظامی و جهاد را به‌دوش داشته باشیم، به‌صورت جمعی مطرح کردیم و می‌کنیم و خصوصاً در ارتباط به حل مسئله، از لحاظ سیاسی، ما به این عقیده بودیم و حالا هم با این عقیده‌ایم که این کارها باید منفرد نباشد.

حل قضیه افغانستان از لحاظ سیاسی، باید در چوکات تصمیم‌گیری‌های دسته‌جمعی به میان بیاید و به همین اساس ما نخواستیم دست به يك ابتکار منفرد بزنیم و به همین علت بوده که نیروی متحرک ما گاه‌گاهی در ساحه تحركات دسته‌جمعی راکد می‌مانده؛ زیرا می‌بینیم در حکومت عبوری مؤقت که جمعیت در آن عضویت دارد، باید ابتکار، دسته‌جمعی بوده باشد و این کار باید به‌تنهایی صورت نگیرد.

ما البته این را ناگفته نگذاریم که فعلاً با یک‌نوع رکود سیاسی در مجموع جهاد، روبه‌روایم که باید این رکود برداشته شود.

در این اواخر يك سلسله فعالیت‌هایی صورت گرفته است که جمعیت اسلامی در ایجاد آن نقش زیادی داشت و آن عبارت از به حرکت درآوردن بعضی ابعاد کارها از لحاظ نظامی و تبلیغاتی بود.

ما در ارتباط با قوماندانان علاقه داشتیم که نشست‌شان به شکل گردهمایی فراگیر، صورت بگیرد و تا اندازه‌ای در این راه، کار هم شد. ما برای اینکه برادرهای اهل تشیع در خط تصمیم‌گیری داخل شود، سفری هم به تهران داشتیم و هکذا برای اینکه مردم در حل سیاسی قضایا، احساس نکنند که در میان مجاهدین کشمکش وجود دارد با حزب اسلامی به خاطر توحید و فشرده‌تر شدن صفوف، مسایل اختلافی را مطرح کرده و مشکلات خود را دور ساختیم و اما هنوز به خاطر رسیدن به يك حل دسته‌جمعی تلاش می‌کنیم و به این عقیده‌ایم که ابتکار سیاسی باید زیاد جدی گرفته شود و روی همین انگیزه بود که ما اگرچه ملاحظاتی به مسئله انتخابات داشتیم؛ اما چون يك گام مؤثر تلقی می‌شد، از آن پشتیبانی کردیم و البته، باز هم ما طرفدار این می‌باشیم که این اقدام و عمل فراگیرتر شود و گروه‌هایی که در انتخابات سهیم نیستند، باید سهم بگیرند.

به هر حال، با وجود این همکاری‌هایی که شده و هنوز ما نیاز به کمک تحرک سریع و يك سلسله کارهای عمده سیاسی داریم، باید هرچه زودتر این کار روی دست گرفته شود و جمعیت اسلامی تلاش دارد تا يك چوکاتی که نسبتاً فراگیر بوده باشد به میان آید؛

بلی، ما طرفدار سهم‌گیری همه‌گانیم؛ اما وقتی که احساس بکنیم، در برابر ابتکارات سیاسی، چنین آرمانی به رکود روبه‌رو می‌شود و چارچوبه‌ای هست که بتواند این بن‌بست را بشکناند، باز خود ما تصمیم خواهیم گرفت و ان شاء الله این کار صورت می‌گیرد.

ما معتقدیم که در اوضاع فعلی، باید کارهای نظامی زیاده‌تر صورت بگیرد، در عین حال فعالیت‌های سیاسی مان هم، هم‌زمان و هماهنگ با فعالیت‌های نظامی، با ابتکارات مؤثر و مفید پیش برود.

مجاهد: طوری که وسایل ارتباط جمعی تبلیغات می‌کنند روس و امریکا راجع به قضیه افغانستان به يك سلسله توافق‌هایی دست‌یافته و توافقات این است که می‌خواهند ظاهر شاه دوباره در افغانستان بر سر قدرت بیاید، مشخصاً

موقف جمعیت اسلامی راجع به تصمیم‌گیری ابرقدرت‌ها چه خواهد بود؟
استاد: بار بار این مسئله را گفتیم که اصلاً ملت افغانستان به عنوان يك ملت آزادۀ در طول تاریخ حق مداخله، در تعیین سرنوشت خود را به هیچ قدرت و به هیچ کشور خارجی نمی‌دهد.

حالا هم ما به این نظریم و بار دیگر تأکید می‌کنیم این مسئله مربوط ملت ماست و به ابرقدرت‌ها مربوط نیست که در تعیین سرنوشت ما مداخله کنند. فیصله‌هایی که از سوی آن‌ها صورت می‌گیرد، تا زمانی که ملت ما به آن صحنه نگذارد، هیچ طرحی نمی‌تواند در افغانستان عملی شود. من به این عقیده‌ام که برای ظاهر شاه بهتر این است که در جایی که هست، بوده‌باشد و آرامش خود را که همیشه در جست‌وجوی آن بوده، حفظ کند و به این گونه کاری که قطعاً عملی نیست دل مبندد و برای ظاهر شاه بسیار آبرومندانه است که خود را از این صحنه دور نگهدارد. هر نوع مداخله‌ای که توسط ابرقدرت‌ها صورت می‌گیرد و ظاهر شاه به عنوان یک وسیله استخدام می‌شود، نه تنها به حل مشکل افغانستان کدام کمکی نمی‌کند؛ بلکه به مشکلات ما می‌افزاید و من فکر می‌کنم که فعلاً ملت افغانستان، ملت ده‌پانزده سال پیش نیست، فعلاً ملت افغانستان در يك مرحله جدیدی قرار دارد و به قضایا با دید جدید می‌بینند و هیچ انقلابی‌ای نمی‌تواند به زعامت‌های ناکام قناعت بکند؛

به این اساس، ما هرگز به تلاش ابرقدرت‌ها در این قسمت اجازه نمی‌دهیم که در تعیین سرنوشت ما مداخله داشته باشند و مداخله کنند؛ چون مردم خودشان در این مورد تصمیم می‌گیرند.

مجاهد: چندی پیش نجیب رئیس رژیم کابل يك سفر منافقانه به ژنیو^۱ داشت، سپس توقف مختصری هم به مشهد^۲ داشت، شما اثرات این نوع

۱. برای معلومات بیشتر در مورد مذاکرات ژنیو، به کتاب، تحولات سیاسی جهاد افغانستان، ج: اول، ص: ۵۰۳ - ۵۰۴، مراجعه شود. «مرکز تدوین»

۲. مشهد: یکی از شهرهای کلان در شمال شرقی ایران و مرکز استان خراسان رضوی است. این شهر در زمان افشاریان، پایتخت ایران بود. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۴۴. «مرکز تدوین»

تلاش‌ها را بالای تنظیم‌های جهادی چگونه فکر می‌کنید؟

استاد: ما قبلاً هم گفته بودیم: این يك حرکت کاملاً منافقانه و به خاطر ایجاد و شکاف افتراق در میان مجاهدین صورت گرفته است. بدین وسیله می‌خواست که سوءظنی در مابین مجاهدین ایجاد بکند، من فکر می‌کنم که سفر نجیب هیچ نتیجه‌ای را در پی نداشته است. کسانی هم اگر با او صحبت کرده‌اند گامی در جهت تجرید خود از صفوف مجاهدین برداشته‌اند. هیچ مطلبی را نمی‌توان با نجیب در میان گذاشت، نجیب فعلاً در حالتی قرار دارد که بعد از این حتی روس‌ها آماده نیستند که او در افغانستان باقی بماند؛ پس تلاش نجیب بی‌حاصل و مذبوحانه است و کسانی که خواسته باشند از طریق نجیب مسئله را حل بکنند، این محال است و خیال است و خوابی بیش نیست. مجاهد: رژیم کابل اعلان کرده که گویا در خلال سفرش با رهبران مجاهدین دیدن کرده، حالا به نظر شما جناح احزاب اسلامی که موسوم به پیروی از خط مشی اخوان المسلمین اند، آیا مشکلات این‌ها افزود نمی‌شود؟

استاد: شك نیست طوری که گفتیم: سفر او يك دسیسه بوده و هدف از این سفر هم ایجاد مشکلات بیشتر و ایجاد شك و ظن در میان مجاهدین بوده و یقیناً این مسئله، يك سلسله سوءظن‌ها را ایجاد و در راه رسیدن به تصمیم‌گیری‌های واحد، موانعی را خلق می‌کند؛ اما ما امیدواریم که مجاهدین باردیگر متوجه قضایای سرنوشت‌ساز خود باشند و نباید در دام سازش‌ها و فریب نجیب سقوط بکنند.

مجاهد: حکومت موقت مجاهدین اخیراً هیئت برگزاری انتخابات را به داخل افغانستان فرستاده و با توجه به مشکلات متعددی که در سر راه برگزاری انتخابات است، اگر موفقانه انجام نیابد اثرات این را بالای جهاد چگونه می‌بینید؟

استاد: باز هم این را تکرار می‌کنم که تصمیم‌گیری در مورد اعلام انتخابات از لحاظ سیاسی مخصوصاً در اوضاع کنونی يك گام مثبت می‌باشد؛ اما از لحاظ وقت و از لحاظ عدم فراگیری، یعنی همه اطراف که باید

در این انتخابات شریک می‌بودند، نیستند و از لحاظ عدم رعایت عدالت، در واحدهای انتخاباتی و حلقه‌های انتخاباتی و هکذا قانون و لایحه‌ای که فعلاً در ارتباط به انتخابات ترتیب شده، ناقص است؛ اما با وجود این هم، باید تلاش کرد که تا جایی که ممکن است انتخابات صورت بگیرد.

گرچه در پهلوی این مشکلات، مشکل عمده دیگری هم هنوز در کشورمان هست و آن همانا پایان نیافتن جنگ می‌باشد که دشمن با همه وسایل و امکانات کوشش می‌کند که انتخابات به ناکامی بینجامد.

یقیناً که مشکلات زیادی در سر راه انتخابات وجود دارد؛ اما با وجود این هم، به عقیده من: در جاهایی که انتخابات صورت می‌گیرد باز هم یک گام مثبتی است که برداشته می‌شود و بعداً باید کوشش‌هایی صورت بگیرد تا در جاهایی که انتخابات ممکن نیست، راه‌های حل دیگری سنجیده شود، تا انتخاباتی را که فعلاً مجاهدین پیش رو گرفته‌اند، عملی نشده باقی نماند.

من فکر می‌کنم شاید مناطق زیادی وجود داشته باشد که هیئت نظار و کمسیون انتخابات به مشکلات و موانعی روبه‌رو شوند؛ اما به خاطری که این طور احساس به میان نیاید که مجاهدین تصمیم گرفتند و تصمیم خود را عملی نساختند، زمان را مقید نسازیم و اگر انتخابات در محدوده زمانی معین، نظر به مشکلاتی صورت نمی‌گیرد یا در جاهایی مشکلات و موانعی ایجاد می‌شود، در قسمت وقت انتخابات تجدید به عمل بیاید تا در اوضاع نسبتاً بهتری انتخابات صورت بگیرد. این در ذات خود یک قدم مفید است.

مجاهد: اخیراً مجاهدین در اطراف کابل فعالیت‌ها و فتوحاتی داشتند یک‌تن از سخنگویان رژیم مزدور (نبی عظیمی)^۱ ادّعا کرده که جز حزب

۱. نبی عظیمی در سال ۱۳۲۲ هـ.ش در ولسوالی بگرامی ولایت کابل زاده شده و در بست‌های مختلف رهبری قطعات نظامی حکومت‌های چپ‌گرا ایفای وظیفه کرده است. کتاب «اردو و سیاست» از جمله مشهورترین آثار وی است و کتاب «تاریخ مسخ نمی‌شود» نقدی بر این کتاب، از محترم دکتور شیرشاه یوسفزی است. نبی عظیمی سرانجام در سن ۷۷ سالگی بر اثر مریضی که داشت، در شهر تاشکند ازبکستان به روز ۱۳ حوت ۱۳۹۹ هـ.ش درگذشت. جهت معلومات بیشتر در مورد نبی عظیمی و کارنامه‌های وی، به کتاب: تاریخ مسخ نمی‌شود از دکتور شیرشاه یوسفزی

اسلامی به رهبری حکمتیار در جنگ‌های اطراف کابل شرکت نداشته، حزب اسلامی هم متواتر اعلان کرده در اطراف کابل جنگ به شدت جریان دارد. درین جنگ‌ها آیا جمعیت اسلامی شرکت داشته یا خیر و اگر شرکت داشته حزب اسلامی، جمعیت اسلامی را مطابق به موافقت‌نامه‌ای که امضاء کرده، در جریان قرار داده است یا خیر؟

استاد: اگرچه این مطلب را باید از ذهن خود دور نسازیم که جنگ‌ها به‌صورت طبیعی تا حال ادامه داشته و دارد و در بعضی مناطق گاه‌گاهی یک سلسله وقایع به میان آمده؛ اما در سرتاسر افغانستان جنگ به‌صورت طبیعی ادامه داشته و ادامه دارد و اخیراً قوماندانان تصمیم گرفتند که جنگ‌های هماهنگ خود را در همه افغانستان شروع کنند و البته نظر به اینکه هنوز مشکلات سردی هوا و کمبودی‌های دیگری به‌صورت بسیار داغ محسوس است؛ لذا فعالیت‌های هماهنگ در سراسر افغانستان شروع نشده؛ اما در بعضی مناطق یک سلسله کارهایی به هماهنگی قوماندانان به عمل آمده، از جمله جنگ‌هایی که در لوگر صورت گرفته از جمله جنگ‌هایی است که جمعیت اسلامی فعالانه در آن شرکت داشته و تعدادی زیادی از شهدا و زخمی‌ها را بجا گذاشته است. همچنان در مناطق مختلف دیگری چون هرات،^۱ بادغیس، نیمروز،^۲ زابل^۳ و سایر مناطق، جمعیت مستقیماً در جنگ‌ها سهم داشته و سهم دارد و اخیراً در بعضی مناطق مثل بادغیس و نیمروز، مجاهدین ما پیروزی‌های زیادی به‌دست

ص: ۷۵-۸۲ مراجعه شود. «مرکز تدوین»

۱. هرات: در شمال‌غرب افغانستان موقعیت دارد و مرکز آن شهر هرات است، مساحت آن ۵۵۸۶۸،۵۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن قرار احصائیة سال ۱۳۹۱ هـ ش، حدود ۱۶۷۶۰۰۰ هزارنفر تخمین شده است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۸۹۲ - ۹۰۷. «مرکز تدوین»

۲. ولایت نیمروز در جنوب غرب افغانستان موقعیت داشته و ۴۲۴۰۹۵ کیلومتر مربع مساحت دارد. مرکز آن شهر زرنج بوده و نفوس آن طبق احصائیة سال ۱۳۹۱ هـ ش به ۱۵۶۶ هزار نفر بالغ می‌گردد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۴۷ - ۹۵۶. «مرکز تدوین»

۳. زابل: یکی از ولایت‌های افغانستان است که حدود ۱۷۳۴۳ کیلومتر مربع مساحت دارد و جمعیت آن در سال ۲۰۰۹م، ۲۷۵۱۰۰ تخمین شده است، مرکز آن شهر قلات است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۱۰۵ - ۱۰۸. «مرکز تدوین»

آورده و همچنان در قسمت‌های شمال افغانستان در شبرغان^۱ و غیره يك سلسله کارهای مفید نظامی به عمل آمده است؛ اما اینکه فعلاً حزب بخصوصی در قسمت کابل تلاش‌های خاصی داشته، باید بگویم. قرار براین بود که عملیات و جنگ‌های وسیعی در قسمت کابل صورت بگیرد؛ طوری که موسم سرمای سخت کمی شکسته باشد و آنگاه فعالیت بسیار مؤثر نظامی در کابل به عمل بیاید؛ اما در اطراف کابل يك سلسله عملیات هماهنگ باید صورت بگیرد که در این قسمت قوماندانان شاید به صورت بسیار جامع پلان هماهنگی‌شان اجرا نشده باشد. قوماندانان در جلسه‌ای که داشتند، فیصله کرده بودند که در بعضی از کارها هماهنگی به میان بیاید و اینکه حکومت کابل چه اعلان می‌کند مربوط خود اوست و ما فکر می‌کنیم بهترین و موفق‌ترین کار در کابل وقتی صورت گرفته می‌تواند که به اشتراك همه احزاب، پروگرامی که قوماندانان جهادی ترتیب داده‌اند، عملی شود؛ زیرا کابل نسبت به ولایات دیگر فرق دارد. نتایجی که از جنگ در کابل متوجه مجاهدین می‌شود، با نتایج جنگ، در سایر ولایات‌ها فرق دارد؛ لذا هرگامی که برداشته می‌شود و یا هر مرمی‌ای که به کابل شلیک می‌شود، بسیار برنامه‌ریزی شده باشد؛ زیرا این احتمال هست است که دشمن چنانکه اخیراً اعلان کرده که گویا حمله در کابل صورت گرفت و این حمله ناکام شد و با این ترفند، مدّتی اخبار و اطلاعات غلطی به مطبوعات دنیا و کشورها پخش گردید که گویا داستان جلال‌آباد^۲ دوباره در کابل تکرار می‌شود؛ پس ما نباید بار دیگر به دشمن اجازه بدهیم که چنین حرکت‌های تبلیغاتی را به راه بیندازد و به همین اساس بوده که قوماندانان مؤثر و سایر تنظیم‌های جهادی سخت پافشاری می‌کردند که در مورد عملیات کابل باید قضایا و مسایل خیلی دقیق بررسی شود و امکانات درست تنظیم شده و عملیات صحیح در نظر گرفته شود و بعد از آن در کابل عملیات صورت بگیرد

۱. شبرغان مرکز اداری ولایت جوزجان و از جمله شهرهای مشهور و باستانی افغانستان می‌باشد.

نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۷۶۸. «مرکز تدوین»

۲. جلال‌آباد: مرکز ولایت ننگرهار است. «مرکز تدوین»

تا نتایج مثبت و مؤثر داشته باشد؛

به این اساس، اگر خواسته باشند عملیات مخفی انجام بدهند نظر ما این است که این عملیات، باید با وحدت و هماهنگی همه تنظیم‌های جهادی بوده باشد.

مجاهد: شواردناده^۱ وزیر خارجهٔ روس، استعفا کرد و این استعفا با عکس‌العمل‌های سران کشورهای مختلف دنیا مواجه شد، به نظر شما آیا استعفای شوارد ناده تأثیری در حل قضیهٔ افغانستان دارد؛ درحالی‌که گفته می‌شود وی مسوده‌ای را هم به خاطر حل قضیهٔ افغانستان به امریکا پیش کش کرده بوده. نظرتان در این مورد چیست؟

استاد: البته شکی نیست که فعلاً روسیه، به یک بحران سنگین روبه‌رو ست و این بحران نه‌تنها بحران اقتصادی است؛ بلکه بحران سیاسی و اجتماعی نیز است و اصلاً ترکیب سیاسی و اجتماعی روسیه، یک ترکیب غیرطبیعی است. ملت‌هایی که در روسیه هستند، به‌زور سرنیزه تحت یک حکومت جمع شده‌اند و ملت‌ها و کشورهای مختلف هیچ‌گاه موقع نیافتند و حق نداشتند که در مورد تطبیق قانون اساسی فکر کنند و مطالبهٔ آزادی کنند، همانند هر کشوری که آزاد است و تصمیم می‌گیرد؛ اما در روسیه

۱. ادوارد شواردناده: سیاست‌مدار گرجی، که در سال ۱۹۲۸م، در روستای ماماتی، حومهٔ شهر لانچخوتی در غرب گرجستان، به دنیا آمد و در سن ۱۸ سالگی به شاخه جوانان حزب کمونیست پیوست. او در سال ۱۹۷۲م، به‌عنوان دبیر اول حزب کمونیست انتخاب شد. شواردناده از سال ۱۹۸۵ تا زمان فروپاشی شوروی وزیر امور خارجه بود و نقشی مهم در پایان‌دادن به دوره جنگ سرد و فروپاشی دیوار برلین ایفا کرد. این پست با کنار رفتن آندره گرومیکو خالی شده بود. شواردناده در سال ۱۹۹۰م، برای مدتی کوتاهی از مقام وزارت خارجه کناره گرفت؛ اما در سال ۱۹۹۱م و در آستانهٔ فروپاشی شوروی دوباره به این پست بازگشت. وی در ۷ جولای ۲۰۱۴م، درگذشت. نگاه: امینی، محمد، بی‌بی‌سی فارسی، ۱۶ سرطان ۱۳۹۳- ۷ جولای ۲۰۱۴، کود خبر: ۱۴۰۷۰۷. «مرکز تدوین»

نه تنها ملت‌ها، از دوره‌های سیاست استالین^۱ و بریژنینو^۲ تا هنوز حق تعیین سرنوشت نداشتند و ندارند؛ بلکه حتی از حقوق فردی و انسانی به‌کلی محروم بودند و هستند و به همین اساس است که ملت روسیه در تاریکی گذاشته شده است اگرچه ملت روسیه در حالت وحشت و ترس و زیر فشار به‌سر می‌برد و باوجود اینکه فعلاً احساس همه ملت‌ها در برابر کمونیزم^۳ و در برابر رژیم استبدادی‌شان و در برابر محرومیت‌ها، بیدار شده و متوجه روس است؛ اما این‌ها به محض اینکه احساس آزادی برای‌شان پیدا شد، دیدیم که بی‌صبرانه در جست‌وجوی آن افتادند که ازین فرصت استفاده

۱. ژوزف استالین: سیاست‌مدار و دومین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق، پس از لنین بود که در ۱۸ دسامبر ۱۸۷۸ م، تولد و در ۵ مارچ ۱۹۵۳ میلادی درگذشت. وی در سال ۱۹۲۲ م، به مقام دبیرکلی حزب کمونیست اتحاد شوروی رسید و پس از مرگ لنین، موفق شد در مبارزه قدرت، در دهه ۲۰ بر لیون تروتسکی پیروز شود و رهبری حزب را در دست گیرد. در دهه ۱۹۳۰ م، استالین تصفیه کبیر را آغاز کرد که به کمپانی از سرکوب سیاسی، دستگیری و قتل مخالفان معروف است که در ۱۹۳۷ به اوج رسید. جهت آگاهی بیشتر از جنایات استالین، به کتاب «تاریخ سری جنایات‌های استالین» نوشته الکساندر آرلوف با ترجمه دکتر عنایت‌الله رضا که از سوی انتشارات کتاب‌سرا در ۵۰۴ صفحه منتشر شده است، مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

۲. لئونید ایلچ بریژنینو به روسی: (Леонид Ильич Брежнев): زاده ۱۹ دسامبر ۱۹۰۶ درگذشته ۱۰ نوامبر ۱۹۸۲ م سیاست‌مدار و دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۲ بود. وی در تاریخ ۱۹ دسامبر سال ۱۹۰۶ م در شهر کامیانسکه در استان دنیپروپتروفسک در اوکراین امروزی که در آن زمان جزئی از امپراتوری روسیه بود، زاده شد و در تاریخ ۱۰ نوامبر سال ۱۹۸۲ م به سن ۷۶ سالگی در مسکو درگذشت. نگاه: از لنین تا پوتین، ص: ۳۱۴. «مرکز تدوین»

۳. کمونیزم و یا کمونیسم: این اصطلاح از ریشه لاتینی «کمونیس» به معنای اشتراکی گرفته شده است. اصطلاح کمون یا جامعه اشتراکی نخستین بار در فرانسه، در سال ۱۸۳۹ م، به کار رفت. به قول طرفداران این اصطلاح، گویی این نظام بدون طبقه است. کمونیزم شخصیت انسان را تابع اقتصاد و در چوکات محدودیت‌ها و قیودات خفقان‌آور اجتماعی محبوس می‌کند. هم‌چنان کمونیزم به انسان، حقوق و آزادی‌هایش از دریچه اقتصاد نگریسته، «مالکیت اشتراکی» را نخستین پایه مستحکم نظام خود قرار داده و آزادی‌هایی را که حق طبیعی انسان‌هاست محدود و فشرده می‌سازد. خوش‌بینانه‌ترین قضاوت در مورد منطق کمونیزم این باشد که گرایش به این مکتب، به معنای تباهی گوهر انسانیت، اغفال و اغرای انسان از توجه به کنه حالت خودش، خودفراموشی و پایمال کردن شخصیت انسان در حد کالای کم از بازار است و - نیز - به معنای تنزل ارزش خون و آبروی آدمیت است. نگاه: دانشنامه سیاسی، از: داریوش آشوری، ص ۲۶۱-۲۶۳ و مقاله «ارزش خون در کمونیزم و اسلام» نوشته شهید محمدکاظم شارق، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، سال ۱۳۶۰ هـ.ش. «مرکز تدوین»

کنند؛ چون تا هنوز چیزی از این آزادی برای‌شان داده نشده بود و کشورهای دیگری که خواستند استقلال بگیرند، مخصوصاً کشورهای بالتیک^۱ و یا کشورهای آسیایی دیگری، همین‌که سر خود را بالا کردند، سرکوب شدند. لذا فعلاً روسیه توازن خود را عمیقاً از دست داده است و روس‌ها فعلاً با مشکلات سنگینی روبه‌رویند.

البته ناگفته نگذاریم که در اینجا هستند تعداد زیادی از کسانی که به‌عنوان پاسداران سیاست اسلامی به شکلی از اشکال اجازه نمی‌یافتند آزادی در روسیه به‌میان بیایند چرا که از سرنوشت خودشان می‌ترسند و این مسئله يك سلسله تضادهای بیرونی را ایجاد کرده و استعفای شوارد نادره که زاده تضادهای داخلی بود.

من به این عقیده‌ام که دیگر وقت سیاست زور، فشار یا برگشت به دوران استالین گذشته است، کسانی که می‌خواهند در دوران سیاست زور استالین باشند، نمی‌توانند گامی به پیش بگذارند.

درین اواخر می‌بینیم که اگر چه گورباچف،^۲ حرف از نوآوری‌ها زده و با این هم، عناصر طرفدار سیاست استالینی حتی آماده نیستند که این تحولات را قبول کنند و دراین اواخر دیده می‌شود که گرایش روسیه و گورباچف به‌جانب سیاست‌های تشییست‌آمیز می‌رود. کمونیست‌ها،^۳ اگر آزادی بیشتر

۱. کشورهای حوزه دریای بالتیک در شمال شرق اروپا قرار دارند و شمال کشورهای: لیتوانی، لتونی و استونی هستند، این سه کشور هر سه جزء اتحادیه اروپا هستند. نگاه: سجادپور، سیدمحمد کاظم، (۱۳۹۱) رابطه مفهومی نفوذ، امنیت و پیوستگی سرزمینی؛ مطالعه موردی رفتار امنیتی روسیه در حوزه بالتیک (۱۹۹۱-۲۰۱۱)، فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، ص: ۸۶-۱۱۵، شماره: ۸۰. «مرکز تدوین»

۲. میخائیل سرگه‌ویچ گورباچف: در ۲ مارچ ۱۹۳۱ م، در روستای پریولنویه در نزدیکی استاوروپول شوروی به دنیا آمد. او آخرین رهبر اتحاد شوروی است و در روسیه از محبوبیت کمی به دلیل نقش وی در فروپاشی اتحاد شوروی سابق و مصایب اقتصادی که آمد برخوردار است. نگاه: خیانت به سوسیالیسم، ص: ۱۶۱. «مرکز تدوین»

۳. کمونیستان: پیروان مکتب کمونیسم، و به کسی که پیرو مکتب کمونیسم باشد، کمونیست گویند، این اصطلاح از ریشه لاتینی «کمونیس» به معنای اشتراکی گرفته شده است. اصطلاح کومون یا جامعه اشتراکی نخستین بار در فرانسه، در سال ۱۸۳۹ م، به کار رفت. به قول طرفداران این اصطلاح،

می‌داشتند مستقیماً ادارهٔ مرکزی ساخته می‌شد که تمام صلاحیت و تمام قدرت‌ها در دست مشّت محدودی از افراد قرار می‌گرفت و میلیون‌ها فرد مربوط به چند فرد می‌شد؛

به این اساس، من فکر می‌کنم این وضعیت موجب یک سلسله تضادهایی شده است. البته غربی‌ها معمولاً قضایا را بسیار خوش‌بینانه بررسی می‌کنند؛ اما تحوّل و دگرگونی در روسیه خیلی عمیق است و آن‌ها عمیقاً دست‌وپاچه می‌باشند.

پیشگویی‌های غربی‌ها و دادن جایزهٔ صلح و جایزهٔ نوبل^۱ هم که یک کار کاملاً سرسری و سطحی‌اندیشی بود؛ زیرا او کار نکرده بود که برایش جایزهٔ صلح دادند و این حق وی نیست؛ زیرا در افغانستان، جنایات و کشتار سنگینی انجام داد و هنوز این داستان ادامه دارد و اکثر مناطق تحت اشغال هم از دست آنان آزاد شده می‌رود.

آزادی حق خود ملّت‌ها است. حق آزادی کدام عطیه‌ای نیست که مردم منتظر بخشش آن از سوی دیگران بوده باشند؛ لذا باید روسیه محکوم شناخته می‌شد؛ نه اینکه به او جایزه داده می‌شد. اگر روس‌ها، جنایت‌کار نمی‌بودند؛ پس چرا این ملّت‌ها یک‌دم با موج احساس آزادی‌خواهی از پیکر روسیه جدا می‌شدند؟ پس این جدا شدن آن‌ها و حصول آزادی‌شان

گویی این نظام بدون طبقه است. کمونیزم شخصیت انسان را تابع اقتصاد و در چوکات محدودیت‌ها و قیودات خفقان‌آور اجتماعی محبوس می‌کند. همچنان کمونیزم به انسان، حقوق و آزادی‌هایش، از دریچهٔ چشم اقتصاد نگریسته، «مالکیت اشتراکی» را نخستین پایهٔ مستحکم نظام خود قرار داده، آزادی‌هایی را که حق طبیعی انسان‌هاست محدود و فشرده می‌سازد. خوش‌بینانه‌ترین قضاوت در مورد منطق کمونیزم این باشد که گرایش به این مکتب، به معنای تباهی گوهر انسانیت، اغفال و اغراء انسان از توجّه به کنهٔ حالت خودش، خودفراموشی و پایمال کردن شخصیت انسان در حد کالای کم از بازار است و - نیز - به معنای تنزّل ارزش خون و آبروی آدمیت است. نگاه: دانشنامهٔ سیاسی، ص: ۲۶۱ - ۲۶۳ و مقالهٔ «ارزش خون در کمونیزم و اسلام»، شهید محمدکاظم شارق، میثاق خون، ص: ۴۴، شمارهٔ سیزدهم، سال ۱۳۶۰ ه.ش. «مرکز تدوین»

۱. جایزهٔ نوبل: جایزه‌ی ست که هر سال به کسانی که در رشته‌های شیمی، فزیک، طب، ادبیات و تأمین صلح جهانی خدماتی انجام بدهند، داده می‌شود. فرهنگ فارسی عمید، ج: ۲، ص: ۱۰۳۳. «مرکز تدوین»

کدام عطیه نیست و یا این کمال گورباچف نیست؛ بلکه احساس عمیق درونی مردمی بوده که راه و چاره می‌جستند تا راهی پیدا بکنند.

به این اساس فکر می‌کنم از هم‌پاشیدگی روس‌ها ناشی از اختلافات درونی‌شان است؛ اما هستند بعضی‌ها که می‌خواهند دوران سیاست استالین را زنده بسازند.

مجاهد: با توجه به سیر جهاد افغانستان، به نظر شما برای کسب پیروزی نهایی چه باید کرد؟

استاد: نظر ما این است که برای کسب پیروزی نهایی هماهنگی بسیار درست نظامی و سیاسی ضرورت است. هماهنگی نظامی و سیاسی این است که در پهلوی کارهای نظامی خود، ابتکارات سیاسی را به‌دست داشته باشیم و گروه‌ها تا حد ممکن به‌صورت متحد و یکپارچه در جهت برنامه‌های سیاسی عمل کنند.

من یقین دارم که فعلاً باوجود مشکلات خلیج و مشکلات بین‌المللی کمبودی‌های مجاهدین، اوضاع به نفع مجاهدین است. به دشمن زیاد وقت ندهیم از لحاظ نظامی هم باید ضربات به دشمن خیلی سریع و تند بوده باشد؛ البته با برنامه و اطمینان و به‌صورت هماهنگ و همچنان از لحاظ سیاسی باید مؤثر حرکت کنیم.

در این شکی نیست که حوادث اخیر استعفای شواردناده هم به کسانی که خوش‌باورانه فکر می‌کردند، یک زنگ خطر است. ما باید بفهمیم که اگر توجه به مسئله افغانستان نشود، هنوز هم خطر سیاست تجاوزکارانه وجود داشته و دارد؛ به این اساس، باید کسانی را که هنوز هم به سیاست‌های تجاوزکارانه فکر می‌کنند، با مشت‌های کوبنده، سرکوب ساخت و به همین اساس است که کشورهایی که فعلاً نسبت به قضیه افغانستان بی‌علاقه شده‌اند، چه کشورهای مسلمان و چه غیرمسلمان یک‌بار دیگر متوجه موضوع خواهند شد که باید در مورد مسئله افغانستان بعد ازین بی‌تفاوت نباشند.

مجاهد: طوری که بین حزب اسلامی موافقه به عمل آمده انتخابات بین دو تنظیم در مناطق آزادشده برگزار می‌شود. امید برای خوانندگان جریده مجاهد از کارهایی که درین رابطه شده معلومات ارایه فرمایید؟

استاد: فعلاً در مابین جمعیت و حزب در بغلان^۱ فعالیت‌هایی شروع است. ما برای برادر مسعود^۲ و به بعضی برادران دیگر، مکتوب دادیم که در آنجا کارها را شروع کنند. امید است، یک سلسله گام‌های مفیدی برداشته باشند.^۳

۱. بغلان: یکی از ولایات شمال شرقی افغانستان به شمار می‌رود. مساحت آن ۱۸۲۵۵٫۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن قرار احصائیة سال ۱۳۹۱ هـ ش، حدود ۸۶۳٫۷ نفر تخمین شده‌است. مرکز آن شهر پلخمري است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۳۵۱ و ۳۶۷. «مرکز تدوین»

۲. منظور قهرمان ملی کشور، شهید احمدشاه مسعود است. «مرکز تدوین»

۳. منبع گفت‌وگو: هفته‌نامه مجاهد، شماره مسلسل ۱۳۹، پنج‌شنبه ۲۰ جدی ۱۳۶۹ هـ ش - ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۱۱ هـ ق - ۱۰ جنوری ۱۹۹۱ م. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوی بیست و چهارم
با
روزنامه جمهوری اسلامی ایران

تاریخ: ۱۰ جدی ۱۳۶۹ هـ ش



خبرنگار: صحبت‌هایی در مورد برگزاری انتخابات در افغانستان حتی قبل از سرنگونی رژیم دست‌نشانده روس در کابل وجود دارد، راجع به این انتخابات و تفاوتش با انتخاباتی که قبلاً اعلام شده توضیح بفرمایید؟

استاد: به نظر ما مشکل افغانستان را نمی‌توان فقط با راه‌های سیاسی حل کرد. باید متوجه این مطلب بود که هنوز هم جنگ افروزانی که مایل به ادامه فاجعه قبلی با کمک روس‌هایند، در افغانستان حضور دارند؛ اما ما مجاهدین، در کنار فعالیت‌های نظامی خود تا پاک‌سازی کشور از وجود دست‌نشانده‌های خارجی، به راه‌های سیاسی نیز توجه داشته‌ایم و اینکه اوضاعی به وجود بیاید تا مانع خونریزی در داخل کشور شود، ما در این جهت هم تلاش‌های بسیار دلسوزانه‌ای خواهیم داشت.

در همین حال؛ از آنجا که شبهات و سؤالاتی مطرح می‌شد که آیا گروه‌های مبارز داخل افغانستان نماینده واقعی مردم مسلمان افغانستان اند یا نه؟ و با این سؤالات و شبهات خواستند مبارزات ما را زیر سؤال قرار دهند، در حالی که واقعیت این است ملت‌ی که پشت سر گروه‌های جهادی سال‌ها جنگیده و در این راه یک‌ونیم میلیون نفر هم شهید داده‌اند، مبارزه‌شان بزرگ‌ترین رفراندوم و انتخابات است که نشان دهد مردم عملاً پشت سر گروه‌های جهادی قرار دارند؛ اما باز هم به‌خاطر اینکه به این سؤالات پاسخی داده شود و این مطلب به همه ثابت شود که ما آماده‌ایم، مردم افغانستان آزادانه درباره سرنویشت خود تصمیم بگیرند، لذا گفتیم آمادگی برگزاری انتخابات در داخل افغانستان را

داریم تا احزاب متعدد تحت یک رهبری سیاسی واحد جمع شوند و بتوانیم برای تشکیل دولت واحد در افغانستان عمل کنیم و از همین رو، کمیسیون برای امر انتخابات در پیشاور تشکیل شد. لازم است توضیح دهم که شرایط انتخابات در داخل افغانستان به دلیل ادامه جنگ بسیار مشکل می‌باشد؛ ولی با این حال، ما قصد داریم از هر وضعیتی برای برگزاری انتخابات استفاده کنیم. گفتنی است که ریاست این کمیسیون با پیرجیلانی است و این کمیسیون، هیئت‌هایی را مأمور کرده که به داخل افغانستان بروند. ما همچنین از برادران مجاهد خود که در جمهوری اسلامی ایران هستند و از حزب وحدت اسلامی هم درخواست کردیم که در این کار سهم بگیرند؛ لذا قرار شد کمیته مشترکی از برادران حزب وحدت اسلامی، گروه‌های مستقل و گروه‌های مقیم پیشاور، طرح‌های انتخاباتی را در هماهنگی باهم بسازند.

در هر صورت، قصد داریم علی‌رغم مشکلات فراوان، انتخابات آزاد در داخل افغانستان انجام شود تا موضوع تعدد مراکز قدرت ختم شود و یک قدرت مرکزی واحد، اداره مسایل را به دست گیرد.

خبرنگار: آیا این کار به منزله کنارگذاشتن راه حل نظامی و آغاز فاز سیاسی نیست؟

استاد: خیر! ما بر این عقیده‌ایم که جهاد ما تا زمانی که دشمن در خاک ما هست و تا زمانی که اراده ملت مسلمان افغانستان به اجرا گذارده نمی‌شود و تا زمانی که مداخله روس‌ها در افغانستان خاتمه نیافته، ادامه خواهد یافت؛ اما هم‌زمان با جهاد مسلح خود، تلاش‌های سیاسی را نیز به‌خاطر آنکه بتوانیم به وضع موجود پایان دهیم ادامه خواهیم داد.

خبرنگار: آیا برگزاری انتخابات مورد توافق کلیه گروه‌های مجاهد افغانستان است؟

استاد: یقیناً در مورد اصل برگزاری انتخابات، کلیه گروه‌های افغان اتفاق نظر دارند؛ منتهی درباره طرز برگزاری و فرمول‌بندی‌های آن اختلاف نظرهایی وجود دارد.

سوال: همیشه هم اختلاف بوده؟

استاد: در بعضی مقاطع نقطه‌نظرها بسیار از هم فاصله داشته؛ ولی در اوضاع کنونی نقطه‌نظرات به هماهنگی نزدیک شده و امیدواریم که با سهم‌گیری برادران خود در حزب وحدت و گروه‌های مستقل، همه طرح‌ها در قالب یک طرح واحد و مشترک دربیاید.

خبرنگار: به نظر می‌رسد شرق و غرب سعی کرده اند مسئله افغانستان را افغانی کنند؛ یعنی وانمود شود که در افغانستان نوعی از جنگ داخلی است و هیچ دست خارجی در پشت این قضیه نیست و صرفاً گروه‌هایی هستند که علیه حکومت مرکزی می‌جنگند، تحلیل شما از نقش شرق و غرب در مبارزه مردم مسلمان افغانستان چیست؟

استاد: شکی نیست که جهاد اسلامی ملت مسلمان افغانستان تحولی بوده است که هیچ‌یک از شرق و غرب به آن باور نداشتند و حقیقتاً پیروزی نظامی ما در مقابل روس‌ها بالاتر از حد تصور همه تحلیل‌گران نظامی و متخصصین در امور مسایل منطقه است.

طبیعی است که هم‌زمان با پیروزی در سنگرهای جهادی و نزدیک شدن تشکیل دولت اسلامی، حملات گوناگون دشمنان اسلام شدت یابد. این مسئله در زمان پیامبر ﷺ نیز بوده است؛ یعنی در آوان تشکیل دولت اسلامی در مدینه منوره، افرادی از قریش - که منافع خود را در خطر می‌دیدند - بنای مخالفت با دعوت پیامبر اسلام گذاشته و سنگ‌اندازی و ایجاد مانع کردند؛ اما هم‌زمان با تشکیل دولت اسلامی در مدینه، شاهد وقوع جنگ احزابیم؛ یعنی یهود و قبایل دیگر علیه مسلمانان لشکرکشی کردند. در افغانستان هم هم‌زمان با خروج قوای روس می‌بینیم افرادی که خود را به ظاهر دوست مردم مسلمان افغانستان وانمود می‌کردند، موضع خود را تغییر دادند و چه از لحاظ تبلیغاتی و چه از لحاظ نظامی در شرق و غرب عالم، یکسره علیه مجاهدین مسلمان بسیج شدند و نخواستند افتخار پیروزی مسلمانان در افغانستان و فروپاشی کمونیسم را مسلمانان به نام خود ثبت کنند؛

براین اساس، خواستند همه عظمتی که بر اساس جهاد اسلامی افغانستان، نصیب ملت مسلمان این کشور شده را کم‌اهمیت جلوه دهند و آن را جنگ داخلی و صرفاً مبارزه با حکومت مرکزی معرفی کنند.

یقیناً ما این تحلیل را - که این یک جنگ داخلی است - یک تحلیل کاملاً ظالمانه و دشمنانه می‌پنداریم. ناگفته نماند که ما این گونه توطیه‌ها را از قبل پیش‌بینی می‌کردیم و می‌دانستیم در آستانه پیروزی نهایی ملت مسلمان افغانستان و تشکیل دولت اسلامی چنین ترفندهایی آغاز شود. همان گونه که اشاره کردید، تبلیغات طوری است که چنان وانمود می‌کنند که مجاهدین علیه دولت مرکزی می‌جنگند، در صورتی که چنین نیست. اگر چیزی به نام دولت مرکزی توان رویارویی با ملت افغانستان را داشت، پس لشکرکشی روس‌ها به افغانستان دیگر چه معنایی داشت؟ این‌ها بدین دلیل به افغانستان لشکر کشیدند که دیدند مزدوران‌شان در افغانستان دارای مقاومت در برابر اراده مردم را ندارند؛

براین اساس اصلاً ما حکومتی را در داخل افغانستان نمی‌بینیم، هرچه هست روس است و تا به حال هم روس‌ها می‌جنگیدند. اگرچه گفته می‌شود روس‌ها از افغانستان خارج شده‌اند؛ ولی باید بگوییم جنگ آن‌ها با مردم مسلمان افغانستان هنوز ادامه دارد.

در افغانستان فقط استراتژی جنگی روس‌ها تغییر کرده؛ اما اصل ماهیت جنگ تا به امروز هم ادامه دارد؛ ولی در طرف مقابل مجاهدین تحت فشارها و تضییقات مختلف اقتصادی و نظامی قرار دارند و حتی ۵۰ هزار تن گندمی که به عنوان کمک خوارباری به مجاهدین افغانی می‌شد، با شرایط دشوار ارسال می‌شد.

ما معتقدیم که رژیم نجیب هیچ گونه توانایی ذاتی ندارد و موجودیت او، متکی به روس‌ها و کمک‌های بی‌دریغ آن‌هاست و بر این اساس، دسیسه علیه مجاهدین ادامه دارد.

رژیم نجیب اکنون به سلاح‌ها و موشک‌هایی مجهز است که در زمان

حضور نیروهای روسی اصلاً آن‌ها را در اختیار نداشت و امروزه به‌جای خروج نیروهای روسی به همین مقدار و حتی بیشتر به نجیب سلاح پیشرفته داده شده است تا جای خالی نیروهای پیاده نظامی روس را پرکند.

خبرنگار: آینده نهضت اسلامی افغانستان را چگونه می‌بینید؟

استاد: چشم‌انداز آینده افغانستان بسیار روشن است. ملت ما در نهضت اسلامی خود از میان یک تجربه خون‌بار گذشت و در صحنه نظامی امتحان بسیار مثبتی داد. ملت افغانستان در جریان جهاد اسلامی آب‌دیده شده و ما ایمان داریم که پس از فروپاشی کمونیسم در جهان و علی‌رغم حوادث اخیر خلیج فارس که یقیناً برای مقابله با نهضت جهانی اسلامی ایجاد شده، ما خواهیم توانست به اهداف خود برسیم.

امروز می‌بینیم امپریالیسمی^۱ که فکر می‌کرد مسلمانان در جریان سیاسی و در صحنه‌های انتخابات پشت سر نهضت‌های اسلامی قرار نمی‌گیرند، با تجربه موفق الجزایر^۲ و سودان^۳ دید که چنین نیست و حتی در صحنه انتخابات نیز مردم مسلمان به اسلام رأی خواهند داد.

امروز بسیاری از سیاستمداران غرب صریحاً اعتراف می‌کنند که دیگر کاپیتالیسم در برابر کمونیسم قرار ندارد؛ بلکه صحنه نبرد بین اسلام و کاپیتالیسم

۱. امپریالیسم: به نظامی گفته می‌شود که به دلیل مقاصد اقتصادی یا سیاسی می‌خواهد از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کند و سرزمین‌ها و ملت‌ها و اقوام دیگر را زیر سلطه خود درآورد. نگاه: فرهنگ تفسیری ایسم‌ها (مشمول بر ۱۹۹۰ ایسم از علوم مختلف)، ص: ۶۲-۶۳. «مرکز تدوین»
۲. الجزایر: کشوری است که در شمال قاره آفریقا موقعیت دارد. مساحت آن ۲۳۸۱۷۴۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۳۵۸۶۶۰۰۰ نفر تخمین شده است. دین رسمی آن اسلام، زبان رسمی آن عربی، پایتخت آن الجزیره و واحد پول آن دینار الجزایر است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۸. «مرکز تدوین»

۳. جمهوری سودان: کشوری است که در شمال شرقی قاره آفریقا موقعیت دارد، پایتخت آن شهر «خرطوم» است، مساحت آن ۱۸۸۶۰۶۸ کیلومتر مربع و نفوس آن در سال ۲۰۱۰ م، ۴۳۱۹۲۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن عربی است و واحد پول آن پوند سودان می‌باشد، بیش از ۹۷ درصد مردم سودان مسلمان هستند، بقیه را پیروان ادیان محلی آنیمیست و اقباط تشکیل می‌دهند. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۴. «مرکز تدوین»

است. دیگر «ناتو»^۱ و «ورشو»^۲ نیست؛ بلکه «ناتو» در برابر «اسلام» است. ما علی‌رغم صف‌آرایی کفر معتقدیم نهضت جهانی اسلام وارد مرحله‌ای شده که تلاش‌های مذبوحانه دشمنان اسلام در برابر آن ناکام است. و در افغانستان نیز آینده مردم مسلمان، آینده روشنی خواهد بود.

خبرنگار: برخی اخبار و گزارش‌هایی رسیده، حکایت دارد که گویا بعضی گروه‌های جهادی با عناصر کمونیست ارتباط‌هایی را برقرار کرده‌اند؛ از جمله می‌توان به ارتباط بین آقای «حکمتیار» و «شهنواز تنی»^۳ اشاره کرد. این ارتباط را چگونه توجیه می‌کنید و آیا گروه‌های جهادی در این باره موضع

۱. سازمان پیمان ائتلاف شمالی یا ناتو (به انگلیسی: North Atlantic Treaty Organization) در ۴ اپریل ۱۹۴۹م با هدف دفاع جمعی در واشنگتن دی.سی. پایه‌گذاری شد و هم‌اکنون ۲۸ عضو دارد. پس از آغاز جنگ افغانستان و جنگ عراق نیروهای ناتو حوزه فعالیت‌های خود را به داخل مرزهای این دوکشور نیز گسترش دادند، و در سال ۲۰۰۶ پس از درخواست هالند و آلمان نیروهای ناتو در افغانستان، جایگزین نیروهای آی‌ساف متعلق به سازمان ملل شدند. ناتو در سال ۲۰۰۸ رهبری ۴۷ هزار نیرو از ۴۰ کشور جهان را در افغانستان بر عهده داشت. نگاه: تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، ص: ۲۵۸. «مرکز تدوین»

۲. پیمان ورشو: یک پیمان نظامی بین کشورهای اروپایی بلوک شرق بود. این پیمان در ۱۴ می ۱۹۵۵م به امضای هشت کشور اروپایی شوروی، آلبانی، آلمان شرقی، بلغارستان، چکسلواکی، رومانی، لهستان و مجارستان رسید و در جنگ سرد رقیب اصلی ناتو محسوب می‌گردید. آلبانی در سال ۱۹۶۱م از آن کنار گذاشته شد و خود در سال ۱۹۶۸م از آن کناره گرفت. هدف از پیمان ورشو که در ابتداء به مدت بیست‌سال منعقد شد، همکاری و همیاری دولت‌های اروپای شرقی بود. به موجب این پیمان، ستاد فرماندهی یگانه‌ای برای تمام نیروهای مسلح کشورهای عضو به‌وجود آمد. دولت‌های امضاکننده این پیمان متعهد شدند که در روابط خود از تهدید و به‌کار بردن زور خودداری کنند و هرگاه به هریک از دولت‌های عضو در اروپا حمله شود، با تمام نیرو به آن یاری دهند. نگاه: دانشنامه سیاسی، ص: ۹۲. «مرکز تدوین»

۳. شهنواز تنی: یکی از جنرالان برجسته حزب دموکراتیک خلق در زمان حکومت کمونیستی در افغانستان بود که در سال ۱۳۲۸ هـ.ش، در شهرستان تنی ولایت خوست، در جنوب شرقی افغانستان به دنیا آمده است. او از سال ۱۹۸۸ - ۱۹۹۰ م، وزیر دفاع حکومت کمونیستی در زمان نجیب بود و در کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ هـ.ش، فرمانده واحد کوماندویی ارتش را به عهده داشت و در این کودتا نقش برجسته و فعال داشت. او با راه‌انداختن کودتای نظامی در ۱۶ حوت ۱۳۶۸ هـ.ش، علیه حکومت نجیب، از مقامش برکنار شد و با یک فروند هلیکوپتر نظامی به پاکستان فرار کرد. تنی فعلاً (سرطان ۱۴۰۰ هـ.ش)، در قید حیات است. نگاه: اردو و سیاست در سه دهه اخیر افغانستان، ص: ۴۰۵ «مرکز تدوین»

مشخصی دارند؟

استاد: درباره ارتباط با عناصر کمونیستی باید بگویم موضع قاطع و مشترک همه گروه‌های جهادی بر این است که ارتباط با بقایای تجاوز روس به افغانستان و رژیم دست‌نشانده، تحت هر عنوانی از قبیل آشتی ملی و غیره محکوم است؛ اما اینکه چه اشخاصی و به چه صورتی این ارتباط را برقرار کرده‌اند، این مسایل باید از موارد مشخصی باشد و یقیناً با اصل کلی مورد اتفاق مجاهدین منافات دارد. تنها یک راه وجود دارد و آن این است که عناصر کمونیست و دست‌نشانندگان روس توبه کرده باشند و اعلام برائت از کفر و کمونیزم خود کرده باشند و در این صورت این افراد می‌توانند شامل عفو عمومی مجاهدین قرار گیرند و این مورد به حکومت آینده افغانستان ارتباط پیدا می‌کند که به چه کسانی عفو تعلق گیرد و چه حکمی بر اساس قضای شرعی در مورد آنان صادر شود.

قاطعانه بگویم که مجاهدین افغانستان هرگونه همکاری و ارتباط با دست‌نشانندگان رژیم کابل در هر سطحی را محکوم کرده و آن را مردود می‌دانند.^۱

۱. منبع گفت‌وگو: هفته‌نامه مجاهد، شماره مسلسل ۱۳۸، دوشنبه دهم جدی ۱۳۶۹ هـ ش - ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۱۱ هـ ق - ۳۱ دسمبر ۱۹۹۰ م. «مرکز تدوین»

گفت و گوی بیست و پنجم
با
خبرنگاران داخلی و خارجی

تاریخ: ۲۰ قوس ۱۳۶۹ هـ ش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * اگرچه بحران خلیج اکثر قضایای بین‌المللی، از جمله موضوع افغانستان را تا حد زیادی تحت الشعاع قرار داده است؛ اما در هفته‌های اخیر یک‌بار دیگر، موضوع افغانستان، کم‌کم راه خود را در سرخط اخبار و مطبوعات کشاند. از جمله مسایل و قضایایی که می‌توان به‌حیث شاخص موضوعات قرار داد و از جمله مسایلی که در هفته‌های اخیر به ارتباط موضوع افغانستان بوده، می‌توان از چند موضوع نام برد: نشست اخیر قوماندانان به‌منظور هماهنگ‌سازی فعالیت‌های نظامی در داخل کشور، تأمین امنیت و نشست اخیری که میان حزب و جمعیت جهت رفع اختلافات میان دو تنظیم و ایجاد فضای همکاری و تعاون صورت گرفت، نشست سایر گروه‌ها در پیشاور و اجلاس اخیری که در تهران با اشتراك عده‌ای از گروه‌های مقیم پیشاور و گروه‌هایی که در جمهوری اسلامی مرکزیت دارند و همچنان برنامه فرستادن هیئت‌نظار، جهت تشکیل لویه جرگه، باوجودی که یک سلسله خلاهایی هم در قسمت انتخاب وقت و امثال آن وجود داشته و همچنان بعضی از گروه‌ها هم‌زمان با اعلان فرستادن هیئت‌ها به داخل این تصمیم شریک نبودند؛ ولی با این‌همه، این کار را می‌توان به‌حیث یک گام مثبت در جهت شکستادن بن‌بست فعلی در ارتباط به مسایل سیاسی و نظامی در افغانستان دانست. من به این عقیده‌ام که اگر سیر کارها در راستای فعالیت‌هایی که از آن‌ها قبلاً نام برده شد، جریان پیدا کند، در راه حل بحران افغانستان می‌توان افق‌های روشنی را

ملاحظه کرد.

از جانب دیگر، هم‌زمان با فعالیت‌های مجاهدین، ما شاهد يك سلسله حرکت‌های دراماتیک توسط نجیب- که به‌عنوان يك چهره خاین ملی در دستگاه ملت ما شناخته شده- می‌باشیم. فعالیت‌های مذبحانه و از جمله سفر او به ژنیوو و ادعاهای وی که گویا با عده‌ای از نمایندگان مجاهدین دیدن کرده و همچنان نشست هواپیمای حامل او در مشهد، این‌ها یک سلسله تلاش‌هایی است که مثل همیشه به عمل آورده و دارودسته و دست‌نشانده روس‌ها در کابل همیشه به‌خاطر ایجاد سوءظن و ایجاد تفرقه در میان مجاهدین دست بکار شده‌اند.

به عقیده من، نجیب به‌هیچ شکلی نمی‌تواند به‌عنوان یک طرف قضیه در جهت حل قضیه افغانستان بوده باشد. ما عقیده داریم که دیگر داستان نجیب ختم شده؛ اما هر تلاشی که در جانب مقابل با سرگوشی‌ها و صحبت‌های پشت پرده و یا فعالیت‌های دیگر امثال کودتا و غیره هرگز نمی‌تواند مشکل افغانستان را حل کند. کسانی که خواسته باشند، با نشستن با نجیب مشکل افغانستان را به زعم خودشان حل نکنند، نه‌تنها در این راه نمی‌توانند قدم مثبتی بردارند؛ بلکه هویت جهادی خود را زیر سوال قرار می‌دهند؛

لذا ما به این نظریم که حرکت‌های دراماتیکی نجیب و اعلان‌های اخیری که به‌صورت مسلسل از طریق رادیو کابل شنیده می‌شود، آن‌ها در واقع جزء تلاش‌های بی‌حاصل و بیهوده می‌باشد که در گذشته‌ها نجیب داشت؛ لذا از آن جز به‌عنوان یک حرکت تفرقه‌افکنانه و منافقانه نمی‌شود، نام برد.

ما بارها گفته‌ایم که تنها طرفی که می‌توان کلید حل افغانستان را مربوط به او دانست، روس‌ها هستند که با تجاوزشان در افغانستان عامل بحران و عامل فاجعه خونین کشور شده‌اند؛ لذا با قطع تجاوزشان در افغانستان می‌توانند به این بحران خاتمه بدهند؛ اما متأسفانه که تا هنوز هیچ حرکت مثبتی از طرف روس‌ها درین راستا برداشته نشده است.

موضوع دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم، این است: درحالی‌که،

ملت مظلوم افغانستان از یک طرف به علت ادامه تجاوز روس‌ها در افغانستان در آتش جنگ می‌سوزد و از جانب دیگر قحطی و کمبودی مواد غذایی فاجعه‌های دردناک دیگری را در اکثر ولایات به خصوص در شمال غرب و بعضی از مناطق مرکز به میان آورده؛ اما هیچ حرکت مثبتی در ارتباط قضیه افغانستان از جانب روس‌ها ملاحظه نمی‌شود.

مایه تعجب است که می‌بینیم تعدادی از کشورها به صورت سرسام‌آور به هواپیماهای نظامی و ملکی‌شان مواد غذایی را در روسیه نقل می‌دهند و کمک‌های سرشاری از طرف تعدادی از کشورها به سوی روس‌ها سرازیر می‌شود، در حالی که بهتر بود بحران داخل روسیه - که به علت تجاوزهای ظالمانه روس به افغانستان و سایر حرکت‌های متجاوزکارانه روس و مداخلات آن در کشورهای مختلف به وجود آمده است - به عنوان عامل فشار، استخدام می‌شد تا مداخلات خود را از افغانستان قطع کنند.

بگذارید که مردم افغانستان سرنوشت خود را خودشان تعیین کنند و با فرستادن راکت‌های سکاد و اورینگن و سایر سلاح‌های کشنده‌شان در فاجعه‌ای دردناک ملت افغانستان نیفزایند.

به جای آنکه فشاری بالای روس‌ها به عمل می‌آمد، با تعجب فراوان می‌بینیم که آنان به صورت بسیار وسیع مورد کمک و نوازش قرار می‌گیرند؛ اما چیز عجیب‌تر و تأسف‌آورتر اینکه: اخیراً مطلبی را در مطبوعات امروز خواندم (UNHCR) به این عقیده است که حتی کمک‌های محدودی که به مهاجرین داده می‌شود، هم باید تقلیل بیابد، در حالی که آن مقدار کمک‌هایی هم که می‌شد، اصلاً به گونه‌ای است که مشکل مهاجرین را حل نمی‌کند و مهاجرین در کشورهایی که هجرت کردند، از هیچ لحاظ متکی به خود نیستند و اگر کمک‌ها صورت نمی‌گیرد؛ یقیناً مشکلات نخستی که مجاهدین و مهاجرین با آن روبه‌رویند چندین برابر می‌شود.

«یوسی آر» و سایر مؤسسات و کشورهای کمک‌دهنده، قطع این کمک‌ها به مهاجرین را به عنوان یک وسیله فشار به خاطر قبول حل‌هایی که به آبروریزی

ملت ما تمام شود، استعمال نکنند و کمک محدودی که در گذشته بود، ادامه پیدا کند.

بیش ازین صحبت خود را ادامه نمی‌دهم، اکنون نوبت ژورنالیستان است که اگر سوالاتی داشته باشند، ارایه کنند.

خبرنگار: راجع به مسئله قحطی آیا شما می‌توانید توضیح بدهید که در کدام ولایات بیشتر است و به چه پیمانه است؟ چقدر نفر از آن متضرر شده و برای فعلاً چه چیزها ضرورت است؟

استاد: البته کمبود مواد غذایی در افغانستان کاملاً محسوس نیست، به علت ادامه جنگ در گذشته هم این مشکل وجود داشته؛ اما طی سه سال اخیر در افغانستان به علت کمبود باران و حمله ملخ و حشرات دیگر ... چند ولایت، از جمله جوزجان^۱، فاریاب^۲، بدخشان^۳ و بادغیس^۴ را قحطی به صورت بسیار شدید تهدید می‌کند و همچنان در ولایت بامیان^۵ و برخی

۱. جوزجان یکی از ولایات نفت خیز و تاریخی شمال افغانستان بوده و در کتگوری ولایات، درجه دوم و در سرحد با ترکمنستان و ازبکستان واقع است. دارای ۱۱۲۹۱۵ کیلومتر مربع مساحت و شهر شبرغان مرکز آن بوده و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، حدود ۵۱۲،۱ هزار نفر تخمین شده است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۷۸۰ - ۷۶۸. «مرکز تدوین»

۲. فاریاب: ولایت فاریاب یکی از ولایات شمال افغانستان به شمار می‌رود و ۲۰۷۹۷،۶ کیلومتر مربع مساحت را احتوا می‌کند. مرکز آن شهر میمنه بوده و نفوس مجموعی آن طبق راپور احصایه مرکزی افغانستان به بیش از ۹۴۸،۰ هزار تن تخمین شده است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۸۴۳ - ۸۳۸. «مرکز تدوین»

۳. بدخشان: در انتهای گوشه شمال شرق افغانستان واقع گردیده است. مساحت آن ۴۴۸۳۵،۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، حدود ۹۰۴،۹ هزار نفر تخمین شده است و مرکز آن شهر فیض آباد می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۳۹۱ - ۴۱۶. «مرکز تدوین»

۴. بادغیس: از ولایت‌های شمال غربی افغانستان است که مرکز آن شهر «قلعه نو» می‌باشد، از طرف غرب به ولایت هرات، از شرق به ولایت فاریاب، از شمال به کشور ترکمنستان و از جنوب با ولایت غور هم‌سرحد می‌باشد، این ولایت ۲۳/۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و دارای شش واحد اداری است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۸۸۵ - ۸۸۰. «مرکز تدوین»

۵. بامیان: در مرکز افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۱۸۰۲۹،۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، حدود ۲۷۴۶۱۸ هزار نفر محاسبه شده است. مرکز آن شهر بامیان است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۰۹۷. «مرکز تدوین»

ولایات دیگر هم قحطی و کمبود مواد غذایی به‌شدّت مردم را متضرر و متأثر ساخته و ما چندین بار از مؤسسات مختلف، از ملل متحد درخواست کمک گندم کردیم و هرچه به بعضی از کشورها، پیام فرستادیم تا به‌صورت عاجل کمک صورت بگیرد؛ اما این تقاضا برآورده نشد.

من به‌خاطر دارم: زمانی که از صدرالدین آغاخان^۱ و نماینده‌های شان کمک خواستیم، آنان به ظاهر دلچسپی نشان دادند و گفتند: اگر شما اجازه بدهید از طریق روسیه تحت پرچم ملل متحد گندم روان بکنیم!

شکی نبود که این سخن بالای قوماندانان ما سخت تمام می‌شد تا از طریق روسیه گندم انتقال داده شود؛ اما باین حال قوماندانان را هم قانع ساختیم تا به گندمی که از طرف ملل متحد از راه روسیه زیر پرچم ملل متحد انتقال داده می‌شود، اجازه بدهند و با ایشان همکاری کنند؛ ولی در اخیر وقتی که خبر شدیم به جز از چند تن محدود که از راه اشکاشم^۲ بدخشان انتقال داده شد و چندتن بسیار محدودی هم از طریق مزارشریف^۳ به بلخ^۴ و فاریاب آورده شد،

۱. صدرالدین آغاخان یک سیاست‌مدار و دیپلمات بود. او فرزند آقاخان سوم بود. وی در ۱۷ جنوری ۱۹۳۳ متولد شد و از سال ۱۹۶۶م تا ۱۹۷۷ در کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان مشغول به کار بود و برنده جوایزی؛ همچون جایزه سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر و جایزه آزادی شده است. صدرالدین نامزد دبیری کل سازمان ملل متحد بود که با مخالفت و وتوی روسیه روبه‌رو شد. او سرانجام در ۱۲ می ۲۰۰۳م درگذشت. نگاه: مختصری در تاریخ اسماعلیه، ص: ۲۳۵. «مرکز تدوین»

۲. اشکاشم: یکی از شهرستان‌های ولایت بدخشان است که در دامنه شرقی هندوکش واقع گردیده و شکل جغرافیایی آن مانند کلیدی است که در سه طرف آن کوه‌های بلند پر از برف قرار داشته و به‌سان دیگر ولسوالی‌های پامیرات، سردسیر بوده و از سطح بحر ۲۷۰۰ متر ارتفاع دارد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۴۲۸ - ۴۲۹. «مرکز تدوین»

۳. مزارشریف: مرکز اداری اُستان بلخ و از جمله شهرهای مشهور افغانستان به‌شمار می‌رود. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۵۵۴. «مرکز تدوین»

۴. استان بلخ در شمال کشور، متصل با دریای آمو موقعیت دارد و از جمله بلاد معروف، سرسبز، حاصلخیز و معمور افغانستان می‌باشد. بلخ دارای ۱۴ شهرستان و در حدود ۹۹۰ قریه به‌شمول اصلی و فرعی می‌باشد. بلخ در طول تاریخ؛ یکی از مراکز مهم مدنیت خیز جهان به‌شمار رفته، در منابع تاریخی قبل از اسلام، به نام‌هایی چون: آریانا و یجه، بکتریا، باکتریس (باختریس) بخدی و بلیکا (بلهیکا)، بلخ‌گزین، بابل دوم، سرزمین طلالی، هزارشهر، مروارید شرق و... از آن نام برده شده‌است. مؤرخین اسلامی، این شهر را با اوصافی از قبیل بلخ بامی، قُبّة الاسلام، خیرالتراب، أم

بقیه همه به حکومت کابل تسلیم شده و به مجاهدین چیزی نرسیده است و تا هنوز هم این مشکل باقی است و ما بار بار هم از مؤسسات مختلف مطالبه کمک کردیم؛ اما متأسفانه جواب مثبت تا هنوز به دست نیاورده‌ایم. خبرنگار: آیا نجیب با یکی از رهبران مجاهدین صحبت و ملاقات کرده است؟

استاد: تا حال همه رهبران مجاهدین قاطعانه این را رد کرده‌اند و هیچ‌یکی از مجاهدین که از آنان نام برده شده، با نجیب ندیده‌اند و من بیش از این اطلاعی ندارم و به این عقیده‌ام که مجاهدین نباید با نجیب، این چهره خاین ملی، روی مسئله افغانستان بنشینند و صحبت کنند. خبرنگار: شما خودتان هم این را رد می‌کنید؟ استاد: بلی من قاطعانه این را رد می‌کنم.

خبرنگار: فرمودید که بعضی از کشورها به روسیه کمک‌های مواد غذایی و مالی کردند در بین این کشورها، کشورهایی هم بودند که از مجاهدین و مهاجرین قبلاً حمایت می‌کردند؛ ولی الآن دارند، شوروی را حمایت می‌کنند؟ استاد: بلی از جمله کشورهایی که خیراً خبر شدیم از سوی عربستان سعودی و حتی جانب کویت^۱ - که در حالت احتضار قرار دارد - به روسیه کمک‌هایی صورت گرفته و ما انتظار داشتیم که از روابط سیاسی‌ای که میان حکومت عربستان سعودی به حیث یک کشور دوست و برادر - که در گذشته‌ها همیشه مجاهدین را از حمایت سیاسی و کمک‌های مادی برخوردار ساخته بود - تمجید و تقدیر به عمل آورد و هنوز هم ما از موضع‌گیری‌های عربستان سعودی، پاکستان، جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهایی که کمک‌هایی

البلاد، جنة الأرض و غیره.. یاد کرده‌اند. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۵۵۴. «مرکز تدوین»

۱. کویت: کشوری است که در خاورمیانه موقعیت دارد. مساحت آن ۱۷,۸۱۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۳۰۵۱۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن عربی و واحد پول آن دینار کویت بوده و پایتخت آن، شهر «کویت» می‌باشد، دین رسمی آن اسلام و شریعت اسلامی منع اصلی برای قانون‌گذاری در آن است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۷. «مرکز تدوین»

با مجاهدین می‌کنند، با قدردانی یاد می‌کنیم.

ما انتظار داشتیم که از روابط سیاسی به‌حیث‌یک عامل فشار بالای روس‌ها استفاده می‌شود تا روس‌ها کاملاً همکاری خود را با رژیم نجیب قطع کنند و مداخله‌شان در امور افغانستان قطع شود؛ ولی ما فکر می‌کنیم که کمک‌ها به رژیم کابل، در این اوضاع مشکل افغانستان را پیچیده‌تر خواهد ساخت.

خبرنگار: د ملگرو ملتونو د مهاجرینو عالی کمیشنری تصمیم نیولی دی چی مهاجرینوته وطن ته د بیرته ستنیدو په وخت کی په داخل دافغانستان کی مرسته ور ورسی په دی هکله ستاسو د جهاد دمشرانو دری‌خ‌ه شی ده؟

استاد: ما به این عقیده‌ایم که هر قدر زودتر برگشت مهاجرین به داخل آماده شود و زودتر مهاجرین برگردند ما این را به نفع ملت خود می‌دانیم و ازین حمایت می‌کنیم؛ اما این را نیز باید بگویم اوضاعی که باعث شده بود مردم ما کشور را ترک بگویند، فعلاً آن عوامل تا هنوز باقی است. هنوز جنگ خاتمه پیدا نکرده علاوه از ادامه جنگ میلیون‌ها ماین تاحال در افغانستان جابجا شده و درعین حال تمام قریه‌ها و خانه‌هایی که مردم دیروز از آنجا برآمده و مهاجر شده بودند، امروز کاملاً به خاک یک‌سان شده و از طرف دیگر امکانات بودوباش و مواد غذایی‌ای که باید در آنجا در وقت برگشت بوده باشد تا بتوانند به زندگی طبیعی خود ادامه بدهند، تا هنوز ملاحظه نمی‌شود.

به‌راستی وقتی که پروگرام برگشتن مهاجرین توسط صدرالدین آغاخان و ملل متحد روی دست گرفته شد، باید به این نکته‌ها توجه داشت که کمک‌ها چنان ناچیز بودند که اصلاً به هیچ شکلی از اشکال نمی‌توان به‌عنوان کمک از آن نام برد و بسیار مشکل بود در قسمت برگشت مهاجرین به‌دردشان بخورد و حتی اوضاع امنیتی و سایر مشکلات از میان برداشته شود، بازهم این کمک‌های ناچیز مشکل اساسی و تأمین زندگی آنان را کرده نمی‌توانست؛

به این اساس، درحالی‌که اوضاع در داخل افغانستان مساعد شود، جنگ قطع شود، زمینه زندگی برای مردم آماده شود ما هیچ نوع مانعی را از طرف رهبران تنظیم‌های جهاد، نمی‌بینیم که وجود داشته باشد.

خبرنگار: سوال بنده دو جزء دارد: راپورهای واصله برای میدیا^۱ حاکی از این است که در بعضی از شهرهایی که قبلاً توسط مجاهدین به محاصره کشانیده شده بود؛ مانند قلات^۲، گرشک^۳، زابل، قندهار^۴ و... قوماندانان این مناطق فعلاً به خاطر تثبیت حقوق‌شان یا تثبیت پروسه انتخابات و یا حصه گرفتن خودشان، به کویته آمدند و محاذ و سنگر را رها کردند. به نظر شما آیا این کار و یا این حالت معنی رکود در جهاد را نخواهد داشت؟ و از طرف دیگر جهاد در گرماگرم خود، پروسه عملی انتخابات را به راه انداخت در این مسئله سردی زمستان و ناامن بودن بعضی از مناطق هم مطرح است و جزء دوم سوال فرود آمدن طیاره نجیب به مشهد است. اگر واقعاً طیاره نجیب به خاطر گرفتن تیل به مشهد آمده بود، آیا نمی‌شد نیازمندی‌اش را [از طریق دیگری] پوره می‌ساخت؛ اما تا جایی گفته می‌شود نجیب در تهران با بعضی از رهبران یا نماینده‌های‌شان صحبت هم کرده، نظر شما درین مورد چیست؟

استاد: در قسمت موضوع اول؛ چنانکه من در اول گفتم: انتخاباتی که فعلاً هیئت‌های آن جهت تشکیل «لویه جرگه» یا «شورای اسلامی» شروع شده، یک سلسله خلایهایی داشته است که نبودن برادران حزب وحدت خلای دیگری است و در ضمن در محتوای خود لایحه هم مشکلاتی هست؛ زیرا تشکیلات اداری گذشته افغانستان «عادلانه» صورت نگرفته بود. این یکی از خلایهایی است که وجود دارد و می‌توان به حیث یکی از مسایل مورد بحث در ارتباط به لویه جرگه و فرستادن هیئت‌ها از آن نام برد؛ اما ناگفته نگذاریم که باید

۱. رسانه‌ها. «مرکز تدوین»

۲. قلات: قلات یا کلات شهری در جنوب افغانستان و مرکز ولایت زابل است. قلات توسط جاده‌ای به قندهار در غرب و غزنی در شرق متصل می‌شود. این شهر از جمله شهرهای مشهور تاریخی این سرزمین به‌شمار می‌رود. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۸۲. «مرکز تدوین»

۳. گرشک: گرشک مرکز ولسوالی (شهرستان) گرمسیر می‌باشد که در ولایت هلمند و در کنار رود هیرمند (هلمند) واقع شده‌است. گرشک حدود ۴۸۵۴۶ نفر جمعیت دارد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۷۲. «مرکز تدوین»

۴. شهر قندهار مرکز ولایت قندهار بوده و از جمله شهرهای نامدار و باستانی افغانستان است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۹۱. «مرکز تدوین»

به شکلی از اشکال مجاهدین، در برابر فعالیت‌های دراماتیک و فعالیت‌های مزورانه رژیم دست‌نشانده و خنثی ساختن آن‌ها باید تلاش‌ها و فعالیت‌های مثبت سیاسی داشته باشند و کارهای اصلی را به‌خاطر حل بحران کشورشان روی دست بگیرند که از جمله آن مسایلی که از خیلی‌ها پیش بالای آن بحث و صحبت‌هایی صورت گرفت، موضوع تشکیل «لویه جرگه» بود که در مورد سرنوشت کشور تصمیم بگیرد.

به‌هر حال برادران از روی مصلحت تشخیص دادند و در این فرصت وقت آن را تعیین کردند؛ اما من بهتر می‌دانستم که چندماه بعدتر صورت می‌گرفت. در پیوند به یک سلسله مسایلی که که این برادر به آن، اشاره کرد باید گفت: یقیناً که یک سلسله مشکلات هست، مسایل جنگ، سردی هوا و یک قسمت مسایل دیگری که می‌توان به‌هیئت مشکلات بالای آن، انگشت گذاشت؛ به‌هر حال، باز هم اگر در بعضی از ولایت‌ها موفق شوند و در نقاطی که در آنجا جنگ نیست کار را شروع کنند یا در جاهای که قوماندانان قدرت‌مندی وجود دارد و می‌توانند و می‌دانند انتخابات و تشکیل «لویه جرگه» به‌صورت درست و مطمئن انجام یابد، کار، از همان نقاط صورت بگیرد. و در بعضی از ولایاتی که مشکلاتی هست یا مسایل نظامی ایجاب می‌کند کارها به تعویق افتد؛ مثل اینکه برادر از زابل نام برد یا جاهای دیگر [کار، در آنجاها به تعویق بیفتد].

در ارتباط به سوال دوم ما این را نمی‌پسندیم که طیاره یک خاین ملی در جمهوری اسلامی ایران پایین می‌شود و ما آن را هرگز تأیید نمی‌کنیم و امیدواریم در آینده به چنین عناصر خاین ملی افغانستان، در هیچ یکی از کشورهای اسلامی به هیچ شکل و عنوانی اجازه داده نشود که این‌گونه حرکت‌های مزورانه‌ای را بکند؛ اما اینکه چه عاملی برادران ما را در جمهوری اسلامی واداشت به نجیب اجازه بدهند که طیاره‌اش پایین شود، من تا هنوز به‌صورت کامل ازین مسئله آگاهی ندارم.

خبرنگار: استاد محترم! جمعیت اسلامی افغانستان از يك طرف با

تنظیم‌هایی که خواهان راه‌های حل قضیه افغانستان از طریق نظامی‌اند به توافق می‌رسند، از طرف دیگر رهبر محترم جمعیت اسلامی به جای اینکه راهی افغانستان شوند، می‌روند به پروسه راه‌حل سیاسی به ایران می‌پیوندند، ایرانی که قصه نجیبی را که از نظر شما ختم شده، دوباره می‌خواهند احیا بکند. رهبران محترم جهادی من جمله شخص شما در توجیه مسافرتان به ایران فرمودید که در آنجا به توافقاتی رسیدید. یکی تشکیل کمیسیون سیاسی بوده، جهت اعزام هیئت‌های مشترک از حزب وحدت و تنظیم‌های مقیم پیشاور و گروه‌های مستقل جهادی به داخل افغانستان، حالا به‌خاطری که خدای ناخواسته پالیسی و سیاست جمعیت اسلامی دوپهلو تعبیر نشود، بفرمایید که دلیل مسافرت شما در این وقت به تهران و دست‌آوردهای این مسافرت چه بوده و دیگر بفرمایید که شما از عربستان سعودی و کویت صرفاً به‌خاطر ارسال مواد غذایی روسیه انتقاد می‌کنید و خود ایرانی‌ها که می‌خواهند نجیب را اخفا بکنند در کابل، و به طیاره نجیب اجازه فرود را می‌دهند، اقلاباً با این کار شباهت را در بین مردم و حتی در میان رهبران مجاهدین ایجاد کردند؛ اما شما صرفاً به‌صورت خفیف از آن یاد می‌کنید که استقبال و تأیید نمی‌کنیم؛ ولی از عربستان سعودی این‌قدر انتقاد می‌کنید؟

استاد: از نظر ما هر کشوری که نجیب را بر ملت ما تحمیل کند، محکوم و عمل آنان برای ما قابل توجیه نمی‌باشد.

خبرنگار: محترم استاد صاحب! تاسو له حکمتیار سره څه موده وړاندی دوحدت په هکله پریوه موافقت نامه امضاء وکړه ستاسو لاسلیک رنگ لاته وړوچ شوی چی په شهر بزرگ^۱ کی د جمعیت پر سنگرونو برید و وشو آیا تاسو تراوسه له دغه موافقت نامه څخه کومی مثبتی نتیجه ترلاسه کړی دی؟ تاسو

۱. شهرستان شهر بزرگ: این شهرستان در شمال غرب ولایت بدخشان که دریای پنج از شمال آن می‌گذرد، موقعیت دارد. نفوس این ولسوالی به ۷۴۲۷۴ تن می‌رسد که در ۷۱ قریه اصلی و فرعی زندگی می‌کنند. این ولسوالی یکی از ولسوالی‌های کوهستانی ولایت بدخشان به حساب می‌رود. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۴۳. «مرکز تدوین»

ووایل چی غُینو احزابو د انتخاباتو لپاره دکمپاین دیپل مخالفت کری دی. دا کوم حزبونه دی او دخپل مخالفت لپاره څه وجوهات بیانوی؟

استاد: ما خواهان پیشرفت تعهداتیم که در میان خود داشتیم و کردیم و جلو این طور وقایع گرفته شود و ما باید اجازه ندهیم، در حالی که اینجا یک سلسله تغییرات صورت می‌گیرد؛ اما در داخل، مسایل برعکس به میان می‌آید؛ و من امیدوارم که این شاء الله جلو این نوع مشکلات گرفته شود و ما درین قسمت بار دیگر هم با برادران خود در حزب اسلامی موضوعات را توسط هیئتی که درین ارتباط کار می‌کند، مطرح ساختیم و انتظار داریم که جواب‌های مثبتی بشنویم. اگرچه در مورد گروهایی که در مورد انتخابات مخالف اند؛ همانند حزب وحدت، باید گفت که حزب وحدت به زبان آقای مرتضوی بیان داشت که به خاطر اینکه آنان پروژه بخصوصی داشتند، مخالفت خود را با پروژه فعلی اعلان کردند و ما امیدواریم که یک راه‌حلی به برادران حزب وحدت هم در ارتباط به انتخابات فعلی جست‌وجو شود.

خبرنگار: امید عکس‌العمل‌هایی را که در برابر فرمول تازه‌ای که نجیب پیش کرده تشریحاتی بدهید؟

استاد: روزی که هیئت مجاهدین در طایف^۱ با ورنستوف صحبت داشت، یک مطلب توسط روس‌ها عنوان شده بود که شما حزب خلق را با خود در حکومت شریک بسازید- و البته این یک مداخله بود- به روس‌ها گفته شد این حق شما نیست. به شما که حق می‌دهد که برای ما حق بدهید! اگر مخالفین شما پیشنهاد بکند که در حکومت روسیه داخل شوند، [شما چه احساس خواهید داشت] این عین همان مطلب است؛ منتها به تعبیرهای مختلف. معنای این سخن این است که گویا نجیب می‌خواهد با مجاهدین یکجا، یک

۱. طایف: شهری در جنوب شرقی مکه در کشور عربستان است. لات از بت‌های معروف اعراب در جاهلیت، در طایف قرار داشت و مردم گرد آن طواف می‌کردند. این شهر در ۹۰ کیلومتری مکه، ۱۶۰ کیلومتری جده، ۹۰۰ کیلومتری ریاض، و در ارتفاع ۱۶۸۰ متری از سطح بحر واقع است. مساحت کنونی طایف ۳۶۰ کیلومتر و نفوس مجموعی آن در سال ۱۴۱۳ هـ.ق، به ۴۱۶۱۲۱ نفر می‌رسید. نگاه: اطلس المملكة العربية السعودية والعالم، ص: ۳۲۴ - ۳۲۵. «مرکز تدوین»

حکومت را بسازد و از قسمتی از صلاحیت‌های خود بگذرد، یعنی حکومت مشترک ساخته شود خلاصه، تمام حرف‌ها، تمام تلاش‌ها و تمام حرکت‌های مُرَوَّرانه نجیب در یک نقطه خلاصه می‌شود که مجاهدین نجیب را به حیث یک طرف قانونی در تعیین سرنوشت افغانستان بشناسند و با او حکومت مشترک بسازند که این از طرف مجاهدین همیشه رد شده است؛ به این اساس، اینجا کدام مطلب تازه‌ای نیست که راجع به آن حرفی بزنیم. حرف ما حرف قبلی است که نجیب و دارودسته او به عنوان عناصر جانی و غدارند و تنها یک چیز می‌توانیم بگوییم که او باید به اراده ملت افغانستان تسلیم شود و روس‌ها در امور داخلی ما مداخله نکنند، تا خود مجاهدین و مردم افغانستان راجع به سرنوشت خود آزادانه تصمیم بگیرند.

خبرنگار: استاد محترم، اگر لطف کنید در مورد نتایج سفر اخیرتان معلومات بدهید و همچنان به تاریخ ۱۱ قوس تا جایی که شما اطلاع دارید کنفرانسی در رابطه به تعیین هیئت نظار بر انتخابات در مقر «ستره محکمه»^۱ دولت موقت اسلامی افغانستان دایر گردید و هیئت منتخب به داخل کشور اعزام شد تا در مورد تدویر «لویه جرگه» سرتاسری فعالیت کنند؛ بناءً از شما تقاضا می‌کنیم که اول‌تر از همه نظرتان را در مورد «لویه جرگه» ابراز داشته و بعداً واضح کنید که این «لویه جرگه» تا چه اندازه موفق خواهد بود؟

استاد: در قسمت رفتن ما به ایران و صحبت‌هایی که ما در آنجا داشتیم، باید گفت: من در مجلس شوری - که قبلاً آغاز شده بود - تقریباً یک هفته بعدتر رسیدم و مشغولیت‌هایی داشتم و برادرانی که در آنجا اشتراک داشتند، روی مسایل زیادی صحبت کردند و از جمله روی اینکه به خاطر انتخابات هیئتی هم از پیشاور به تهران برود و با برادرانی از تهران به پیشاور بیایند و انتخابات را هماهنگ سازند و همچنان روی اینکه موضوعی که بالای آن صحبت صورت می‌گرفت، بحث شد که چه راهی برای داشتن انتخاب سیاسی به دست خود مجاهدین پیش‌بینی شود تا ابتکار سیاسی را خود مجاهدین داشته و حل‌هایی

۱. دادگاه عالی. «مرکز تدوین»

که مخالف آرمان مردم و مخالف اراده خود ملت افغانستان است، بالای مجاهدین تطبیق نشود و از جمله موضوع «کمسیون» را پیشنهاد کردند. البته در این مورد به تفصیل گفتند و من فکر می‌کنم این تلاش ما و دیدوادیها و صحبت‌ها می‌تواند بسیاری از مسایل و مشکلات را از سر راه دور کند و راه حل را نزدیک‌تر بسازد.

خبرنگار: چه قسم اقدامی را از طرف جامعه اروپایی استقبال می‌کنید، تا راه‌حلی به مشکل افغانستان به‌وجود بیاید؟

استاد: ازین اقدامی که تا هنوز «گورباچف»^۱ جنگ را به افغانستان خاتمه نداده؛ ولی برای او جایزه نوبل و جایزه صلح را بدهند و از اینکه در افغانستان هنوز حتی مواد غذایی که در روسیه صورت می‌گیرد و اگر بسیاری از کشورهای اروپایی به افغانستان در قسمت ادامه جنگ استعمال شود، از این قطعاً استقبال نمی‌کنیم و ما امیدواریم که در دو جهت، یکی: در قسمت ادامه کمک‌ها به مهاجرین، کمک‌های خود را ادامه بدهند و حمایت سیاسی خود را به مجاهدین تا پیروزی کامل‌شان دوام بدهند و نه مثل سفارت فرانسه، سفارت خود را در افغانستان، درحالی باز کنند که از یک طرف هنوز جنگ ادامه دارد و از طرف دیگر هنوز جنایت یک عده عناصر خائنی که در افغانستان حاکم‌اند ادامه دارد؛ پس در چنین حالتی سفارت‌های خود را در آنجا دوباره باز نکنند و درعین حال کمک‌های‌شان به مهاجرین ادامه یابد و همچنان از انتظار مردم ماست که تمام کشورهای که به داعیه انسانی ارزش می‌دهند پشتیبانی و حمایت و کمک‌های انسانی خود را ادامه بدهند.^۲

۱. معرفی گورباچف در صفحه: ۲۴ گذشت. «مرکز تدوین»

۲. منبع گفت‌وگو: هفته‌نامه مجاهد، شماره مسلسل ۱۳۶- سه‌شنبه ۲۰ قوس ۱۳۶۹ هـ ش - ۲۴

جمادی‌الاولی ۱۴۱۱ هـ ق - ۱۱ دسامبر ۱۹۹۰ م. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوی بیست‌وششم
با
کمیسیون‌های رفع تشنجات، شورای هماهنگی امور
فرهنگی مجاهدین

تاریخ: ۱۳۶۹/۸/۱۸ هـ ش



عضو کمیسیون: انگیزه‌های عمده‌ای که تصمیم گرفته شد تا وحدت میان دو
تنظیم ایجاد شود چیست؟
استاد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ
الَّذِينَ اصْطَفَى؛ اما بعد:

شکی نیست که هماهنگی و همبستگی میان تنظیم‌های جهادی آرمان
فرد ملت افغانستان، به‌خصوص فرزندان نهضت اسلامی در کشور است و
طوری که می‌دانیم میان دو تنظیم حزب و جمعیت فاصله فکری وجود ندارد و
از لحاظ طرز دید راجع به قضایای سرنوشت‌ساز، در اوضاع کنونی و در آینده
افغانستان نظرات بسیار مشترک داشتند و دارند.

همبستگی در برابر قضایایی که فعلاً با آن روبرویم خیلی‌ها سرنوشت‌ساز
است و از فاصله‌هایی که در دوران سالیان گذشته ایجاد شده همه برادران رنج
می‌بردند و در جست‌وجوی فرصتی بودند تا این فاصله‌ها از بین برود و فضای
اخوت و صمیمیت، تعاون و همکاری به میان بیاید.

در اوضاع کنونی که ما در یک مرحله سرنوشت‌سازی قرار داریم و انقلاب
ما به آخرین مراحل پیروزی خود رسیده است و دشمن یگانه پناه‌گاه خود را
ایجاد اختلاف در میان سنگرهای مجاهدین جست‌وجو می‌کند.

به خاطری که در این مرحله حساس همه تلاش‌های دشمن به ناکامی
روبه‌رو شود و ملت ما مطمئناً وارد مرحله پیروزی گردد و آخرین جرثومه‌های

فساد و الحاد و کمونیزم را در افغانستان نابود سازد «حزب» و «جمعیت» بدون اینکه کدام عامل بیرونی به خاطر همبستگی دست به یک سلسله تلاش‌هایی بزنند؛ مثلی که در گذشته‌ها یک تعداد دوستان انقلاب اسلامی و افراد نهضت‌های اسلامی به خاطر توحید صفوف یا رفع اختلاف میان «حزب» و «جمعیت» تلاش‌هایی داشتند.

این بار بدون اینکه هیتی از گروه‌های اسلامی پا در میان بگذارد به اساس احساس مسئولیت، در برابر انقلاب اسلامی، خود به خاطر درک اوضاع زمانی انقلاب، هردو طرف آماده شدند که در این جهت گام‌های عملی بردارند و طوری که می‌بینیم تا حال فیصله‌ها و تصمیم‌هایی که گرفته شده در گذشته این تصمیم‌ها به‌هیچ‌قضایی که در تصورات جای داشت نه به‌شکل یک گام عملی برداشته شده بود؛ اما این بار احساس مسئولیت در برابر انقلاب اسلامی و درک اوضاع و احوال هردو طرف را وادار ساخت تا در مرحله کنونی دست به این فیصله بزنند که خوشبختانه تا کنون گام‌های بسیار پیشرفته و مؤثری در زمینه برداشته شده‌است.

عضو کمیسیون: عده‌ای به این نظرند که در نشست‌های کنونی عوامل بیرونی دخیل است، نظر شما در این مورد چیست؟

استاد: روشن است که در گذشته عملاً گروه‌ها و افراد مختلفی نشست‌هایی با ما داشتند، تقاضاهایی صورت می‌گرفت، حتی گاه‌گاهی هم یک سلسله فشارهایی به‌کار انداخته می‌شد؛ اما باز هم قدم‌هایی که در این راستا برداشته می‌شد، بسیار محدود بود و در ساحه بسیار مختصری، یک سلسله تصمیم‌هایی گرفته می‌شد؛ اما در این مرحله، ما می‌بینیم که گام‌هایی بسیار پیشرفته‌ای برداشته شده و در اوضاع کنونی هم هیچ چیز محسوسی که عامل عمده بیرونی بوده باشد تا هردو طرف را باهم بنشانند، وجود نداشته است که به این طور به یک روحیه خیرخواهانه، گام بردارند؛ جز جنبش‌های اسلامی و دوستانی که در اینجا حضور هم ندارند؛ ولی از لحاظ تربیه فکری و عقیدتی با ما شریک‌اند که این‌ها طرف دیگر هم حساب نمی‌شوند، به این دلسوزی و

علاقه‌مندی در این راستا سعی و تلاش بکنند؛

به این اساس، فعلاً طوری که می‌دانیم هیچ یک از دوستان نهضت اسلامی در اینجا حضور هم ندارند و اگر باشد آنان سری تماس نمی‌گرفتند، علنی باید گام بر می‌داشتند و به این اساس مسئله کاملاً روشن می‌شود که در این جهت جز انگیزه داخلی و جز تصمیم دو طرف کدام انگیزه و مطلب دیگری وجود نداشت؛ اما اگر در اطراف و یا کسانی که بعد از این تصمیم‌گیری‌ها کدام مطلبی را مِنْ باب خیرخواهی و علاقه‌مندی گفته باشند، آن موضوع کاملاً در حاشیه قضایا قرار دارد؛ اما در متن تصمیم‌گیری‌ها تنها فیصله دو طرف دخیل بوده و جز این چیز دیگری نبوده است.

عضو کمیسیون: به دلیل فروپاشی اتحادها و ائتلاف‌ها در طول دوران جهاد ملت تشویش دارد از اینکه برنامه وحدت شما عملی نباشد، چگونه می‌توان برداشت منفی آنان را زایل کرد؟

استاد: به عقیده من در گذشته یک سلسله اتحادها صورت گرفته بود و یک سلسله تلاش‌ها هم در بیرون وجود داشت و حتی در بعضی از مراحل، بعضی از دوستان می‌خواستند اعمال نفوذ و اعمال فشار بکنند و چه توسط فشارهای معنوی و چه با فشارهای مادی و چه بسا بر اساس قناعت‌های اطراف که در اتحاد سهیم بودند؛ لکن تصمیم‌گیری‌ها و فیصله‌هایی صورت نمی‌گرفت؛ بلکه نظر به یک سلسله درخواست‌های انفعالی و یا یک سلسله تصمیم‌های آنی و فوری، فیصله‌های عاطفی‌ای صورت می‌گرفت و فیصله‌های عاطفی، بسیار گذرا و کم‌دوام می‌بود؛ اما در اوضاع فعلی هیچ حرکت عاطفی وجود نداشت و در آغاز که ما قدم برداشتیم تقریباً صحبت‌های هردو طرف این بود که باید این مسئله (وحدت خواهی و رفع تشنجات و رفع مشکلات) در یک حوزه، در سطح بالا قرار نگیرد؛ بلکه این موضوع به قاعده جنبش و قاعده دوطرف نفوذ بکند؛

به همین اساس، پیشنهادهایی صورت گرفت که کمیسیون‌های فرهنگی و کمیسیون‌های نظامی به میان بیاید و قضایا عمیقاً بررسی گردد و روی مشکلات

انگشت گذاشته شود، راه‌حلی سنجیده شود تا برنامه‌ریزی شود و طرح‌های عملی در این راه به‌راه انداخته شود و همین مطلب بود که ما خواستیم این مسئله تنها در یک محدوده مختصر باقی نماند؛ بلکه دید و ادیدهایی در میان افراد مربوط به دو تنظیم به‌میان آید تا تمام مسایل را بحث بکنند، تحلیل بکنند، خودشان برای حل مشکلات گام بردارند و تنها یک فرمانی نبوده باشد که از بالا صادر شود؛ بلکه به اساس یک نوع بررسی میدانی بوده باشد که درباره قضایا و مشکلات به‌صورت عمیق و همه‌جانبه بحث صورت گیرد و برای حل آن، طرح‌های بسیار عمده‌ای را که عملی است، به‌میان بیاورند.

من فکر می‌کنم این ضمانتی است برای دوام و استمراریت تصمیم فعلی ما. این بار تنها با شعار دادن و تنها به یک اعلامیه مطبوعاتی نخواستیم که مسئله را منحصر بسازیم؛ بلکه این بار خواستیم که گام‌های عملی برداشته شود و تنها این مسئله را یک فیصله در سطح بالا نگذاشتیم؛ بلکه خواستیم حتی در سطح پایین هم قوماندانان سهم بگیرند قسمی که شما در جریان‌اید در این اواخر برادر احمدشاه مسعود به خاطری آمده بود تا با اشتراک در بعضی از نشست‌ها، این هدف پیاده شود. با آمدن و سهم‌گیری بعضی از برادرانی که در داخل نقش دارند، اهداف ما بیشتر تحقق پیدا کند؛

بناء این بیانگر این مطلب است که تصمیم فعلی ما با گذشته تفاوت دارد و ما امیدواریم که إن شاء الله دوامدار و مفید بوده باشد و فیصله‌هایی که در این ارتباط صورت گرفته، خود بیانگر این مسئله است که این بار نشست‌ها و تصمیم‌ها جدی است و هیچ عامل فشار بیرونی وجود ندارد؛ بلکه مسئولیت تاریخی ما را وادار ساخته که این بار اجازه ندهیم تصمیم‌ها به شکل انفعالی و عاطفی بوده باشد؛ بلکه بایست براساس واقعیت‌ها فیصله‌های گرفته شود و آن‌ها در عمل پیاده گردد.

عضو کمیسیون: برای اینکه ملت به وحدت شما مطمئن شود، ایجاب می‌کنند تا اقداماتی در زمینه صورت بگیرد، به نظر شما راه‌های عملی آن چیست؟

استاد: به عقیده من، فعلاً گام‌هایی که عملاً ما می‌خواهیم برداریم، باید عاجل پیاده شود تا مردم واقعیت‌های ملموس را ببینند و ما وقتی که می‌گوییم، باید تشنّجات رفع شود، باید کم از کم مناطق تجربوی و عملی داشته باشیم که مردم را در برابر یک نمونه قرار بدهیم که بعد از این فیصله در فلان منطقه تصمیم عملی صورت گرفته، اگر ما در یک جای تصمیم و اقدامی را عملی ساختیم، مردم مطمئن می‌شوند که این تصمیم تنها حرف نیست، تنها یک فشار بیرونی نیست، یا یک خواسته تنها رویایی نیست؛ بلکه یک گام کاملاً مؤثر و عملی است که این‌ها می‌بردارند؛

به این اساس، به این نظریه که بعضی از مسایل را به‌صورت عاجل پیاده کنیم، دست‌به‌کار شویم و به مردم نشان بدهیم که محصول تصمیم ما و محصول فیصله ما حل مشکل در فلان منطقه است. ضرور نیست که ما ببینیم در تمام افغانستان چه می‌شود کم از کم در چند منطقه منحیث مناطق تجربوی کار خود را آغاز کنیم ولو در سطح بسیار محدود هم بوده باشد تا منحیث یک نمونه و مثال به مردم پیشکش گردد.

عضو کمیسیون: اگر کسانی در صفوف شما وجود داشته باشند که در زمینه وحدت کامل، نظر مساعدی نداشته باشند، برخورد با آنان چگونه خواهد بود.

استاد: البته هر گروپ پالیسی‌های به‌خصوص دارد و در جمعیت طرز دید ما در قضایا اکثراً این بوده است که در برابر کسانی که انتقاد می‌کنند [به زور نمی‌ایستیم] و به اصطلاح ما کسانی را که عکس‌العمل‌هایی در برابر برنامه‌های جمعیت نشان می‌دهند تحت فشار قرار نمی‌دهیم؛ بلکه ما برای مردم مجال می‌دهیم که انتقاد بکنند، اعتراض بکنند. گاهی با استفاده از آزادی رأی، بسیار حرف‌های ناگفتنی را هم گفتند و باوجودی که در بعضی مراحل خسته‌کن تمام شده باشد؛ اما من فکر می‌کنم ما باید این را ادامه بدهیم. به نظر من به خاطری که مردم عقده‌مند نشوند، باید گذاشت حرف‌هایی را بگویند. در این مطلب شکی نیست، شاید در صفوف افرادی باشند که موافق نباشند و

انتقاد وجود داشته باشد.

همین که من در روزهای اول گفتیم در رفع تشنّجات کوشش کنید و این مسئله را به قاعده انتقال بدهیم، بعضی از افراد می‌گفتند: مشکلات زیادی به میان، آمده هنوز هم مثلاً برادران ما، افراد مربوط به ما، در این رابطه کشته شده، چرا این طور زود تصمیم گرفته می‌شود؟ من برای‌شان گفتم: برادر اگر فعلاً در اثر کشمکش‌ها برادران یا یکی از دوستان و اقارب‌تان در اینجا کشته شده، اگر این راه ادامه یابد فردا کسی دیگری کشته می‌شود و پس فردا کسی دیگری؛ پس بهتر است که به خاطر حفظ جان یک عده برادران دیگر باید جلو این وضعیت را بگیریم... من فکر می‌کنم این‌ها قانع می‌شوند؛ چنانکه من بعضی از کسانی را دیدم که قانع نبودند، باشنیدن این حرف‌ها قانع شدند.

من به این عقیده‌ام که همه افراد در برابر فیصله‌ها، تصمیم‌ها، قضایا و پدیده‌ها یک نوع فکر نمی‌کنند؛ بلکه نظرات مختلف می‌باشد.

در برابر این موضوع نه تنها بعضی جمعیتی‌ها؛ بلکه بسیاری از احزاب در برابر جمعیت موضوع گیری‌های خفیه و علنی و اعتراضاتی داشتند که آن‌ها البته از نظر خودشان مطالبی را ارایه می‌کردند که ما چرا در این مرحله این طور کار را می‌کنیم، این کار به نفع نیست؛ اما در برابر آنان استدلال می‌کردیم و در برابر کسانی که در مابین جمعیت بوده باشد.

به هر صورت استدلال صورت بگیرد من فکر می‌کنم موضوع وقتی که مورد تحلیل قرار بگیرد و فهمیده شود و به مردم مسایل گفته شود که: چه انگیزه و عوامل ما را وادار می‌سازد که این هماهنگی را داشته باشیم، مخالفت خود را ترک می‌گویند؛ اما یک چیز روشن است که در این وقت باید از کارهایی که مردم را بدظن و نامطمین می‌سازد- چه از لحاظ نوشته‌ها و چه از لحاظ موضع گیری‌ها و چه در جبهات- جلوگیری کنیم، اگر این سلسله کارهایی صورت می‌گیرد و ادامه پیدا می‌کند، ما بسیار بی اعتبار می‌شویم و به اصطلاح مصداقیت این فیصله ما مورد سؤال قرار می‌گیرد و مردم فکر می‌کنند که این هم مثل همان حرف‌های گذشته است؛ درحالی که ما یقین داریم که تصمیم

فعلی ما با گذشته‌ها تفاوت بزرگی دارد. ما دیدیم که میان بعضی از برادران و سازمان‌هایی که خلای عمیقی به وجود آمده بود، این خلا، برای همیشه از بین رفت و اگر گام‌های عملی‌تر برداریم، کسانی که مخالف بوده باشند هم، شاید در موضع‌گیری‌های خود تغییری بیاورند و مخالفتِ خویش را ترک کنند.

این را نیز علاوه باید کرد که از بعضی مردم تصور می‌کردند که دو کوه باهم می‌توانند، نزدیک شود؛ ولی «حزب» و «جمعیت» نمی‌تواند مشکلات خود را حل کند. فکر می‌کنم این تصور به کلی غلط است؛ زیرا حزب و جمعیت می‌توانند باهم مسایل خود را حل کنند و با قایم کردن بعضی از نمونه‌های عملی مشکلات‌شان را کاهش دهند.

پیشنهاد من این است که همان‌طوری که در استراتژی جدید نظامی - سیاسی، حمله بالای نقاط ضعیف دشمن در نظر گرفته شده، برای رفع اختلافات نیز لازم است تا کار را از نقاطی که مشکلات ما کم‌تر است، آغاز کنیم و در نتیجه آهسته‌آهسته اختلافات عمیق نیز - با بالا رفتن معنویات - می‌تواند حل گردد.

عضو کمیسیون: آیا آماده‌اید در برابر حوادث و مسایل سیاسی که به وقوع می‌پیوندد، پیش از اظهار نظر در آن مورد، موقف مشترک اتخاذ کنید؟
استاد: در مسایلی که به سرنوشت انقلاب ارتباط دارد تا حد ممکن باید کوشش شود که نظرات و موضع‌گیری‌های واحد بوده باشد؛ اما در مسایلی که بسیار زیاد مشکل ایجاد نمی‌کند؛ مثلاً درباره مسجد بابر، هر حزب می‌تواند اعلامیه‌های مستقلی داشته باشد. در قسمت تحولات اخیر پاکستان می‌تواند چیزهای علی‌حده داشته باشد.

اگر در ارتباط به اینکه چه نوع راه‌حلی را در قضیه افغانستان می‌توان قبول کرد، ما بتوانیم موضع‌گیری خود را هماهنگ بسازیم به این وسیله فکر می‌کنم راه را کوتاه‌تر می‌سازیم؛ لذا من به این عقیده‌ام که در مسایل مهم و عمده باید بکوشیم که نظر مشترک داشته باشیم.

عضو کمیسیون: اگر یکی از طرفین وحدت را نقض نکند، از نظر شما

چه مسئولیتی را به‌دوش خواهد داشت؟

استاد: من فکر می‌کنم مردم سخت مأیوس می‌شوند و فکر می‌کنند که این‌ها بازهم تکرار کارهای گذشته است. گمان نمی‌کنم هیچ‌کس آماده باشد، عمداً پیمان را نقض کند؛ اما ناگفته نگذاریم ممکن است بعضی از حوادثی که به‌میان بیاید و در این دوران تا رسیدن به حل اساسی مشکلاتی در بعضی از جاها بروز کند؛ پس ما باید کوشش بکنیم از بروز حوادث احتمالی تا حد امکان جلوگیری کنیم و اگر گاه‌گاهی با مشکلی برخوردیم، نباید فوراً در برابر آن عکس‌العمل نشان بدهیم و سعی شود در برابر حوادث اغماض صورت بگیرد.

تلاش بکنیم خدای ناخواسته پدیده‌های خطرناکی که برای مردم تکان‌دهنده است و مردم را به‌کلی نسبت به کارهای ما بدگمان می‌کند، پیش نیاید و از چنین حوادث جلوگیری شود و باید همه‌وقت مراقب اوضاع باشیم. **عضو کمیسیون:** از نظر شما امکان آن وجود دارد که روزی این دو تنظیم زیر نام و آرم واحدی قرار گیرند، اگر چنین امیدی وجود داشته باشد، مواعی که فعلاً بر سر راه قرار دارد، چیست؟

استاد: به‌صورت قطعی متیقنم که این چیز ناممکن نیست. کسانی که یک وقتی یکجا بودند، به مصداق آیه قرآن: «وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ...»^۱ یعنی اعاده نسبت به بدو آن آسان‌تر است؛ پس همین طور، گروهی که توانسته بودند، باهم یکجا باشند، دوباره برگشت‌شان به اصل، کار مشکلی نیست.

به این اساس، من فکر می‌کنم زیاد مشکلات ندارد؛ اما در هر کار باید آدم شتاب‌زده نباشد. به همین اساس ما وقتی می‌گوییم این مسئله به قاعده‌های

۱. روم / ۲۷. «وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (و اوست آن کس که آفرینش را آغاز می‌کند و باز آن را تجدید می‌کند و این [کار] بر او آسان‌تر است و در آسمان‌ها و زمین نمونه والای [هر صفت برتر] از آن اوست و اوست شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار). «مرکز تدوین»

وسیع سرایت کند و منحیث یک ذهنیت جماهیری شود و مردم باید در سطح وسیع در آن سهم داشته باشند، هدف ما این است که موانع و مشکلات به کلی از بین برود. البته در این قسمت به وقت و زمان نیاز داریم تا یک سلسله موانع و مشکلاتی که در سر راه هست، برداشته شود تا به این مرحله برسیم.

عضو کمیسیون: استاد محترم از فرموده‌های تان این طور برداشت می‌شود که منظور تان از همین نشست و برخاست‌ها و فعالیت‌های اخیر برای رفع تشنجات این است که زمینه وحدت کلی مهیا شود؟

استاد: چرا نه، ما باید برای وحدت کلی جنبش اسلامی در افغانستان، قدم‌هایی برداریم، باید نهضت اسلامی یکپارچه شود، ما حتی اگر تا آن مرحله هم اگر نمی‌رسیم مصداق این گفته شاعر:

«خیمه‌های ما جدا دل‌ها یک است»^۱ که بوده باشیم.

طوری که من فکر می‌کنم راه ما به کلی درست است. به این اساس، کوشش کنیم راه و روشی را انتخاب کنیم که نفرت‌ها و کدورت‌ها به سردی بگراید و راه برای وحدت و یکپارچگی در مشی عملی هموار گردد، آن چنان که آرزوی همه ملت و همه افراد نهضت است، نهضت اسلامی در افغانستان یکی شود.

عضو کمیسیون: بعد از توثیق وحدت، برای سقوط رژیم مزدور چه طرحی در نظر دارید؟

استاد: تا اینکه تمام برنامه‌های ما که به وقت و زمان نیاز دارد و تا اینکه تشنجات را رفع کنیم و در قسمت وحدت تنظیم‌ها گام‌های عملی پیشرفته‌تری برداریم، ما آماده‌ایم تا رسیدن به آن مرحله، گام‌هایی برای سقوط رژیم برداریم که به آن مجال بیشتر پاییدن نماند؛ زیرا من به این عقیده‌ام که رژیم هر اندازه بیشتر باقی بماند مشکلات، را در مسیر راه بیشتر ایجاد می‌کند و مردم به مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود. نظر من این است که برنامه‌های هماهنگی نظامی برای سقوط رژیم به صورت جدی و عاجل روی دست گرفته شود و فعلاً

۱. اهل حق را حجت و دعوی یک است/خیمه‌های ما جدا دل‌ها یک است، گنجور اقبال لاهوری، جاودنامه. «مرکز تدوین»

که برادران یک سلسله پروگرام‌هایی در این ارتباط دارند، باید پیاده شود. متیقنم که رژیم باوجود سروصداها و هیاهوهایی که به راه انداخته شده، بازهم بسیار بیمار و پوسیده است. یکی از نمونه‌های آن کشته شدن یکی از قوماندانان ملیشه‌های هرات می‌باشد که به‌مجرد کشته شدن او، بیشتر مراکز رژیم سقوط کرد و اختلافات ذات‌البینی آنان بیشتر و عمیق‌تر گردید.

به‌هرحال، در این دوران به کارهای نظامی توجه بیشتر کنیم و در پهلوی کارهای نظامی، باید در جهت کارهای هماهنگی و فعالیت‌های سیاسی‌ای که مورد اتفاق همه و اکثریت قریب باشد، تلاش صورت بگیرد تا بتوانیم دشمن را در تنگنایی قرار دهیم که احساس بکند دیگر هیچ امیدی برای دوامش نیست. در گذشته فکر می‌شد که اختلافات این‌ها یکی از عواملی است که می‌تواند عمر ناروای رژیم مزدور را دوام بدهد، فعلاً از این چیزها مأیوس شده و سخت دست و پاچه و وارخطاست.

ضمناً، آنان تصور می‌کردند که شاید رکود نظامی ادامه پیدا کند؛ اما تصمیم قاطع مجاهدین و تنظیم‌های جهادی، این رکود را درهم خواهد شکست و همچنان رکود سیاسی که ما به آن روبرویم او نیز باید از بین برود و من فکر می‌کنم با فعالیت‌های توحیدی در ابعاد سیاسی و نظامی، مجاهدین می‌توانند همه دروازه‌های امید را به روی دشمنان بسته کنند و هرچه زودتر رژیم را سقوط بدهند.^۱

۱. منبع گفت‌وگو: هفته‌نامه مجاهد، شماره مسلسل ۱۳۵، دوشنبه ۵ قوس ۱۳۶۹ هـ ش - ۹ جمادی‌الأول ۱۴۱۱ هـ ق - ۲۶ نوامبر ۱۹۹۰ م. «مرکز تدوین»

گفت و گوی بیست و هفتم
با
اعضای انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت
اسلامی افغانستان

تاریخ: چهارشنبه ۲۴ اسد ۱۳۶۹ هـ ش



عضو انجمن: آرزو مندیم درباره نتایج سفرتان به قاهره، مطالبی را ارایه فرماید!
استاد: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ^۱ * چنانکه در جریان قرار دارید، هیئتی به نمایندگی از حکومت موقت مجاهدین، نسبت اشتراک در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی که در قاهره^۲ دایر شده بود، اشتراک ورزید و البته اشتراک امسال هیئت مجاهدین از دو لحاظ اهمیت داشت:

۱- نخستین بار بود که هیئت مجاهدین به عنوان عضو رسمی در کنفرانس وزرای خارجه شرکت کردند؛

۲- از لحاظ اینکه بعد از سال ۱۹۸۹م در هجدهمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای اسلامی، بعد از خروج قوای روس، در کنفرانس ریاض که کرسی افغانستان به حالت تعلیق قرار داشت، به مجاهدین سپرده شد و در آن یک سلسله شرایط و تقاضاهایی وضع گردید.

به این معنی: مجاهدین در جریان یک سال حکومت با قاعده و وسیع را تشکیل بدهند که مورد حمایت همه تنظیم‌ها بوده باشد و ابتکارات بسیار عمده و اساسی به میان بیاید. البته چون دوران حکومت از یک سال هم اضافه شده و

۱. به نام خداوند بسی بخشنده و مهربان. «مرکز تدوین»

۲. شهر قاهره پایتخت کشور مصر است. قاهره، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر در جهان عرب، خاورمیانه و آفریقا و ششمین شهر پرجمعیت جهان است. این شهر در بخش شمال شرقی مصر در نزدیکی دلتای نیل جای دارد، رود نیل از میانش می‌گذرد و دریای مدیترانه در ۱۶۵ کیلومتری شمال آن قرار دارد. مساحت آن ۳۶۹،۸۶ کیلومتر مربع بوده و نفوس آن در سال ۲۰۰۷م ۱۱۸۹۳۰۰۰ نفر می‌رسید نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۰. «مرکز تدوین»

در این دوران بعضی از احزاب علناً مخالفت خود را با حکومت اعلان کردند و یک حکومتی که دارای قاعده وسیع بوده باشد، این هم تحقق نپذیرفت؛ به این اساس پیش‌بینی می‌شد عکس‌العمل‌هایی با حضور هیئت مجاهدین صورت بگیرد و تصور می‌شد پیشنهادهای به میان آید که هیئت مجاهدین به تنهایی خود نمی‌تواند در کنفرانس اشتراک بکنند؛ بلکه باید نمایندگان رژیم دست‌نشانده روسی نیز باید در این کنفرانس شرکت داشته باشند.

به این اساس این مسئله دارای این چنین یک اهمیتی بود که باید یک سلسله عکس‌العمل‌های جدی به میان آید تا چنین تقاضاها و پیشنهادهای هیچ راهی برای مطرح ساختن نداشته باشند و یک تعداد کشورهای که می‌خواستند چنین پیشنهادهایی را بکنند، مجال برای‌شان پیدا نشد. هیئت مجاهدین در کنفرانس، فعالانه سهم گرفت و با هیئت‌های مختلف دیدو و دیدهای به عمل آورد و ضمن بیانیه‌ای که ترتیب شده بود، در ارتباط با حمایت از حکومت مجاهدین و پشتیبانی از جهاد و مبارزه برحق ملت مسلمان افغانستان، محکوم ساختن ادامهٔ مداخلهٔ روس‌ها در کشور و در مورد این که رژیم فعلی کابل غیرقانونی است، باید در این مورد تأکید و تأیید صورت بگیرد و در قسمت بازسازی افغانستان، کشورهای اسلامی با همکاری و هماهنگی بانک انکشاف اسلامی^۱ سهم اساسی و بنیادی بگیرند و همچنان در مورد افشا ساختن جنایات

۱. بانک توسعهٔ اسلامی با مخفف (ISDB به انگلیسی: Islamic Development Bank) یکی از مؤسسات بزرگ مالی توسعهٔ بین‌المللی و از نهادهای تخصصی سازمان کنفرانس اسلامی است که با هدف پیشبرد توسعهٔ اقتصادی و پیشرفت اجتماعی کشورهای عضو و جوامع مسلمان کشورهای غیر عضو، در سراسر جهان براساس اصول شریعت اسلامی در تاریخ ۲۰ اکتوبر ۱۹۷۵م از سوی ۲۲ کشور اسلامی و با سرمایهٔ نخست ۷۵۵ میلیون دینار اسلامی در جده عربستان تأسیس شد. هم‌اکنون اعضای بانک توسعهٔ اسلامی، در برگیرندهٔ ۵۶ کشور از چهار قارهٔ آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا می‌باشد و سرمایهٔ پذیره‌نویسی شده این بانک در حال حاضر نیز بالغ بر چهار میلیارد دینار اسلامی است. بانک توسعهٔ اسلامی دارای یک ستاد (دفتر مرکزی) در شهر جده و سه دفتر منطقه‌ای در آلماتی (قزاقستان)، کوالالامپور (مالزی) و رباط (مراکش) می‌باشد؛ همچنین به منظور پیگیری اجرای پروژه‌های مصوب در هریک از کشورهای ایران، اندونزی، قزاقستان، لیبی، پاکستان، سنگال و سودان، نمایندگان محلی منطقه‌ای دارد. نگاه: مهدی، محمود احمد، (۱۳۷۸). نقش بانک توسعهٔ اسلامی در بهره‌وری موقوفات، (مقاله) وقف: میراث جاویدان، سال ۷، شمارهٔ سوم. «مرکز تدوین»

روس‌ها در دوران وجودشان در افغانستان و بعد از آن، صحبت‌های مفصلی صورت گرفت؛ اما بعد از آن که حادثهٔ خلیج، یعنی حملهٔ عراق^۱ بالای کویت صورت گرفت، تعدادی از هیئت‌ها و نماینده‌ها در مورد موضع‌گیری کردند و مجاهدین هم فعالانه سهم گرفتند و مطالبه شد که کنفرانس کشورهای اسلامی در چنین اوضاع حساس و سرنوشت‌سازی بی‌تفاوت و بی‌طرف نماند و تصمیم عاجل و فوری بگیرد و ضمناً پیشنهادی که از طرف وزیر خارجهٔ کویت تقدیم شده بود، مورد تأیید قرار گرفت، اگرچه مخالفینی هم وجود داشت.

از لحاظ مطبوعات هم مصاحبه‌هایی صورت گرفت و در پهلوی کنفرانس وزراء، کنفرانس‌های جانبی نیز دایر شد، از جملهٔ آن گردهمایی نقابة الأطباء^۲ مصر بود که هیئت مجاهدین در آن اشتراک ورزید و همچنان از طرف جمعیت دوستی افغانستان مصر دعوتی صورت گرفت، در آنجا از طرف هیئت مجاهدین در مورد قضایا به تفصیل صحبت به عمل آمد. ضمناً تعدادی از نویسندگان و شخصیت‌های مهمی از جراید مشهور مصر؛ چون «الأهرام» «أخبار اليوم» «الجمهورية» در برگزاری این دیدو و دیدها سهم بسیار فعالانه‌ای گرفتند.

به‌هرحال، کنفرانس، هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ تبلیغاتی برای موضوع افغانستان از اهمیت خاصی برخوردار بود.

عضو انجمن: نظر نمایندگان کشورهای اسلامی - نسبت به سال‌های قبل - در رابطه با قضیهٔ افغانستان چگونه بود؟

استاد: اگرچه یک نوع سردی و بی‌علاقگی در ارتباط قضیهٔ افغانستان وجود داشت؛ زیرا بسیاری از کشورها تصور می‌کردند که با خروج قوای

۱. عراق: کشوری است که در خاورمیانه و جنوب‌غربی قارهٔ آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۳۱۴۶۷۰۰۰ نفر تخمین شده است. واحد پول آن «دینار عراق»، زبان رسمی آن عربی و کُردی و پایتخت آن شهر بغداد است و دین رسمی آن اسلام می‌باشد، قابل ذکر است که در رود مشهور «دجله و فرات» در این کشور قرار دارند. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۵. «مرکز تدوین»

۲. اتحادیهٔ دکتوران. «مرکز تدوین»

روس، از افغانستان، مسئله، پایان یافته و جنگی که در افغانستان هست، تنها جنگ داخلی است و ضمناً عدم ابتکارات سریع حکومت موقت مجاهدین و یک سلسله کشمکش‌های داخل تنظیم‌ها، به بیرون انعکاس داده شده بود و این مسایل آنان را به قضیه افغانستان کاملاً بی‌علاقه ساخته بود؛ لذا تصور می‌کردند که مشکل افغانستان، مشکل داخلی است و باید به شکل «آشتی ملی» این مسئله حل شود؛

به همین اساس، ما خواستیم که بر دو مسئله تأکید بکنیم و آن اینکه: تجاوز در افغانستان تا هنوز ادامه دارد، تنها تاکتیک روس‌ها تغییر خورده و تحولات اخیر که در روسیه به وقوع پیوسته آثارش در افغانستان مشاهده نمی‌شود، جنگ در افغانستان، جنگ داخلی و یا ملی نیست که «آشتی ملی» صورت بگیرد و گفتیم: جنگ میان دو گروه است که یکی نمایندگی از ملت مسلمان افغانستان می‌کند که ایشان می‌خواستند تجاوز خارجی را پایان بخشند و دیگری تعداد از مزدوران دست‌نشانده‌اند که هنوز هم به‌صورت بسیار غم‌انگیز به قتل و کشتار ادامه می‌دهند؛ لذا آنان نمی‌توانند از مردم نمایندگی کنند.

به این اساس، خیلی کار می‌خواست تا نظرها در این قسمت تغییر بخورد و به همین سبب دیدارهایی صورت گرفت؛ اما باز هم کار زیادی می‌خواهد تا کشورهای اسلامی، دنیا و مطبوعات دنیا، در این مورد دلچسپی و علاقه‌مندی نشان بدهند و قانع شوند که هنوز تجاوز در افغانستان ادامه دارد و مجاهدین افغانستان باید مورد حمایت قرار بگیرند، اگرچه اوضاع اخیر که در خلیج به میان آمد بسیاری از قضایای بین‌المللی، از جمله، مسئله افغانستان را زیر سایه قرارداد؛ با این هم، ما به کار بیشتر ضرورت داریم تا در اوضاع بسیار بحرانی و هیجانی فعلی هم قضیه خود را زنده نگهداشته باشیم.

عضو انجمن: آیا در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی موضوع به رسمیت شناخته شدن حکومت موقت هم مطرح شد یا خیر؟

استاد: البته این موضوع از طرف هیئت مجاهدین مطرح شد؛ اما طوری که گفتیم، این امر به یک سلسله فعالیت‌ها و کار بیشتر و ابتکار در حکومت

موقت نیاز دارد تا مردم احساس بکنند که حکومت مجاهدین توانسته است، هم از لحاظ نظامی و هم، از لحاظ سیاسی، خود را در داخل افغانستان کاملاً حاکم ساخته است.

عضو انجمن: در کنفرانس وزرای خارجه، حکومت موقت مجاهدین چگونه گزارش یافت؟

استاد: در این کنفرانس سه مطلب در رأس قطعنامه هیئت مجاهدین قرار داشت:

۱- مطرح ساختن مبارزه برحق ملت مسلمان در برابر تجاوز و آزادی کشور بود که از طرف وزرای خارجه کشورهای اسلامی مورد تقدیر و تمجید قرار گرفت؛
۲- تأکید شد که نقش مجاهدین در وسعت دادن حکومت باقاعده وسیع، فوق‌العاده مؤثر و اساسی است که این نیز مورد تأیید قرار گرفت که باید ابتکار عمل از طرف مجاهدین صورت بگیرد؛

۳- در ارتباط بازسازی افغانستان، باید به بانک انکشافی بار دیگر توصیه کرد تا پروگرامی درباره بازسازی افغانستان روی دست بگیرد مطالعاتی انجام دهد، تا برنامه عملی در این باره تقدیم شود و ضمن صحبتی که قبل از سفر با بانک اسلامی داشتیم، آن‌ها گروهی را موظف ساختند تا همراه با آن مؤسسات حکومت مجاهدین که در ارتباط با بازسازی کار می‌کنند، پروگرام‌های خود را عملی سازند؛

عضو انجمن: با ایجاد تحول در خلیج، دورنمای قضیه افغانستان را چگونه ارزیابی می‌فرمایید؟

استاد: تجاوز اخیر عراق بالای کویت و اشغال کامل آن کشور توسط نیروهای نظامی عراق، تجاوز صریح و نادرستی بود که توسط مجاهدین محکوم شد. این تجاوز نه تنها بالای قضیه افغانستان تأثیر داشت؛ بلکه بالای همه قضایایی که در جهان اسلام وجود داشت تأثیرات بسیار منفی به جا گذاشت. البته در مورد افغانستان تأثیرات منفی آن خیلی‌ها سنگین است. به علت اینکه کشورهای خلیج به صورت کل و مخصوصاً بعضی از آن‌ها، از جمله سعودی،

از آغاز جهاد بسیار فوق‌العاده در حمایت از مجاهدین و همکاری با مهاجرین نقش فعالانه داشتند، با حمله‌ای که فعلاً به کویت صورت گرفته، آن کشورها به خاطر حل مشکلاتی که فعلاً امنیت‌شان را تهدید می‌کند، مشغول خواهند شد؛ چون مسئله افغانستان به نظرشان هم در سطح بین‌المللی و هم به سطح ملی از جمله مسایل مهم جلوه نمی‌کند. خلاصه، آنان مصروف خود می‌شوند و درباره مسئله افغانستان توجه‌شان کم‌تر معطوف می‌گردد؛

به این اساس، به نظر ما این حمله ضربه بسیار سنگین بالای بسیاری از قضایا از جمله قضیه افغانستان داشت.

عضو انجمن: در رابطه با قضیه افغانستان، خصوصاً بعد از آنکه بحرانی در حوزه خلیج پدیدار آمد، با کشورهای عربی صحبتی به عمل آمد یا خیر و نتایج صحبت‌ها از چه قرار بود؟

استاد: البته کشورهای عربی، بعد از این حادثه، بیشتر مصروف خود شدند و اکثر آن‌ها در تالار کنفرانس کم‌تر دیده می‌شدند؛ ولی باز هم صحبت‌های مختصری با آنان داشتیم و این را نگفته نباید گذاشت که آنان در این اوضاع بیشتر حال هیجانی و بهت‌زده‌ای داشتند که کم‌تر می‌توانستند، روی مسایل دیگر فکر کنند و البته اوضاع هم ایجاب نمی‌کرد، با وجودی که با بحران سنگینی دست و گریبان بودند، به مسایل دیگری آنان را متوجه بسازیم؛ اما با این همه دید و وادیدهایی صورت گرفت و باز هم این را تأکید می‌کنیم که آن‌ها باز هم علاقه‌مندی نسبت به قضیه ما داشته و متصل حادثه وقتی که در کنفرانس موضوع افغانستان مطرح می‌شد، تعدادی از هیئت‌ها، مجدداً از جهاد افغانستان دفاع کردند.

همچنان با عربستان، سودان، سیرالئون^۱ و تعدادی از کشورهای دیگر که

۱. سیرالئون (Sierra Leone): کشوری در غرب افریقا است که نام رسمی آن جمهوری سیرالئون بوده و پایتخت و بزرگ‌ترین شهر آن فری‌تاون است. مساحت آن ۷۱۷۴۰ کیلومتر مربع بوده و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م به ۵۸۳۶۰۰۰ نفر می‌رسید. زبان رسمی آن انگلیسی بوده و واحد پولی آن لئون نام دارد. مردم سیرالئون از حدود شانزده گروه قومی تشکیل شده‌اند که هرکدام زبان و آداب خود را دارند. بین ۶۹ تا ۷۰ درصد از مردم آن مسلمان و ۲۰ تا ۳۰ درصد مسیحی هستند. نام

در بخش تعلیم و تربیه که موضوع مهمی بود، صحبت به عمل آمد و پیشنهاد شد که ما در جریان جهاد از لحاظ تعلیم و تربیه به مشکلاتی روبه‌رو بودیم و البته دشمن نه‌تنها در صحنه نظامی با ما می‌جنگید؛ بلکه تعمیم جهل را هم رهبری می‌کرد؛ به این‌اساس جوانان و اطفال از علم و دانش بی‌بهره و محروم شدند و ضمناً جوانانی که در دوران رژیم‌های الحادی درس خواندند، نه‌تنها به درد ملت نمی‌خورند؛ بلکه از طرف کمونیزم در اذهان آن‌ها چیزهایی تزریق شده و ما نیاز داریم که اذهان آنان را دوباره پاک‌سازی و شست‌وشو کنیم؛ بدین ملحوظ ما نیاز به همکاری وسیع در بخش تعلیم و تربیه داریم.

این مطلب نیز مورد دلچسپی خاصی قرار گرفت و تعدادی از وزرای خارجه صریحاً این مسئله را عنوان قراردادده گفتند: به مجاهدین باید کمک‌های زیادی صورت بگیرد، از جمله سه کشور عربستان، سودان و سیرالیون نقش مهمی داشتند و این درحالی بود که مشکل خلیج فارس به میان آمده بود.

عضو انجمن: آیا قبل از وقوع حادثه در خلیج، جناب شما در ارتباط با تأسیس نمایندگی‌های حکومت موقت در کشورهای اسلامی گفت‌وگو به‌عمل آوردید یا خیر؟ نظر آنان در این مورد چه بود؟

استاد: البته صحبت‌هایی صورت گرفته بود و بعضی از آن‌ها علاقه و دلچسپی خاصی هم در زمینه گرفتند، از جمله امارات متحده عربی و برخی از کشورهای دیگر که آنان می‌گفتند: مجاهدین باید نمایندگی‌های مرکزی‌شان را تأسیس کنند و ما تصمیم داشتیم تا در این مورد به‌صورت گسترده‌تر با کشورهای دیگر ببینیم و مطرح کنیم؛ ولی فضای کنفرانس بعد از حادثه خلیج کاملاً عوض شد؛ لذا کم‌تر مجال بود تا به وزرای خارجه همچون مسایل مطرح شود؛ زیرا اکثر کشورها، چه کشورهای عربی و حتی بعضی از کشورهای دیگر بعد از وقوع حادثه به مذاکرات جانبی و مسایل خلیج زیادتر متوجه شدند و کم‌تر مجال پیدا شد روی پروگرام‌های دیگر بحث صورت بگیرد.

عضو انجمن: نظر کشورهایی که احساس می‌شود، تمایلاتی به طرف کمونیسم و روسیه دارند، در قضیه افغانستان مثل گذشته بود و یا اینکه تغییراتی در آن‌ها مشاهده می‌شد؟

استاد: ما با نمایندگان لیبی^۱ و فلسطین صحبت کردیم و آنان علاقه‌مندی خاص خود را نسبت به قضیه ما و تغییر سیاست‌شان را نسبت به روسیه ابراز کردند، در همین کنفرانس یکی از نمایندگان لیبی که آشکارا دعوت به آشتی ملی می‌کرد، نماینده دیگر لیبی (رئیس دعوت اسلامی داکتر شریف) به تعقیب او صحبت کرد و حمایت قاطع خود را از مجاهدین ابراز داشت و گفت: باید از مجاهدین تقدیر و تمجید صورت بگیرد.

این ابراز نظر، خود یک نوع تغییری را در سیاست آنان نشان می‌دهد و نماینده فلسطین هم اگرچه در وقت فیصله، موقف قبلی خود را که رأیش ممتنع بود، داشت؛ اما در دورانی که در کمیته سیاسی نمایندگان‌شان درباره افغانستان صحبت می‌کردند، قرارداد را تأیید کرده بودند و من به این عقیده‌ام، اگر یک سلسله تلاش‌هایی صورت بگیرد، شاید موضع بسیار کشورها به ارتباط افغانستان تغییر بخورد.

عضو انجمن: آیا گمان نمی‌رود که حضور نیروهای نظامی در سعودی خطراتی را در خاور میانه پدید آورد؟

استاد: نیروهایی که فعلاً در خلیج آمده‌اند، یقیناً مشکلاتی را در طول‌المدت بار می‌آورد و ما امیدواریم که هرچه زودتر مشکل خلیج توسط خود کشورهای اسلامی و عربی حل شود و نیروهای خارجی مجال زیاد پیدا نکنند که فاصله و زمان طولانی‌تری در این منطقه باقی بمانند و بایست زعامت سیاسی عراق از سنجش و دوراندیشی کار بگیرد تا ادامه تجاوز عراق در کویت

۱. لیبی: کشوری در افریقای شمالی واقع در جنوب دریای مدیترانه است. نام رسمی آن شورای ملی انتقالی لیبی بوده و پایتخت آن شهر طرابلس می‌باشد. مساحت مجموعی آن ۱۷۵۷۰۰۰ و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م به ۶۵۴۶۰۰۰ نفر می‌رسید. زبان رسمی لیبی، عربی و واحد پول آن، دینار لیبی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۹. «مرکز تدوین»

باعث آن نشود که زمینه را برای مداخله بیشتر نیروهای خارجی مساعد بسازد. ما انتظار داشتیم کشورهای اسلامی در اجلاس اخیری که در قاهره داشتند، به یک فیصله‌ای برسند و اگر به فیصله‌ای هم برسند، باید کشورهای اسلامی از طریق کنفرانس اسلامی و سران کشورهای اسلامی باید جلسات فوق‌العاده و اضطراری را دایر بکنند و این ابتکار عمل را بعضی از کشورهای غیرعربی به دست بگیرند، مخصوصاً کشور اسلامی پاکستان، جمهوری اسلامی ایران و بنگلادیش^۱ و خود کشور سینگال^۲ که در آینده به حیث مهماندار سران کشورهای اسلامی است. باید هرچه زودتر حالتی به میان آید تا بعضی از کشورهای اسلامی و کشورهای عربی مجبور شوند که اجازه ماندن قوای خارجی را بدهند بازهم ما امیدوار هستیم که این ابتکار توسط کشورهایی که نام بردیم زودتر روی دست گرفته شود، تا این بحران هرچه زودتر حل شود.

عضو انجمن: بعضی از متخصصین نظامی نظر می‌دهند که احتمال دارد که در آینده خلیج به حیث کانون خطرات بزرگ و جنگ سوّم در خواهد آمد، شما به این نظر موافق‌اید؟

استاد: البته در این شکی نیست که حوادث اخیر در خلیج به حیث یک آژیر خطر به حساب می‌رود و احتمالاً جنگ‌هایی بر سطح جهانی نه؛ اما به سطح منطقه‌ای به وقوع پیوندد. فعلاً من فکر نمی‌کنم که جنگ سوّم جهانی از اینجا نشأت بکند؛ زیرا احساس می‌شود که کشورهای مختلفی، گرایش‌شان به طرف صلح و آشتی بیشتر است؛ اگرچه اطمینان هم در این قسمت نیست تا

۱. بنگلادیش: کشوری است که در جنوب قاره آسیا موقعیت دارد، مساحت آن ۱۴۷۵۷۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۱۵۸۰۶۶۰۰۰ نفر تخمین شده است، دین رسمی آن اسلام، زبان رسمی بنگالی، واحد پول آن تاکا و پایتخت آن شهر داکا می‌باشد. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۰. «مرکز تدوین»

۲. سینگال: با نام رسمی جمهوری سینگال، کشوری است در غرب افریقا. پایتخت آن شهر داکار است. مساحت آن ۱۹۶۷۲۲ کیلومتر مربع بوده و نفوس آن در سال ۲۰۱۰م به ۹۳۸۱۰۰۰ هزار نفر می‌رسید. نوع حکومت آن جمهوری چند حزبی با یک مجلس قانون‌گذاری بوده، زبان رسمی آن فرانسوی می‌باشد. ۹۴ درصد نفوس سینگال را مسلمانان ۴ درصد آن را مسیحی و ۲ درصد آن را بقیه ادیان تشکیل می‌دهد. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۴. «مرکز تدوین»

چه اندازه در گرایش به صلح و آشتی خود باقی می‌مانند، با این‌هم اگر جنگ در سطح گسترده، در سطح منطقه، مخصوصاً که پای اسرائیل^۱ کشانده شود، مسئله، خطرناک می‌شود و ممکن است در آن وقت آتش یک جنگ وسیع‌تر برافروخته شود؛

به این اساس، ما امیدواریم تنها در خانواده جهان اسلامی، مخصوصاً کشورهای عربی این مشکل حل شود و بیش از این وسعت پیدا نکند.

عضو انجمن: تحولاتی که اخیراً در پاکستان به وقوع پیوست، به نظر جناب شما آیا تأثیراتی در رابطه به قضیه افغانستان نیز رونما خواهد شد یا خیر؟

استاد: به عقیده من این مسئله، مسئله داخلی پاکستان است. نظر به مصالح داخلی‌شان، رئیس‌جمهور پاکستان مطابق قانون اساسی‌ای که در پاکستان هست، این تصمیم را به مصلحت ملت خود تشخیص داده و فیصله‌ای را اتخاذ کرده است، ما به این عقیده‌ایم که علاقه‌مندی ملت و حکومت پاکستان به مسئله افغانستان موضوعی است که به مصالح کل پاکستان ارتباط دارد و یک سیاست کلی و تقریباً استراتژی ثابت حکومت پاکستان است؛ پس در هر حال و هر نوع تغییر سیاسی‌ای که به‌میان می‌آید، حمایت و پشتیبانی از قضیه افغانستان از ثوابت سیاسی حکومت پاکستان و خواست‌های ملت پاکستان می‌باشد. ما فکر می‌کنیم تغییر در حکومت پاکستان کدام تغییری را در ارتباط با سیاست مربوط افغانستان بار نمی‌آورد و شاید به همان شکلی که حمایت‌ها ادامه داشت و در گذشته بود، ادامه پیدا کند و ما امیدواریم که ملت پاکستان با تغییراتی که آمده باز هم وحدت ملی‌شان را حفظ بکنند. ما آرزو داریم در اوضاع حساس و بحران فعلی بار دیگر زعامت‌های سیاسی پاکستان

۱. اسرائیل: به آن بخشی از خاک اشغال‌شده سرزمین فلسطین گفته می‌شود که توسط رژیم غاصب صهیونیستی در سال ۱۹۴۸م، اشغال شد که در آن حدود ۸۰۵۱۰۰۰ نفر زندگی می‌کند و مساحت آن ۲۰۷۰۰ کیلومتر مربع است و زبان رسمی آن عبری و عربی است. نگاه: زید آبادی، احمد، (۱۳۴۴). دین و دولت در اسرائیل، تهران، نشر روزگار. «مرکز تدوین»

که با دوراندیشی در قضایای جدید فکر می‌کنند، دوباره راجع به آینده خود تصمیم‌های مثبتی اتخاذ کنند و در ارتباط با مسئله افغانستان مثل گذشته به سیاست خود ادامه خواهند داد.

عضو انجمن: در این اواخر یمن شمالی و جنوبی باهم اتحاد کرده و یمن متحد را تشکیل داده‌اند، چون در یمن جنوبی مارکسیستان^۱ حاکم بودند، از نظر شما آیا آنان در این اتحاد خود صادق‌اند؟ و موقف یمن متحد در برابر قضیه افغانستان چگونه است؟

استاد: به احزاب مارکسیستی و کمونیستی به هیچ‌عنوان نمی‌توان اطمینان کرد. اگرچه داستان کمونیزم بعد از شکست نظامی روس‌ها در افغانستان تقریباً رو به پایان بوده و احزاب کمونیستی، دیگر جای پای در میان ملت‌ها نداشته و ندارند من فکر می‌کنم اتحاد یمن پیش از اینکه به نفع ملت یمن تمام شده باشد، شاید کوشیده باشند که کمونیستان از آن بیشتر بهره‌برداری کنند.

ما اگرچه خواهان وحدت ملت‌های عربی‌ایم و امیدواریم که وحدت یمن نباید باعث شود که در اینجا نیروهای نیم‌جان کمونیستی در منطقه دوباره در شکل دیگری جان بگیرد. این به ملت یمن مربوط است و به مسلمانان یمن ارتباط دارد که آنان وحدت دویمن را باید به نفع ملت مسلمان و به نفع اسلام رهبری کنند و اجازه ندهند که اندیشه‌های وارداتی مخصوصاً مارکسیستان

۱. مارکسیست‌ها: پیروان مکتب مارکسیزم، مارکسیزم مکتب سیاسی و اجتماعی است که تحت تأثیر اندیشه‌های «کارل مارکس»، فیلسوف آلمانی در اواخر قرن نوزدهم پیدا شد. به معنای وسیع کلمه؛ مارکسیسم یک مکتب فلسفی سیاسی و اشتراکی است که شاگردان روسی مارکس «پلخانف و لنین» اند. علامه شهید سید قطب G در اوج این اندیشه، در مورد آن چنین گفته بود: «مارکسیسم که در آغاز ظهورش شمار زیادی را در شرق - و حتی در غرب - به‌خاطر تلقی کردن آن به‌عنوان یک سیستم ایدئولوژیک به خود جذب کرد. از ناحیه طرز فکر، عقب‌نشینی بسیار واضحی داشته‌است و تقریباً هم اینکه به دولت و نظام‌های آن محدود می‌باشد که از اصول سیستم فاصله بسیار زیادی گرفته‌اند و درکل، مارکسیسم با طبیعت فطرت بشری و مقتضیات آن در تضاد است و جز در یک محیط درهم‌شکسته یا محیطی که روزگاران دراز با نظام دیکتاتوری خو گرفته باشد، نمی‌تواند رشد کند و حتی در این محیط‌ها - نیز - در بُعد مادی اقتصادی - که زیربنا و مایه مباهات آن است - به تدریج به شکست مواجه می‌شود» و مارکسیست به کسی گفته می‌شود که طرفدار این اندیشه باشد. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۵۱۶ - ۵۲۱ و نشانه‌های راه، ص: ۱ - ۲. «مرکز تدوین»

که بعد از شکست جهانی کمونیسم رو به سقوط و فروپاشی کلی نهاده‌اند، به شکلی از اشکال دوباره مطرح شوند و دردسری را به ملت یمن و مسلمانان باز بیاورند.

عضو انجمن: سرنوشت مهاجرین افغانی و نهضت‌های اسلامی در کویت چه خواهد شد؟

استاد: فکر می‌کنم مهاجرین افغانی در اوضاع کنونی به عین سرنوشت روبرویند که مهاجرین پاکستانی و کسان دیگری که در آن‌جا کار می‌کنند و زمینه کار دوباره طبیعی‌شان تقریباً از بین رفته و ما تصمیم داریم از بعضی کشورها تقاضا کنیم تا زمینه برگشت آنان را مساعد بسازند، مخصوصاً از کشور عربستان سعودی؛ زیرا من فکر نمی‌کنم که در فاصله‌های نزدیک این‌ها حیات طبیعی خود را از سرآغاز کنند و سرنوشت نهضت‌های اسلامی هم تا هنوز مجهول است، به علت اینکه نمی‌توان پیش‌بینی کرد که در اوضاع کنونی مثل گذشته، کار خود را پیش ببرند؛ زیرا تا وقتی که استقراری در کویت به میان نیاید و تایید رژیمی که دل‌خواه خود مردم است، ایجاد نشود، مخصوصاً بعد از اینکه مسئله الحاق کویت از طرف عراق اعلان شد، هنوز موضوع پیچیده‌تر شده‌است. به این اساس ما بسیار متأسفیم که جنبش‌های اسلامی - مخصوصاً در سطح مطبوعات و تبلیغات اسلامی که تازه - در کویت فعال شده بودند - به یک نوع رکود و یک سرنوشت مجهول روبرو شده‌اند؛ زیرا در اوضاع فعلی همه ملت کویت در یک حالت بی‌سرنوشتی به سر می‌برند.^۱

۱. منبع گفت‌وگو: هفته‌نامه مجاهد، شماره ۱۲۸، چهارشنبه ۲۴ اسد ۱۳۶۹ هـ ش - ۲۲ محرم الحرام ۱۴۱۱ - ۱۵ اگست ۱۹۹۰ م. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوی بیست‌وهشتم
با
مجله الجهاد

تاریخ: شنبه ۱۳ اسد ۱۳۶۹ هـ ش



الجهاد: آخرین جریان‌ات سیاسی روز از چه قرار می‌باشد؟

استاد: جهاد و مجاهدین در این روزها، ایام دشوار و مشکلی را سپری می‌کنند، جهاد به مرحلهٔ سرنوشت‌سازی رسیده است. بعد از شکست نظامی روس، روس‌ها و دشمنان انقلاب اسلامی سعی دارند تا از برپایی حکومت اسلامی در افغانستان، جلوگیری کنند، آنان حل‌های گوناگونی؛ مانند حکومت ایتلافی از طرف مجاهدین و کمونیست‌ها یا حکومت انتقالی که از راه انتخابات تحت سرپرستی سازمان ملل متحد به وجود آید را پیشنهاد می‌کنند و گاهی می‌گویند: نجیب در این اواخر قدرت زیادتر کسب کرده و می‌تواند صلح و آرامش را در کشور پیاده کند؛ بناءً دولت‌ها حکومت نجیب را به رسمیت بشناسند، به همین خاطر است، نجیب کوشش می‌کند، تا قانون اساسی و نام حزب را تغییر دهد.

همهٔ این تلاش‌ها به خاطر دورنگهداشتن مجاهدین از تأسیس حکومت اسلامی می‌باشد. دشمنان جهاد، از مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فقر و ویرانی‌ای که جنگ به جا گذاشته است استفادهٔ سوء می‌کنند.

الجهاد: بارزترین حل‌هایی که در این اواخر به شما پیشنهاد شده است کدام‌هایند؟

استاد: حلی که در این روزها به ما پیشکش شده، عبارت از انتخابات عام تحت سرپرستی سازمان ملل متحد می‌باشد و به ما گفته‌اند که باید مشکلات موجود در مناطق تحت نفوذ نجیب را حل کنیم، ما و دیگران در انتخابات آن

مناطق اشتراک کنیم؛ اما ما هیچ‌گاه حاضر نیستیم که کمونیستان در انتخابات اشتراک کنند؛ حتی اگر نام حزب را هم تغییر بدهند، ما به خاطر تغییر دادن نام حزب کمونیست، جهاد نکرده‌ایم، ایشان مسئول همه بدبختی‌های فعلی و جرثومهٔ فساد می‌باشند و به‌هیچ‌وجه حق ندارند در تعیین سرنوشت ملت افغانستان سهم گیرند.

الجهاد: شایع است که شما، سیاف و حکمتیار سعی دارید تا يك وحدت جدید را به خاطر سرنگونی رژیم کابل و مقابله با دسیسه‌های غرب، به‌وجود آورید، این شایعه تا کدام حد درست است؟

استاد: کدام همکاری منظم بین برادران وجود ندارد و اما پیشنهادهای و ملاقات‌هایی صورت گرفته است.

الجهاد: چه راه‌حلی را به خاطر شکستن بن‌بست بحران افغانستان پیشنهاد می‌کنید؟

استاد:

اول: باید مجاهدین موقف واحد بین خود در مقابل قضایای خارجی و داخلی اتخاذ کنند؛

دوم: باید بحران افغانستان از طریق نظامی حل گردد و رهبران جهادی، تنها پشت حل سیاسی نگردند و به مجاهدین لازم است به عملیات‌های نظامی خویش افزوده و شأن و شوکت و قوت خویش را بار دیگر به دشمنان انقلاب به اثبات برسانند.

طرحی که خواستار اشتراک نجیب، در حکومت همراه مجاهدین است، جدید نیست؛ بلکه روس‌ها هم قبل از عقب‌نشینی، چنین طرحی را داشتند. شروط خروج روس‌ها از افغانستان اشتراک نجیب در حکومت مجاهدین بود و فعلاً هم که روس‌ها از افغانستان بیرون رفته‌اند، چرا این پیشنهاد را می‌کنند؟ این شرط بیانگر این حقیقت است که روس‌ها می‌خواهند، تا خواسته‌های خویش را بالای مجاهدین و ملت ما بقبولانند! در روزهای پیش، روس‌ها می‌خواستند، تا اراده و نظر خویش را از طریق توپ و تانک بالای ملت ما

تحمیل کنند و اکنون که از کشور ما فرار کرده‌اند تلاش دارند تا از راه دسیسه‌ها و نیرنگ‌ها بالای ملّت مجاهد افغانستان سایه شوم خود را بگسترانند. حل سیاسی، هنگامی جامه عمل می‌پوشد که روس‌ها به‌صورت کلی از مداخله در امور داخلی افغانستان دست بردارند.

اگر اشتراک کمونیستان در انتخابات از جمله ضروریات باشد، بار دیگر این مفهوم در ذهنیت ما تداعی می‌شود که ابرقدرت‌ها ملّت‌ها را نمی‌گذارند، که آزادانه سرنوشت خویش را تعیین کنند؛ بلکه جبراً سرنوشت ایشان توسط آنان در پشت دیوارهای آهنین باید تعیین شود و اکنون می‌خواهند این بازی را بالای ملّت ما تکرار کنند که ما نه تنها ایشان را در انتخابات سهم نمی‌دهیم؛ بلکه در آینده آنان را محاکمه می‌کنیم إن شاء الله. باید جهانیان بدانند که بعد از خروج روس از افغانستان کدام تغییر اساسی ای رخ نداده و جنگ داخلی آغاز نشده است و تاکنون روسیه متجاوز با تمام امکانات اقتصادی و نظامی از رژیم منفور نجیب دفاع می‌کنند و پافشاری دارد تا خواسته‌های شیطانی خویش را به هر وسیله‌ای که شده بالای ملّت ما تحمیل کند و تاکنون ملّت مجاهد افغان، تحت ظلم و شکنجه به سر می‌برد تا جایی که دهکده‌ای نیست که به موشک‌های رژیم به خاک تبدیل نشود. جهانیان باید بدانند که ما خیلی دوست داریم تا صلح و آرامش در کشور عزیزمان پیاده شود و مهاجرین دردمند را در داخل افغانستان جا داده و به بازسازی افغانستان ویران شروع به کار کنیم.

اکثر مردم می‌پندارند که ما خواهان حل سیاسی بحران افغانستان نیستیم، آن‌ها اشتباه می‌کنند. ما خواهان حل سیاسی‌ایم؛ اما باید شرف و کرامت مجاهدین و ملّت ما پایمال نشود و مجاهدین طرف اصلی قضیه باشند. کمونیستان به مجاهدین تسلیم شوند و بعداً حکومت اسلامی درباره ایشان تصمیم خواهد گرفت.

الجهاد: چه قسم حل سیاسی را خواهند؟

استاد: حل سیاسی از طریق مجلس بزرگ اسلامی که ما آن را می‌خواهیم درست کنیم، تحقق می‌پذیرد و اینکه دیگران به آن لویه جرگه و هر اسمی که

می خواهند بدهند، ما کدام تشویش نداریم.

الجهاد: شما در سابق با لویه جرگه مخالفت می‌ورزیدید و اکنون خواهان آن‌اید و عده‌ای از تحلیل‌گران سیاسی معتقداند این یک تنزیل از جانب شما می‌باشد، نظر شما در این باره چیست؟

استاد: بلی، مجاهدین از بعضی مواقف شدید سابق خویش تنزیل کرده‌اند، «لویه جرگه» را که اکثر کشورهای جهان طرفدار آن‌اند قبول کرده‌اند، ما فکر می‌کنیم که در این مجلس، اهل حل و عقد^۱ جمع می‌شوند و می‌توان به یک توافق کامل دست یافت و ما هیچ‌گاه از اصول خویش دست‌بردار نیستیم.

الجهاد: چه حلی را از جانب رژیم کابل خواهانید؟

استاد: ما معتقدیم باید کمونیستان افغان توبه بکنند و همه روابط رذیلانه خویش را با روسیه قطع کنند و به مجاهدین تسلیم شوند و در آینده حکومت افغانستان، درباره ایشان تصمیم اتخاذ خواهد کرد.

الجهاد: در پاسخ‌های گذشته تأکید به وحدت کرده و خواهان حل نظامی افغانستان شدید، در سابق فعالیت‌هایی به خاطر وحدت و یک‌پارچگی صورت گرفت و اما تا اکنون به کدام نتیجه مثبتی نرسیده است؟ پس آیا شما فکر می‌کنید که بدون وحدت می‌توان بحران افغانستان را از طریق نظامی حل کرد؟

استاد: من معتقدم، به هر قیمتی که می‌شود، باید بین مجاهدین یک

۱. «حل» و «عقد»: دلغت به معنای گشودن و بستن است و اما عقد در اینجا به معنای بستن نظام گروهی از مسلمانان در همه شؤون زندگی‌شان است، اعم از سیاسی، قانونی و قضایی و همچون مسایل و حل به معنای انفکاک، این بستن به دلایل معینی که تا نظام جدیدی شکل بگیرد و اهل حل و عقد در نظر علمای اصول همان اهل اجتهادند و اقام نووی اهل حل و عقد را عبارت از علما، رؤسا و اهل خبره‌ای می‌داند که مردم در مصلحت‌های عمومی و نیازمندی‌های‌شان به آنان مراجعه می‌کنند و شماری هم، اولوالامر را اهل حل و عقد می‌دانند و علامه جوینی اهل حل و عقد را این‌گونه معرفی می‌کند: خبرگانی مستقلی‌اند که از تجارب و تهذیب بالایی برخوردارند و صفات کسانی که باید امور رعیت را به‌دوش بگیرند در آن‌ها وجود دارد و اقام ماوردی شروط خلافت و یا اقامت را سه چیز می‌داند: ۱- عدالت؛ ۲- علم؛ ۳- بصیرت و حکمت. برای معلومات بیشتر نگاه شود: منهج الطالبین، از اقام نووی، غرائب القرآن، از نیشاپوری، الغیابی، ص: ۸۲ والأحكام السلطانية، از ماوردی. «مرکز تدوین»

وحدت کلی و همه‌جانبه ایجاد گردد. اگر امکان وحدت بین تمام مجاهدین نیست، باید بین اکثر ایشان انجام پذیرد. آنانی که در اتحاد مجاهدین شامل نمی‌شوند باید حد اقل در بعضی پلان‌های سیاسی و نظامی اشتراک بورزند. به‌راستی تقریباً از یک و نیم‌سال به این طرف، در ساحه نظامی عملیات مجاهدین نسبتاً کاهش یافته است. البته این دلالتی دارد؛ اما من فکر می‌کنم حتی اگر کشورهای خارجی مساعدت خویش را قطع کنند، بازهم مجاهدین می‌توانند سرانجام رژیم کابل را سقوط دهند.

الجهاد: عملیات نظامی از طریق وزارت دفاع حکومت مجاهدین صورت بگیرد بهتر است یا از طرف تنظیم‌ها؟

استاد: به نظر من باید عملیات عسکری از طریق حکومت مجاهدین صورت بگیرد؛ نه از وزارت دفاع؛ چون وزارت با آن مرحله نرسیده است که بتواند عملیات مجاهدین را رهبری کنند و اما می‌شود بین وزارت دفاع و تنظیم‌ها یک همکاری وجود داشته باشد.

الجهاد: قطع مساعدت به مجاهدین و مهاجرین و عدم اتحاد رهبران جهادی باعث شده که آهسته آهسته از نیرو و شأن مجاهدین کاسته شود و مسلمانان جهان می‌پرسند چرا رهبران جهادی نمی‌توانند به یک وحدت کلی برسند؟

استاد: من فکر می‌کنم که می‌توان از طریق حکومت مجاهدین اختلافات را حل کرد و یا از کدام هیکل دیگر، به شرطی که ضامن عدم بروز اختلافات بعد از آزادی افغانستان باشد و نشود که بعد از آزادی، یک تنظیم خواهان یک چیز و یک تنظیم دیگر خواستار چیز دیگر شود. لازم است پیش از فتح کابل، همه تنظیم‌های جهادی و یا حداکثر ایشان یک برنامه مشترک را به تصویب برسانند و بعد از فتح افغانستان علی‌الفور به کارهای سیاسی دست یازند، این یگانه راه حل می‌باشد. باید همه ما روی آن توافق کنیم. اگر همه تنظیم‌ها بالای این پلان توافق کنند، نور علی نور و در غیر آن باید حداکثر تنظیم‌ها اشتراک کنند و به همین خاطر، در این روزها بین هم دیدواید هم داریم.

الجهاد: جهات بیشتر فشار آور بالای مجاهدین در سطح سیاسی کدامند؟

استاد: بدون شک، این فشارها بالای عده‌ای از مردم تأثیر خواهد کرد؛ چون مشکلات اجتماعی مانند فقر، مرض و نداشتن امکانات کافی بالای بعضی از مردم تأثیر می‌کند. امکان ندارد همه مردم موقف واحد در مقابل مشکلات اتخاذ کنند و صبر کنند و ما از این مسایل هراس داریم و شاید این فشارها بالای بعضی از افراد تأثیر و ایشان را به بیراهه بکشاند.

الجهاد: آیا یکی از تنظیم‌ها می‌تواند به تنهایی با کشورهای ذی‌دخل در مسئله افغانستان به یک توافق کامل برسد؟

استاد: این حل نخواهد بود؛ بلکه دسیسه و توطیه می‌باشد هرکه با این عمل اقدام کند از دو صورت خالی نخواهد بود: یا او طبیعت و خاصیت مردم افغانستان را نشناخته و یا خیلی‌ها حریص می‌باشد که به خاطر رسیدن به قدرت ولو به هر وسیله‌ای که باشد، دست می‌یازد.

الجهاد: آیا جمعیت اسلامی می‌تواند به تنهایی رژیم کابل را سقوط دهد؟
استاد: من فکر می‌کنم هر تنظیمی که حتی به تنهایی قدرت سقوط کابل را هم داشته باشد، اگر با این کار اقدام کند، در آینده (بعد از آزادی افغانستان) مشکلات زیادی را به دنبال خواهد داشت و حل آن مشکلات هم، خیلی مشکل خواهد بود.

الجهاد: ما از فرموده شما این طور استنباط کرده‌ایم که شورای جمعیت اسلامی افغانستان به رهبری احمدشاه مسعود کدام پلانی را به تنهایی به خاطر سقوط رژیم کابل روی دست ندارد؟

استاد: به نظر ما باید همه مجاهدین در این زمینه باهم همکاری داشته باشند.^۱

۱. منبع گفت‌وگو: هفته‌نامه مجاهد، شماره مسلسل ۱۲۷، شنبه ۱۳ اسد ۱۳۶۹ هـ ش- ۱۲ محرم الحرام ۱۴۱۱ هـ ق- ۴ اگست ۱۹۹۰ م. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوی بیست‌ونهم هفته‌نامهٔ مجاهد

تاریخ: ۱۳ اسد ۱۳۶۹ هـ ش



مجاهد: آیا برای بازگشت حزب اسلامی به حکومت موقت، اهتمام و توجهی صورت گرفته؟

استاد: بعد از تشکیل حکومت، یک سلسله مشکلاتی بروز کرد. حزب اسلامی بعد از شش ماه که مسئولیت وزارت خارجه را به عهده داشت، از حکومت نه تنها برآمد؛ بلکه کوشید حکومت را تضعیف کند. تبلیغات وسیعی صورت گرفت که حکومت نماینده واقعی مردم نیست و منحصر در خانه‌های کرایه‌پیشاور می‌باشد و این چیزها از نظر سیاسی به حکومت یک ضربه وارد کرد. تلاش‌هایی توسط خود حکومت و هم توسط دوستان مجاهدین صورت گرفته است؛ اما زیاد مؤثر نبوده است.

حزب اسلامی دلیل خروج خود را از حکومت عدم برگزاری انتخابات توسط حکومت اعلام کرد. نکته مهم اینکه حزب اسلامی، درحالی که از حکومت خارج شده بود، مدت‌ها نمایندگان در کمیسیون انتخابات شرکت داشتند، که این خود می‌رساند که تا آن زمان، فورمول معینی برای اجرای انتخابات تکمیل نشده بود. البته در شورای مشورتی، قیدی که برای حکومت گذاشته بود، این بود که بعد از رفتن به داخل افغانستان حکومت یک سال باقی بماند.

مجاهد: به نظر شما سفر مامورین عالی‌رتبه اسبق افغانستان به پیشاور چه اثراتی در روند سیاسی - نظامی جهاد برجا گذاشت؟

استاد: اصلاً علیه حکومت موقت همیشه تبلیغات می‌شد که تمام قدرت

را در انحصار خود قرارداده و از هیچ‌کس نمی‌پرسد؛ بناءً تصمیم گرفته شد تا از یک عده افرادی که از جمله سیاستمداران سابقه‌اند و در غرب هستند، دعوت صورت گیرد تا نشان داده شود که مجاهدین به شنیدن آرای مثبت و سهم‌گیری افراد مؤثر هیچ قید و شرطی را نگذاشته‌اند، آن‌ها می‌توانند نظریات خود را بگویند. فورمول‌شان را بگویند و فورمول مجاهدین را هم مطالعه کنند؛

بدین‌اساس، رئیس دولت موقت از آنان دعوت به عمل آورد؛ مگر متأسفانه آنان احساس مسئولیت درست نکردند و حرف‌های عده‌ای از ایشان طوری بود که گویا در عقب‌میز وزارت و صدارت خود نشسته‌اند و دیگران را مخاطب خود قرار می‌دهند. آنان می‌خواستند خود را حق‌به‌جانب نشان دهند، درحالی‌که اکثر آنان هیچ نقشی در طول جهاد نداشتند. فقط از راه دور گاهی حرف‌های غیرمسئولانه‌ای حواله می‌کردند و دیگر چیزی نداشتند. آنان بیش از وزن و سهم خود، حرف‌های بسیار پرطمطراقی می‌گفتند. به نظر من آنان، جز اینکه به نفع دشمنان مردم افغانستان يك سلسله مواد تبلیغاتی بگذارند، چیز دیگری نکردند و راستی وقتی حرف‌های بعضی از آنان را شنیدیم، دانستیم که واقعاً اینان در سطح مسئولیت مردم افغانستان نبوده‌اند و درد و آلامی که با تشکیل احزاب کمونیستی در افغانستان و نفوذ روسیه در افغانستان، نصیب مردم افغانستان شد، از آن بی‌خبرند و این را هم باید گفت که فاجعه کنونی افغانستان محصول بی‌کفایتی تعدادی از این عناصری بود که در گذشته در سطح مسئولیت بودند و احساس مسئولیت نکردند.

البته هرکس، چه آنان و چه دیگران نظرات مثبتی داشته باشند، باید ما نظرات آنان را بشنویم.

باید اضافه شود که نظرخواهی با تأیید يك شخص، بسیار تفاوت دارد. مخصوصاً در حالات بسیار حسّاسی که برای وحدت ملی کشور کاری کرده شود. یک عده افراد احساس‌تنهایی کرده و نباید در خدمت دشمن قرار گیرند؛ لذا مطلق دعوت اینان کدام بدعت نادرست نبود؛ اما اینان باید احساس مسئولیت می‌کردند و درست حرکت می‌کردند.

مجاهد: اظهارات اخیر نجیب، رئیس رژیم کابل را مبنی بر انتقال امتیازات بیشتر به شورای موقت برای حل معضل افغانستان، چطور بررسی می‌کنید؟

استاد: نجیب چه کاره است که امتیاز بدهد؟ او باید هر چه زودتر صحنه را ترک بگوید و عامل فاجعه‌های بعدی نشود.

مجاهد: نقش حزب وحدت اسلامی را در حل قضایای فعلی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

استاد: البته اولین نقش حزب وحدت اسلامی، وحدت ملی افغانستان می‌باشد که سنی و شیعه، پشتون، تاجیک و اوزبیک^۱ همه در جهاد سهم گرفتند و نقش دارند. در درجه دوم اهمیت می‌توان در رابطه با آینده افغانستان و موضوع امنیت در داخل افغانستان، مخصوصاً در دوران انتقال قدرت به ملت، مورد توجه قرار داد.

مجاهد: طرح انتخابات از جانب حکومت موقت را تا چه حد عملی و مفید می‌دانید؟

استاد: به نظر من انتخابات يك امر مشروع و مجاز است. به همین اساس است که ما می‌گوییم: انتخابات عمومی را در اوضاع کنونی بدین دلیل قبول نداریم و تأیید نمی‌کنیم؛ نه به این خاطر که نامشروع است؛ بلکه بدین علت که ناممکن است؛ اما در فردای افغانستان که امنیت بیاید، ما انتخابات عمومی را تأیید می‌کنیم. همچنان نقش ایشان را در قسمت سقوط رژیم کابل عمده میدانم. با ایجاد اخوت بیشتر میان حکومت موقت اسلامی و حزب وحدت، مجاهدین قادر به مقابله جدی با سازمان‌های بین‌المللی در مورد افغانستان می‌گردد.

مجاهد: حکومت موقت با در نظر داشت جوّ سیاسی فعلی برای ادامه حیات خود چه ضمانت‌هایی را در اختیار دارد؟

۱. البته در اصل گویش استاد ازبک است؛ اما بنابر کاربرد هم‌میهنان عزیز اوزبیک زبان‌مان، ما هم اوزبیک می‌نویسیم. «مرکز تدوین»

استاد: حکومت وقتی می‌تواند برای ادامهٔ حیات خود ضمانت داشته باشد که قاعده آن وسیع گردد. ترکیب آن تغییر کند و چهره‌های جدید و نیرومند شامل حکومت شوند و شورای نسبتاً مقتدری یا از طریق انتخابات و یا نشست‌های چند طرفه تشکیل شود.^۱

۱. منبع گفت‌وگو: هفته‌نامهٔ مجاهد، شماره ۱۲۷، شنبه ۱۳ اسد ۱۳۶۹ هـ ش - ۱۳ محرم الحرام ۱۴۱۱ هـ ش - ۴ اگست ۱۹۹۰ م. «مرکز تدوین»

گفت و گوی سی ام
با
هفته نامه مجاهد

تاریخ: چهارشنبه ۳ اسد ۱۳۶۹ هـ ش



مجاهد: وضع کنونی جهاد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

استاد: بعد از خروج قوای روس - که در نتیجه مقاومت مجاهدین قهرمان صورت گرفت - کمونیزم از بیخ و بن منهدم شد، خلاهای سیاسی روسیه بر ملا شد، ملت‌های محکوم چه مسیحی چه مسلمان در فکر آزادی شدند و غربیان خطر کمونیزم را رفع شده دانستند و احساس پراگماتیسمی و منفعت‌پرستی در آنان زنده شد و قهرمانی ملت ما را نادیده گرفتند و در مورد حمایت‌شان از مجاهدین احساس بی‌مسئولیتی کردند.

از جانب دیگر، هرکسی که به نحوی در طول جهاد صدمه دیده بود و محرومیت‌های جنگ را متحمل شده بودند، انتظار رسیدگی را داشتند؛ لذا برای حل این معضله اولین گامی که از سوی مجاهدین برداشته شد، تأسیس یک ارگان سیاسی بود که بتواند نمایندگی از ملت مسلمان افغانستان بکنند؛ اما متأسفانه در جریان عمر حکومت، ابتکاراتی صورت نگرفت و انتظارات جواب داده نشد و یک نوع ناهماهنگی در سطح سیاسی بروز کرد و در این راستا، از جانب رژیم کابل تلاش‌هایی در جهت بی‌اعتبار ساختن حکومت موقت مجاهدین، صورت گرفت، همزمان اظهار خستگی از طرف مسئولین رده‌بالای حکومت، عامل دیگری بود که به حکومت ضربه زد. جالب این است که این‌ها با وجودی که همه جا را پر کردند؛ اما اعتراض هم داشتند.

رهبران بعضی از تنظیم‌ها نشان دادند که پیروزی قریب‌الوقوع است و حتی گفتند که نماز ظهر را در جلال‌آباد و نماز عصر را کجا و کجا... می‌خوانیم!

بدون اینکه از اوضاع برداشت دقیقی داشته باشند. در این ارتباط باید گفت: جنگ جلال‌آباد که یک پلان سیاسی بود؛ نه یک پلان نظامی، وضع را متشنج‌تر ساخت. این مطلب را در مهم‌ترین اجلاس‌های سیاسی گفتند.

روس‌ها مسئله جنگ را از زمان حضورشان هم جدی‌تر گرفتند، پل هوایی برای انتقال سلاح‌های مدرن از قبیل اسکاد و اورینگان، ساخته شد و طیارات بسیار پیشرفته به رژیم داده شد و هم‌زمان با این، تبلیغات زهرآگین علیه مجاهدین شدید شد. نجیب چهره صلح طلبانه اختیار کرد و این‌طور وانمود ساختند که گویا گرگان روسی دگر دندان‌های‌شان را کشیده‌اند.

مجاهد: مشکل فعلی افغانستان چه راه‌حل فوری را ایجاب می‌کند؟
استاد: البته حل مسئله افغانستان به نظر من آن‌قدرها ساده نیست، مشکل افغانستان در دو چیز خلاصه می‌شود:

۱- رژیمی که توسط یک قدرت خارجی برجا نشانده شده، هنوز وجود دارد؛

۲- قدرت خارجی هنوز هم حمایت خود را از رژیم دست‌نشانده ادامه می‌دهد. برای حل مسئله، تجاوز خارجی باید قطع گردد و روسیه به حق مسلم مردم مسلمان افغانستان تن دردهد؛

به نظر من در اوضاع کنونی باید با سهم دادن قوماندانان جهادی، احزاب شیعه و سنی و این‌گونه مسایل باید یک فورمول عاجلی مطرح کنند؛ چه این فورمول از راه یک شورای مقتدر تشکیل یابد و چه هم از راه شورای اهل «حل‌و‌عقد» و چه از راه شورای مختصری که در آن افراد به اساس اصل عدالت سهیم شوند که از این طریق یک ارگانی به میان بیاید و از طریق آن حکومتی تشکیل یابد که روس‌ها و دنیا باید این حکومت را به رسمیت بشناسند.

باید منطقاً روس‌ها قناعت داده شوند که حمایت‌شان از یک رژیم دست‌نشانده، جز اینکه مشکلی بر مشکلات‌شان را اضافه کند، هیچ پرابلمی را حل نمی‌کند.

از زمان خروج قوای روسی تا کنون بنابر دلایلی، عملیات عمده نظامی صورت نگرفت، مجاهدین پس از شکست قوای روس دچار غفلت و غرور شدند، حادثه فرخار ضربه کوبنده‌ای به فعالیت‌های نظامی بود که تحرکات نظامی مجاهدین را به تعویق انداخت، کودتای تنی^۱ و حمایت آن توسط یکی از گروه‌های جهادی، به رژیم کابل یک نوع حس اعتماد و نیرومندی بخشید. به هر صورت، امیدوارم که این حالت، آرامش قبل از توفان بوده باشد. مطمئنم که وقتی عملیات جدی شود، رژیم از بین می‌رود.^۲

۱. معرفی شهناز تنی در صفحات قبل گذشت. «مرکز تدوین»

۲. منبع گفت‌وگو: هفته‌نامه مجاهد، شماره ۱۲۶، چهارشنبه ۳ اسد ۱۳۶۹ هـ ش - ۲ محرم الحرام

۱۴۱۱ هـ ق - ۲۵ جولای ۱۹۹۰ م. «مرکز تدوین»

گفت و گوی سی و یکم
با
جریده افغان نیوز

تاریخ: ۱۰ جون ۱۹۹۰م (۱۳۶۹/۳/۲۰)



خبرنگار: بعضی شخصیت‌های برجسته جهاد در این اواخر در پیشاور به قتل رسیده‌اند، از نظر شما که‌ها در این قتل‌ها دست داشته و چرا این اعمال را انجام می‌دهند؟

استاد: من فکر می‌کنم که این قتل‌ها به شکل اساسی تنظیم شده‌اند و شاید کار رژیم و مائوئیست‌ها^۱ بوده باشد. همچنان نمی‌توان در بعضی از این قضیه‌ها سهم‌گیری بعضی از گروپ‌های قدرت طلب را نادیده بگیریم. این اعمال تروییستی در حالی تشدید یافته است که از یک طرف مجاهدین در تدارک به راه‌انداختن انتخابات بوده و از طرف دیگر قوماندانان جهادی برای تشدید فعالیت‌های نظامی در حال جلسه‌اند. حال حاضر فرصت حساسی برای جهاد مردم افغانستان تلقی می‌شود. کشورهایی که در قضیه افغانستان خود را شامل می‌بینند، تلاش دارند راه‌حلی را برای مشکل افغانستان دریافت کنند. دشمنان مجاهدین می‌کوشند نشان دهند که مجاهدین نمی‌توانند صلح را در کشور پیاده کنند و می‌خواهند که افغانان را به قتل رسانند و اتهام را بالای خود مجاهدین اندازند. این اعمال تروییستی در حالی که موضوع کشمیر در توجه

۱. مائوئیست‌ها: پیروان فکر مائوئیسم را گویند. مائوئیسم برداشت سیاست‌مدار انقلابی و تئوریسین حزب کمونیست چین مائوتسه تونگ (زاده ۱۸۹۳ درگذشت ۱۹۷۶م) است. او معتقد به مارکسیسم بود که جمهوری خلق چین را در سال ۱۹۴۹م با شکست دادن نیروهای چپانگ کای شک رئیس‌جمهور وقت چین بنیان گذاشت. مائوئیسم به نقش برجسته دهقانان و روستائیان در انقلاب کارگری و بر اهمیت فرهنگ به‌عنوان عنصری که می‌تواند بر اقتصاد سوسیالیستی تأثیر بگذارد تأکید می‌کرد. نگاه: مانو و مائوئیسم، ص: ۲۶. «مرکز تدوین»

خاص اسلام‌آباد قرار دارد و نیز وضعیت سِند^۱ در حال شدید شدن بحران قرار دارد؛ همچنان علیه نظم و قانون پاکستان، نیز متوجه ساخته شده است.

خبرنگار: مجاهدین و حکومت پاکستان چه تدبیری را باید عملی کنند تا مهاجرین بی‌گناه [در امان] باشند؟

استاد: تأمین امنیت مهاجرین، مسئولیت حکومت پاکستان بوده است، حکومت موقت مجاهدین نمی‌تواند برای جلوگیری از این اعمال تروریستان، امنیت دایمی را به وجود بیاورد؛ اما مجاهدین می‌توانند مقامات پاکستانی را در شناخت تروریست‌ها کمک کنند.

همکاری مجاهدین با منابع امنیتی پاکستانی در گذشته، در دستگیری بعضی اجنت‌های دشمن، مفید تمام شده و این کار ضرورت به همکاری‌های نزدیک بین مقامات امنیتی پاکستان و مجاهدین دارد.

خبرنگار: در یکی از نشریه‌های عربستان سعودی به نشر رسیده که شما با جلسهٔ قوماندانان که در پکتیا برگزار گردیده مخالف‌اید، آیا این واقعیت دارد؟

استاد: من هر نوع تلاش قوماندانان را در مورد هماهنگ ساختن فعالیت‌های نظامی را و از تشدید عملیات علیه رژیم کابل پشتیبانی می‌کنیم؛ اما هر نوع فعالیت جدا از تنظیم‌های مجاهدین و حکومت موقت، شرم‌آور بوده و جهاد افغانستان تقاضا ندارد که قوماندانان فعالیت‌های خود را به کلی مربوط ساحهٔ سیاسی‌ای سازند.

خبرنگار: نظرتان در مورد اظهارات حزب اسلامی و حکمتیار، مبنی بر اینکه حزب اسلامی اجازه نخواهد داد کمک‌های بشردوستانهٔ ملل متحد و حکومت موقت داخل افغانستان شود، چیست؟

استاد: موضع‌گیری حزب در مقابل افغانستان خصومت‌آمیز بوده و اسلام

۱. سِند: یکی از ایالت‌های کشور پاکستان است. مرکز این ایالت شهر کراچی است که با بیش از سیزده میلیون نفر، پرجمعیت‌ترین شهر در پاکستان می‌باشد. گفته شده منشأ واژهٔ سند از اصطلاح «سندھو» به معنی «رود» در زبان سانسکریت است که اشاره‌ای به رود سند دارد. نگاه: معجم البلدان، ص: ۲۶۷. «مرکز تدوین»

اجازه نمی‌دهد که ارسال مواد غذایی به نیازمندان توقّف داده شود. خصوصت حزب به حکومت موقت مایهٔ نگرانی بوده و حکومت موقت منبع تشکیل شش تنظیم جهادی بوده، پس چطور از یک طرف علاقه‌مندی به اتحاد ملّت افغانستان نشان می‌دهند و درعین حال، اعلان جنگ را با حکومت موقت می‌کنند.

خبرنگار: برای از بین بردن بن‌بست فعلی چه تدابیری باید گرفته شود؟
استاد: انتخابات در آجندای حکومت بوده و نمایندگان سازمان وحدت اسلامی به پاکستان دعوت شده‌اند. ایشان با حکومت موقت، در تشکیل یک حکومت با قاعدهٔ وسیع، مذاکراتی انجام خواهند داد و امید می‌رود که ایشان بالای فورمول انتخابات موافقه خواهند کرد.^۱

۱. منبع گفت‌وگو: هفته‌نامهٔ مجاهد، شمارهٔ ۱۲۴، یک‌شنبه، ۱۰ سرطان ۱۳۶۹ هـ ش - ۹ ذی‌الحجه ۱۴۱۰ هـ ق - ۱ جولای ۱۹۹۰ م. «مرکز تدوین»

گفت‌وگویی سی‌ودوم
با
اعضای انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت
اسلامی افغانستان

تاریخ: دوشنبه ۱۸ جدی ۱۳۶۸ هـ ش



عضو انجمن: از جمله موضوعات داغ در رابطه با قضیه افغانستان یکی هم انتخابات است که بیشتر آن را آقای حکمتیار و گاهی هم پیر صاحب از طریق رسانه‌های خبری مطرح ساخته و در مورد برگزاری آن در اوضاع فعلی جداً تأکید می‌ورزند، نظر جناب شما در این مورد چیست؟

استاد: برای توضیح این مطلب باید متذکر شد که تشکیل شوری در اسلام یکی از قضایای عمده در باب تشکیل دولت است. اسلام اجازه نمی‌دهد حکومت در احتکار یک فرد و یا چند فرد محدود به صورت ظالمانه قرار بگیرد، بدون اینکه مردم مستقیماً و یا از طریق نمایندگان خویش (اهل حل و عقد) در آن شریک باشند؛ اما ناگفته نماند که اسلام بر مبنای مصلحت مسلمانان اسلوب معین و شکل خاصی را در تشکیل مجلس شوری تعیین نکرده و این کار را به خود مسلمانان گذاشته تا در هر عصر و زمانی مطابق اوضاع خاص خودشان مجالس شوری را تنظیم و تشکیل دهند و در هر حال شوری باید طوری تنظیم شود که مانع استبداد رأی شده و مصلحت مسلمانان را تأمین کند.

یکی از وسایل تشکیل شوری، انتخابات است که راه را به تشکیل دولت هموار می‌کند و انتخابات وسیله است، نه هدف و هدف تشکیل شورایی که قدرت «حل و عقد» را داشته باشند و برای حل مشکل کنونی کشورمان انتخابات به شکلی که اوضاع و احوال کنونی ایجاب نماید، امری است ضروری.

من درحالی‌که به انتخابات موافق‌ام و آن را راه اصولی برای خروج از بن‌بست کنونی می‌دانم، متذکر می‌شوم، برای این +
 که انتخابات بتواند مشکل سیاسی موجود ما را بر طرف کند، باید چند اصل را رعایت کرد:

اول: قاعده و فورمولی که برای تشکیل شوری وضع می‌گردد، مورد اتفاق کل احزاب و جبهات ذی‌علاقه قرار بگیرد و اگر اتفاق کلی میسر نیست، حد اکثر احزاب جهادی و جبهات مؤثر در حل قضیه سیاسی، به آن اتفاق کنند تا بار دیگر مشکل عدم جامعیت شوری، جنجال دیگری را در برابر ما قرار ندهد؛
دوم: انتخابات و تشکیل شوری در داخل کشور صورت بگیرد. افرادی که از بیرون انتخاب می‌شوند، باید به ارتباط حوزه‌های انتخاباتی، داخل انتخابات گردند؛

سوم: انتخابات شامل همه حوزه‌های انتخابی بوده و هیچ حوزه‌ای محروم ساخته نشود. همه مردم در آن مستقیماً و یا از طریق افراد مؤثرشان در انتخابات سهم بگیرند؛ به جز ملحدین غدار و وطن‌فروش؛

چهارم: یک عده افراد از میان احزاب جهادی و شخصیت‌های مؤثری که وجودشان در حل قضیه افغانستان مؤثر باشد. به روی یک نسبت معینی از میان احزاب و با قاعده مورد اتفاق دست‌اندرکاران جهاد به صورت انتصابی هم در شوری سهم بگیرند؛

پنجم: برای تضمین و سلامت انتخابات، شرایط ممکن بر اساس همکاری صادقانه بین گروه‌های مجاهدین به میان آید؛

ششم: هدف از انتخابات و تشکیل شوری حل بنیادی مشکل ملت خودما باشد؛ نه اینکه اگر انتخابات نکنیم در نظر برخی از کشورها و یا حلقه‌ها حکومت ما مورد قبول قرار نمی‌گیرد، یعنی اصلاً انتخابات را برای حل مشکل خود انجام بدهیم، نه برای کسب رضایت دیگران؛

هفتم: حکومتی که از طریق انتخابات و شورای تشکیل شده، به میان می‌آید تا حد ممکن قادر به انجام مسئولیت‌های ذیل باشد:

- ۱- وحدت ملی افغانستان را استحکام بخشد؛
- ۲- امنیت را در اوضاع کنونی تأمین کند؛
- ۳- مسئولیت نظامی خود را در راه پاک‌سازی کشور از وجود حکومت غدار کنونی، به وجه احسن انجام دهد؛
- ۴- تشکیل دولت اسلامی که آرمان ملت مجاهد ماست، البته در رأس مسئولیت آن قرار دارد؛

ناگفته نماند، در جریان انتخابات و بعد از تشکیل حکومت، جداً باید مواظب بود تا انتخابات باعث رکود نظامی نگردد، نشود که ما انتخابات را انجام دهیم و در ادای مسئولیت‌های جهادی ناکام شویم و یا یک حزب و یا چند حزب در انتخابات پیروز گردد؛ اما سنگرها را که استحکام بخشیده ضعیف و مناطقی را که به خون گرامی‌ترین عزیزان، آزاد ساخته‌اند، از دست بدهیم؛ پس هم‌زمان با برگزاری انتخابات به صورت ممکن، به موضع جهاد توجه جدی مبذول داشته و در عین حال، باب مذاکرات را با روس‌ها باز بگذاریم و تا چهره حقیقی سیاست روس در ارتباط به افغانستان، به جهانیان روشن گردد که آیا واقعاً روس‌ها راست می‌گویند که در افغانستان خواهان صلح‌اند و یا طرفدار ادامه جنگ‌اند، طوری که اکنون جریان دارد و اگر در قول خویش که می‌گویند: تجاوز در افغانستان یک عمل غیر اخلاقی است، صادق‌اند؛ پس ادامه کمک نظامی و مداخله مستقیم‌شان چه معنی می‌دهد؟

خلاصه اینکه همه کار ما تلاش برای انتخابات نباشد، چه انتخابات دوی همه دردها و علاج همه مشکل‌ها نیست.

خلاصه انتخابات ما باید فراگیر، در داخل کشور، موافق به احوال و اوضاع کنونی و روی قاعده مورد اتفاق تنظیم‌های جهادی و جبهات مؤثر در حل قضیه و با اتفاق اکثریت آنان صورت بگیرد.

عضو انجمن: از این نظر جناب شما معلوم می‌شود که در اوضاع فعلی که جنگ در افغانستان جاری است، برگزاری انتخابات امکان‌پذیر نیست؛ پس هیئتی که در رابطه با این موضوع قبلاً توظیف شده بودند، کارشان به کجا

کشیده و چه فیصله‌ای در زمینه به عمل آمده است؟
استاد: هیئت مؤظف، لایحه‌ای در ارتباط به نحوه انتخابات ترتیب داده و جهت بحث و فیصله نهایی به مجلس وزرا تقدیم شده است و چون برخی از مسایل از قبیل انتخابات به نام افراد صورت بگیرد و یا به نام احزاب، مورد اتفاق قرار نگرفته و ضمناً شکل انتخابات در میان مهاجرین و در داخل وضاحت بیشتر نشده، موضوع در شورای وزرا مورد بحث است.

عضو انجمن: رهبران دیگر در باره انتخابات چه نظر دارند؟
استاد: در مورد انتخابات میان نظر رهبران جهادی تفاوت‌هایی هست؛ بعضاً با انتخابات عمومی موافق وعده‌ای با وجود اتفاق، اوضاع را مساعد نمی‌دانند امیدواریم راه حل مساعدی به میان آید.

عضو انجمن: هرگاه فیصله به عمل آید که انتخابات صورت بگیرد، آیا منظور از این انتخابات و رأی‌گیری در کمپ‌های پاکستان خواهد بود، یا اینکه شامل همه افغان‌ها در داخل و خارج از کشور، مثل ایران و یا ممالک غربی و امثال آن؟

استاد: اصلاً تجدید انتخابات فقط در میان کمپ‌ها، هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، انتخابات وقتی مورد قبول قرار می‌گیرد که فراگیر باشد و یا ممثل اراده اکثریت مردم و مخصوصاً مورد تأیید سنگرهای جهادی باشد.

گرچه فرقی میان مهاجر و مجاهد از لحاظ نقش همه در جهاد، زیاد وجود ندارد؛ اما با این حال، سنگرها در تعیین سرنوشت نظامی و سیاسی قضیه از اهمیت بیشتر برخوردارند؛ پس نمی‌توان فقط به انتخابات میان کمپ‌ها مشکل را حل کرد.

عضو انجمن: هرگاه انتخابات به همان شکلی که جناب شما و یا رهبران دیگر می‌خواهند، برگزار نشد، بعداً در مورد حکومت موقت چه تصمیمی اتخاذ خواهد شد؟

استاد: اگرچه با فرارسیدن پانزدهم فبروری، حکومت فعلی دوره‌اش ختم می‌شود و دیگر قانوناً حق ادامه کار را ندارند؛ اما من معتقدم، می‌شود

که رهبران تنظیم‌های جهادی که عضویت حکومت عبوری را دارند، در مورد تمدید آن برای یک مدت مناسب دیگری روی اصول و شکلی که به آن اتفاق می‌کنند، باهم به فیصله برسند.

به نظر من گذاشتن خلای سیاسی با برگزاری انتخابات و تشکیل حکومت دیگر به مصلحت مجاهدین و مردم افغانستان نیست.

عضو انجمن: هرگاه مولوی صاحب خالص انتخابات را رد بکند و رهبران دیگر به آن موافق بوده باشند، چه فکر می‌کنید آیا بار دیگر از این ناحیه مشکلات و اختلافاتی بین ایشان و صفوف مجاهدین بروز نخواهد کرد؟

استاد: به عقیده من سهم‌گیری همه رهبران جهادی در اوضاع کنونی در حل قضایا ضروری است؛ چه عدم اشتراک عده‌ای از آنان خلای جبران‌ناپذیری را ایجاد می‌کند و من اطمینان دارم مولوی صاحب خالص آنچه را که به نفع مسلمانان و مصلحت مجاهدین بدانند هرگز با آن مخالفت نمی‌کند و حتماً برای مشکل کنونی راه‌حلی را سراغ می‌کنند.

عضو انجمن: نظر کلی رهبران مجاهدین در باره سقوط رژیم نجیب چیست؟

استاد: حکومت نجیب، یک حکومت جنایت‌کار و بقایای تجاوز بی‌شرمانه ارتش سرخ در افغانستان است؛ پس باید این رژیم سقوط بکند به هر شکلی که می‌شود و نباید مجال به این داده شود که در افغانستان باقی بماند و من به این عقیده‌ام که این حکومت در آستانه سقوط قرار دارد، منتهی یک نوع کُندی در امور جهاد یک‌دود ماه پیش، نظر به یک سلسله عوامل که بیشتر آن بیرونی بوده، پدیدار گردید و موجب شد که جنازه لِرزان رژیم منحنط که باید هرچه زودتر به زمین سقوط می‌کرد، برای فرصتی باقی بماند.

به هر حال، روس‌ها هر قدر نجیب و غلامان دیگر خود را در افغانستان مسلح بسازند، حزب کمونیست باز هم نمی‌تواند جای پای در افغانستان داشته باشد و خواهی‌خواهی این رژیم سقوط می‌کند، **إن شاء الله.**

البته مجاهدین هم به این نظرند که باید هرچه سریع‌تر این رژیم سقوط

بکند و مجال بیشتری برای آن داده نشود؛ اما در زمستانی که پیش‌روست، شاید خرابی موسم، کمبود امکانات و وسایل، موجب شود ضربات کوبنده و فیصله‌کنی صورت نگیرد. من به این عقیده‌ام که هم‌زمان با سپری شدن فصل زمستان و آغاز سال جدید که هوا هم مناسب می‌شود، مجاهدین با به راه انداختن حملات گسترده و وسیع، به لطف و عنایت خداوندی بساط کمونیزم را از افغانستان برخواهند چید و مجاهدین نیز به همین عقیده‌اند که باید با حملات فراگیر و جنگ‌های فرسایشی، اوضاع را برای سقوط سریع حکومت مزدور آماده سازند.

عضو انجمن: عوامل شکست احزاب و گروه‌های کمونیستی و طرفداران روسی را در نقاط مختلف جهان، از جمله آلمان شرقی^۱، هند ... را چگونه بررسی می‌فرمایید؟

استاد: اگرچه کمونیزم به‌هیچ یک نظام ضد فطرت انسانی، نمی‌توانست علی‌الرغم فطرت انسان‌ها، عمر بیشتر داشته باشد و باید هرچه زود طلسم آن به شکست مواجه گردد؛ ولی جهاد سپاهیان اسلام در افغانستان باعث شد که کمونیزم به‌صورت سریع‌تر در جهان سقوط بکند و این سنت الهی هم است که قدرت‌های طاغوتی، توسط وسایل بسیار محدودی، درهم کوبیده می‌شوند. فعلاً گفته می‌توانیم که عامل اساسی سقوط رژیم‌های کمونیستی و درهم‌شکستن طلسم کمونیزم در جهان، جهاد ملت قهرمان و مؤمن ماست و این یکی از پدیده‌های عمده و مزایای بزرگ جهاد اسلامی ماست که می‌بینیم تقریباً طی نیم‌قرن دو امپراتوری جهان، هم‌زمان با اعلان جهاد در افغانستان سقوط می‌کند؛ طوری که انگلیس به اثر جهاد قهرمانانه مردم کشور درهم کوبیده شد و سقوط کرد و متعاقب آن امپراتوری کمونیزم روسی به

۱. آلمان شرقی جزو بلوک شرق در طول جنگ سرد بود که از ۱۹۴۹م تا ۱۹۹۰م در منطقه‌ای از آلمان که تحت اشغال اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود، حکومت می‌کرد. در سال ۱۹۹۰م با پیوستن به آلمان غربی، جمهوری فدرال آلمان تشکیل شد. نگاه: نقش افغانستان در فروپاشی دیوار برلین، فرهنگد، عارف، تاریخ نشر: ۲۰۰۹/۱۱/۹م، ناشر: <https://p.dw.com/p/KRpy> «مرکز تدوین»

شکست مفتضحانه‌ای روبه‌رو گردیده و با سقوط غیرقابل‌تصور مواجه شد. خلاصه عامل عمده در سقوط کمونیزم و حکومت‌های کمونیستی در اروپا شرقی، جهاد ملت مسلمان و قهرمان ماست که در مبارزه حق طلبانه‌شان، زنجیر اسارت و ذلت، از دست و پای بشریت گسست و انسان را از زنجیر غلامی و بدبختی نجات داد.

عضو انجمن: آرزو مندیم درباره تحولات سیاسی کشورهای تحت استعمار روسیه چون لیتوانی^۱ و آذربایجان^۲ که خواستار خودمختاری و آزادی می‌باشد توضیحاتی بدهید.

استاد: البته مطالبه آزادی در کشورهای تحت استعمار روس، از همان سلسله جنبش‌های آزادی‌خواهی است که با پیروزی انقلاب اسلامی، در افغانستان، در برابر تجاوز ارتش سرخ، صورت می‌پذیرفت و این نوید روح جدیدی است به ملت‌هایی که سال‌ها در زنجیر اسارت به‌سر می‌بردند.

راستی می‌بینیم روی صحنه آمدن پدیده‌هایی که طی دهه اخیر - خصوصاً در همین چند سالی که پشت‌سر گذاشتیم - خیلی‌ها شگفت‌انگیز و غیرقابل‌باور و توأم با عبرت می‌کرد. مثلاً در سال ۱۹۶۸م روس‌ها با تهاجمی که به‌نام دوبچک^۳ یاد می‌شد، می‌گفتند: «برای کمونیزم چهره انسانی

۱. لیتوانی: نامی رسمی آن جمهوری لیتوانی و یکی از بزرگ‌ترین و جنوبی‌ترین کشور در میان سه جمهوری حوزه بالتیک در اروپا است. پایتخت آن شهر ویلنیوس بوده، مساحت آن ۶۵۳۰۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م به ۳۲۹۷۰۰۰ نفر می‌رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۹. «مرکز تدوین»

۲. جمهوری آذربایجان کشور محصور در خشکی در قفقاز جنوبی است. این کشور بزرگ‌ترین کشور قفقاز و در جنوب‌شرق اروپا و در کنار دریای خزر است. پایتخت آن باکو و زبان رسمی آن آذربایجانی است. مساحت آن ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م به ۹۰۶۲۰۰۰ نفر می‌رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۶. «مرکز تدوین»

۳. الکساندر دوبچک: سیاست‌مدار برجسته چکسلواکی است که در ۱۹۲۱م در اسلواکی به دنیا آمد. وی در روسیه رشد یافت؛ جایی که پدرش با گروهی از کمونیستان چکسلواکی، در سال ۱۹۲۵م اقدام به تأسیس یک واحد اشتراکی صنعتی کرد. وی سرانجام در هفتم نوامبر ۱۹۹۲م در پی یک حادثه رانندگی در هفتادسالگی درگذشت. نگاه: مبانی دیپلماسی و آداب دیپلماتیک، ص: ۷۳. «مرکز تدوین»

داده شود» وقتی که عده‌ای از تانک‌های روس داخل چکوسلوواکیا شد، هیچ عکس‌العملی نشان داده نشد؛ ولی بعد از پیروزی جهاد و شکست روس در افغانستان دیده می‌شود که حکومتی در آن کشور به میان می‌آید که مظاهره می‌کنند و شعار ضد کمونیستی می‌دهند و یا مثلاً دیروز در آلمان شرقی حتی پرنده‌ای نمی‌توانست از بالای دیوار برلین پرواز بکند؛ اما امروز می‌بینیم که چهار میلیون نفر از آلمان شرقی به‌سوی غرب سرازیر می‌شود... این‌ها همه تحولاتی‌اند که دوره شکست کمونیسم را، نه تنها از لحاظ نظامی نشان می‌دهد؛ بلکه از لحاظ سیاسی نیز آشکار می‌سازد ایجاد همچو تحولات همه از برکت جهاد ملت قهرمان و مؤمن ما در افغانستان است.^۱

۱. منبع گفت‌وگو: هفته‌نامه مجاهد، سال دوازدهم نشراتی، شماره مسلسل ۱۱۰، دوشنبه هجدهم جدی ۱۳۶۸ هـ.ش، دهم جمادی‌الثانی ۱۴۱۰ هـ.ق - هشتم جنوری ۱۹۹۰ م. «مرکز تدوین»

گفت‌وگوي سي و سؤم
با
اعضاي انجمن نويسندگان و سخنوران جمعيت
اسلامي افغانستان

تاريخ: ٢٧ قوس ١٣٦٨ هـ ش



عضو انجمن: رهبر عالی قدر! آرزو مندیم درباره انفجار انبار سلاح و مهمات مجاهدین در گرم چشمه و تلفاتی که به مجاهدین وارد آمد، توضیحاتی ارایه فرمایید!

استاد: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ^۱ * عامل اصلی در رابطه به این موضوع تا هنوز معلوم نیست؛ اما یک چیز را ناگفته نباید گذاشت که تقریباً از یک سال به این سو جمعیت اسلامی از دریافت سلاح و مهمات از طرف آنانی که قبلاً با مجاهدین همکاری‌هایی داشتند، محروم بود؛ به همین اساس جهت حل مشکل جبهات یک مقدار مواد، از قبیل مرمی (R-P-G) و توپ «۸۲» که مقدار آن ده هزار فیر می‌رسد، به دو قسط از «باجور»^۲ خریداری شده بود، زمانی که دکانداران که مقدار آن را به دسترس ما قرار داده بودند، قسمت اول آن انتقال داده شده بود و قسم دوم آن یک هفته پس از آن تحویل گردیده بود، مواد مذکور شب‌هنگام به مجردی که به دیپو جابجا گردید، فردای آن این حادثه رخ داد.

یک سلسله معلوماتی که تا فعلاً به دست آورده‌ایم، حاکی از آن است که برخی از دکانداران ارتباطی با بعضی از مراکز دشمن مجاهدین و دشمن جمعیت داشته‌اند، فکر می‌کنم مواد خریداری شده در موضوع انفجار

۱. به نام خداوند بخشنده و مهربان. «مرکز تدوین»

۲. باجور (Bajaur Agency): یک منطقه مسکونی در پاکستان است که در مناطق قبیله‌ای فدرال واقع شده است. باجور ۱۲۹۰ کیلومتر مربع مساحت و ۱۰۹۳۶۸۴ نفر جمعیت دارد. «مرکز تدوین»

بی‌ارتباط نیست.

با این‌هم، هنوز به‌صورت دقیق، معلوماتی در زمینه در دست نیست، دیده شود که نتیجه تحقیقات و بازپرسی به کجا می‌کشد؟
در این حادثه دردناک ۳۱ نفر، از جمله کارکنان دفتر و مجاهدینی که برای حمل‌ونقل مواد خود آمده بودند و یک نفر از برادران پاکستان، شهید شده و تعداد مجروحین به ۶ نفر می‌رسد.

عضو انجمن: پولیس پاکستان در زمینه چه نظر دارد؟

استاد: سرویس‌های مختلفی از پولیس پاکستان این موضوع را بررسی می‌کنند؛ ولی تا اکنون به کدام نتیجه‌ای نرسیده‌اند.

عضو انجمن: در این روزها نشست جناب شما با گلب‌الدین حکمتیار، امیر حزب، با وساطت امیر جماعت اسلامی پاکستان، قاضی حسین احمد^۱ و برادر شیخ عبدالمجید زندانی^۲ و بعضی از برادران مسلمان دیگر، بر سر زبان‌هاست. خواهشمندیم توضیحات فرمایید، هدف اساسی از این نشست‌ها چیست؟

-
۱. مرحوم رئیس پیشین، جماعت اسلامی پاکستان بودند. «مرکز تدوین»
 ۲. شیخ عبدالمجید بن عزیز زندانی، سیاست‌مدار و دعوتگر یمنی، بنیان‌گذار دانشگاه الایمان در یمن، بنیان‌گذار کمیسیون بین‌المللی معجزات علمی در قرآن و سنت در مکه مکرمه و رئیس مجلس شورای حزب جماعت اصلاحات یمن. شیخ عبدالمجید زندانی در سال ۱۹۴۲م در استان صنعاء، یکی از استان‌های جمهوری یمن متولد شد، دروس ابتدایی و عمومی خود را در یمن فرا گرفت و بعداً جهت ادامه تحصیل دانشگاهی خود، راهی جمهوری عربی مصر شد و در آنجا به دانشکده داروسازی پیوست و به مدت دو سال در آنجا به دروس خویش ادامه داد و بعد از آن، آنجا را ترک گفت و به‌سبب علاقه وافری که به علوم شرعی داشت، به فراگیری علوم شرعی پرداخت و در مدت کمی افق وسیعی را در درک متون شرعی گشود و در این مدت با برجسته‌ترین علمای الأزهر و دانشجویان یمنی در مصر به رهبری استاد الزبیری دیدار کرد و در مدت اقامت‌شان در مصر با اعضاء اخوان المسلمین در ارتباط بود و تحت تأثیر آنان قرار گرفت. وی به یمن بازگشت و در آنجا به فعالیت‌های علمی، سیاسی و دعوتی پرداخت. وی در جهاد افغانستان علیه کمونیسم شرکت داشت. از جمله آثار وی، می‌توان به علم الایمان، طریق الایمان، نحو الایمان و التوحید اشاره کرد. از جمله نبشته‌های وی، کتاب حقیقه الایمان که به فارسی برگردان شده در میان فارسی زبانان از محبوبیت خاصی برخوردار است. شیخ زندانی از جمله کسانی است که توانست دارویی را برای علاج مرض ایدز بسازد؛ نگاه: مکتبه القلم، <http://www.qalamlib.net>. «مرکز تدوین»

استاد: طوری که شما هم در جریان بودید، در گردهمایی و اجتماع بزرگی که امسال جماعت اسلامی پاکستان در لاهور^۱ داشت، تعداد زیادی از شخصیت‌های بزرگ اسلام، از کشورهای مختلف و منسوبین نامدار و شناخته‌شده نهضت‌های اسلامی و سیاستمداران جهان اسلام به پاکستان آمده بودند، بعد از ختم کنفرانس تعداد زیادی از این‌ها وارد پیشاور شدند و کار عمده و برنامه مهمی که روی دست داشتند این بود که موضوعات و مسایلی که در بیرون، به ارتباط مشکلات مجاهدین منعکس می‌شد، بررسی کنند و پیام‌هایی که با خود داشتند، این بود که مجاهدین باید باهم همبستگی و وحدت خود را حفظ بکنند تا خدای ناخواسته نشود، در این مرحله حساس و تاریخی اختلافات و مشکلاتی که بین مجاهدین هست، اسباب ناکامی و نرسیدن به آرمان‌های والای انقلاب اسلامی را که همانا تشکیل یک حکومت اسلامی و پیروزی نهایی مجاهدین است، فراهم بسازد.

تا جایی که به جمعیت ارتباط داشت ما حقایق را به ایشان بازگو کردیم که در طول این اختلافات و برخوردها، همیشه دست جمعیت به کلی پاک بوده و ما همیشه خواهان وحدت و یکپارچگی و جلوگیری از هرگونه کشمکش‌ها بوده‌ایم.

البته دوستان ما که آنان بیش از همه علاقه‌مند وحدت مجاهدین‌اند، بافهم این قضیه که افرادی که در اختلافات دخیل‌اند، برخوردشان با مسایل به یک شکل نیست و هستند یک تعداد از آنان که همیشه در دوران اختلافات حق به جانب بودند و یقیناً وقتی که مابین دو گروه اختلافاتی پیدا می‌شود، هر دو حق به جانب نمی‌باشند، حتماً یکی به جانب حق قرار دارد و دیگری به طرف باطل؛ اما نظر آنان این بود که موضوع هر چیزی که بوده باشد، فعلاً صرف نظر شود؛ می‌گفتند: مطالب ارزشمند در بیرون برای مسلمانان این است که باید

۱. لاهور: یکی از شهرهای مهم جمهوری اسلامی پاکستان و مرکز ایالت پنجاب این کشور است. این شهر پس از کراچی دومین شهر بزرگ پاکستان محسوب می‌شود. نفوس مجموعی آن در سال ۲۰۱۰م به ۷۱۳۲۰۰۰ نفر می‌رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۰. «مرکز تدوین»

این پیام برای شان برسد که مجاهدین باهم متحد و یکپارچه‌اند تا خبرهای اختلاف، باعث دل‌سردی و قطع روابط امت اسلامی از سنگرهای جهادی نشود و یا دشمنان نتوانند روابط ملت‌های مسلمان را با سنگرهای جهادی قطع بسازند؛

به این اساس ایشان به این عقیده بوده‌اند که برای یک جنبش اسلامی و یک انقلاب اسلامی ارتباط ملت‌ها فوق‌العاده ارزشمند است و باید این ارتباط همگانی که فعلاً در جهان اسلام خوش‌بینی عمیقی نسبت به جهاد افغانستان ایجاد کرده، مستحکم‌تر گردد. هرکسی در هر نقطه‌ای از کشورهای اسلامی قرار دارد و همچنان هر مسلمانی که در کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنند، خود را مربوط به انقلاب اسلامی و هواخواه آن می‌داند و اگر این ذهنیت‌ها تغییر بخورد سرانجام به نفع دشمن تمام می‌شود و البته اکثر کشورها و زمامداران جهان و حتی بعضی از کشورهای اسلامی خواهان به‌میان آمدن یک حکومت اسلامی نیستند؛ بناءً ما نباید پشتیبانی ملت‌های مسلمان را از دست بدهیم.

به اساس این تقاضا و مصلحت جهاد خواستیم در همچو مسایل از گذشت کار بگیریم. در ضمن باید در مورد یک سلسله مسایلی که نمی‌توان شرعاً در خصوص آن موضوع منفی گرفت، به مسلمانان برسانیم، از جمله باید بگوییم که ما خواهان قتل و کشتار مابین یکدیگر نیستیم و این مطلبی است که هیچ‌کس نمی‌تواند که بگوید نه ما خواهان آنیم.

جمعیت همیشه خواهان آن است که جلوراه‌گیری‌ها گرفته شود، در ضمن صحبت گفته شد: جمعیت اصلاً و هرگز راه مجاهدین را خواه در گذشته و خواه بعد از این نگرفته و نمی‌گیرد.

پیشنهاد شد تا هیئت قضایی تعیین شود که روی همه مسایل بحث صورت بگیرد و ما هم، نظر به همان مشی همیشگی مان و حتی در سنگرهای جهادی هم روی همین اصل ایستادگی داشته‌ایم و در داغ‌ترین حالات اختلاف هم، همچو مطالب را در سنگرهای خود مطرح کرده‌ایم.

در همین اواخر هنگامی که هیئت قضایی از طرف حکومت، به شمال رفته بود، برادر احمدشاه مسعود به خطاب مولوی صاحب چترالی گفته بودم: خودت می‌توانی هرکسی را که خواسته باشی قاضی انتخاب کنی، خارنوال^۱ هم از شما تعیین شود، ما هیچ نوع دخالتی در زمینه نمی‌کنیم، موضوعات و مسایل را تحقیق کنید تا حقایق کاملاً برای خودتان روشن شود.

وقتی به ما گفته شد که مصالحه کنید، باز هم ما گفتیم: آماده‌ایم در چهار ولایت این موضوع را مورد بحث قرار دهیم و تنها یک جای را به این مورد انتخاب نکنیم، باید در همه جای این مسایل مطرح شود، راه‌بندی‌ها و مسایل دیگری را که در بعضی جاها صورت می‌گیرد، نیز مطرح بکنیم.

خلاصه، مشی ما در سنگرها و بیرون سنگرها این است که ما همیشه طرفدار صلح بودیم و می‌باشیم...

وقتی که دیدیم مسلمانان به‌راستی همان پیام صلحی را که خود ما، مخصوصاً در این مرحله مهم و حساس خواهان آنیم، به ما پیشکش می‌کنند، گفتیم: ما حاضریم که صلح بکنیم؛ زیرا این یک پیام نو برای ما نیست؛ بلکه این همان روش و پالیسی همیشگی اسلامی ماست و ما آماده‌ایم مطابق حکم خداوند که می‌فرماید:

«فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ...»^۲

این‌گونه منازعات را به قضا بسپاریم.

در ضمن گفتیم: هیئتی در این زمینه تعیین گردد، یک‌نفر از طرف ما و یک‌نفر از طرف حزب و این‌ها، نخست در قسمت تشکیل هیئت قضایی بحث بکنند و همه مسایل را در سطح کل افغانستان، خواه در گذشته صورت گرفته

۱. خارنوال؛ یعنی دادستان. «مرکز تدوین»

۲. نساء / ۵۹. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید، پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.) «مرکز تدوین»

و خواه حالا و چه بعد از این صورت خواهد گرفت، مورد بحث قرار بدهند. یکی از مسایل، مسئله راه‌گیری بود که جمعیت مخالف سرسخت آن بوده و می‌باشد و مطلب دیگر «تبلیغات» بوده که جمعیت هیچ‌گاه علیه هیچ مسلمانی تبلیغات نکرده، تنها به عنوان حق دفاع مشروع، در آن حال که تبلیغات مقابل بسیار حاد شده بود و ایجاب می‌کرده در زمینه توضیحاتی داده شود، تا ذهن کسانی که از حقایق آگاهی ندارند، مغشوش نگردد، بعضاً موضع‌گیری شده است.

خلاصه، موافقه به خواست‌های برادران برای ما چیز جدیدی نبود. **عضو انجمن:** با توجه به تجارب گذشته جناب شما تا چه حد مطمئن می‌باشید که روابط بین جمعیت و حزب، به اساس توافقنامه‌ای که به امضا رسیده پایدار باقی بماند؟

استاد: البته من شخصاً به دوستانی که این موضوع را یادآوری کردند، گفتم: من خواهان نشر این مطلب نیستم؛ زیرا تا وقتی که گفتار به عمل پیاده نشود، نشر همچو مسایل خالی از فایده است، برخی از دوستان ما می‌گفتند: باید موضوع هرچه زودتر نشر شود تا باعث اطمینان خاطر یک تعداد برادران مسلمان دیگر در کشورهای مختلف اسلامی گردد.

چون این مصلحت را به روحیه جهاد موافق دانستیم و این عمل را خیر پنداشتیم؛ لهذا این پیشنهاد مکرر آنان مورد تأیید واقع شد.

باز هم باید بگویم که من به آینده نمی‌توانم پیش‌گویی کنم که چه حالتی به میان می‌آید؟ زیرا ما تجارب تلخی از گذشته داریم. در گذشته این مسایل کم‌تر رعایت شده است.

به هر حال، تا جایی که به جمعیت ارتباط دارد، به خاطر مصلحت ملت مسلمان خود و جهاد اسلامی کوشش به خرج داده خواهد شد تا از سوی ما کاری صورت نگیرد که به ضرر مجاهدین و جهاد تمام شود، هرگاه به این گونه تعهدات پابندی صورت نگیرد، آن وقت مسئولیت به عهده جمعیت نخواهد بود.

عضو انجمن: آیا شیخ عبدالمجید زندانی و قاضی حسین احمد و همچنان جناب شما به این مطمئن‌اید که آقای حکمتیار به تعهدات خود باقی خواهد ماند؟

استاد: من برای فعلاً در این مورد اظهارنظر کرده نمی‌توانم؛ زیرا منتظرم که در آینده چه تحولاتی به میان می‌آید و چه اوضاعی ایجاد می‌شود و یا آیا به‌راستی تغییراتی در پالیسی حزب به میان می‌آید و یا واقعاً حزب روش قبلی خود را تغییر می‌دهد یا نه؛ اما تاجایی که به ما مربوط است کوشش به‌عمل خواهیم آورد تا جمعیت همان سیاست‌های همیشگی را که عبارت از ایجاد صلح و وحدت در جبهات جهاد می‌باشد، حفظ کند و آن را دوام ببخشد.

عضو انجمن: آیا در این مورد با برادران جمعیت مشوره صورت گرفته است؟

استاد: البته در آن فرصتی که این موضوع از جانب برادران یادشد، با عده محدودی از برادران جمعیت مطرح گردید و صحبت مختصری در این مورد صورت گرفت.

گفتنی است، این حادثه مصادف با شهادت داکتر عبدالله عزام^۱، بلی این

۱. دکتور شیخ عبدالله عزام رحمة‌الله‌علیه که اصلیت فلسطینی داشت، در سال ۱۹۴۱م، در روستای «سلیله الحارسیه» منطقه جنین به دنیا آمد. در سال ۱۹۶۶م، لیسانس را از دانشگاه دمشق در علوم شرعی به‌دست آورد. با سقوط کرائه غربی و بیت المقدس، در سال ۱۹۶۷م، در پی حمله عرب‌ها و شکست آنان، شیخ عزام خشمگین از تسلط یهود بر اماكن اسلامی به اخوان المسلمین و سپس برای رویارویی مستقیم، در سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۰ به رهبری مجاهدین در اردن رسید. وی در جنگ شش روزه عرب‌ها و اسرائیل، در صف داوطلبان اخوان المسلمین شرکت کرد. او در دوران تحصیل در مصر با سازمان اخوان المسلمین آشنا شد و به این سازمان پیوست و تا آخرین دم حیات در سال ۱۹۸۹م، به پیمان خویش با این سازمان وفادار ماند. شهید عزام در سال ۱۹۶۹م، فوق لیسانس در رشته اصول دین و در سال ۱۹۷۳م، از دانشگاه الأزهر دکتورا در اصول فقه را دریافت کرد و با توجه به اقامتش در اردن تا سال ۱۹۸۰م، در دانشگاه‌های اردن به تدریس اشتغال داشت. وی سپس به جده در عربستان سعودی رفت و در دانشگاه ملک عبدالعزیز شروع به تدریس کرد و این بار تا سال ۱۹۸۱م، در جده ماند. از شهید عبدالله عزام به‌عنوان سردار مجاهدین عرب در جهاد افغانستان علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق نام برده شده‌است. او بود که از سال ۱۹۸۰م، زمینه ورود هزاران جوان عرب به صف جهاد افغانستان را فراهم آورد. شیخ عزام در ابتدا در یک جمعیت خیریه عربی در پیشاور برای کمک به مهاجرین افغان مشغول کار شد؛ اما بعداً خود تشکیلات مستقلی را به‌نام «مکتب

اتفاق در یک فضای عاطفی‌ای که به اساس نیت پاک دکتر عبدالله عزام بود، صورت گرفت. مرحوم دکتر عبدالله عزام درحالی که یک ورق اعلامیه‌ای که به خاطر رفع تشنج موجود در بین جمعیت و حزب را با خود داشت، حوالی ساعت ۱۲ بجۀ همان شبی که فردای آن، به شهادت رسید، به خانه آمد و از من تقاضا کرد که آن را امضا کنم. البته نظر به خواست آن برادر ورقۀ مذکور توشیح شد و اعلان آن هم فوری شد؛ یعنی در محفلی که به مناسبت یادبود او دایر شده بود، اعلان آن صورت گرفت؛ لذا مجال بیشتر برای مشوره با بعضی برادران دیگر پیدا شد با این هم، نامه‌هایی به بعضی از برادران نوشته و گزارش‌هایی از طریق نامه و مخابره به ایشان منتقل گردیده است.

عضو انجمن: آیا توافقنامۀ مذکور به روحیۀ قوماندانان جبهات جمعیت اسلامی، بنابر حساسیتی که در بارۀ شهادت برادران نخبه و پیشتاز جمعیت اسلامی، در جبهات موجود است، اثر منفی نخواهد گذاشت؟

استاد: مسئلۀ شهادت برادران ما در تخار، موضوعی ست که با موضوعات فعلی ارتباطی ندارد به علت اینکه قتل برادران در تخار یک جرم مشهود است و من هم زمانی که با شیخ زندانی و سایر برادران صحبت می‌کردم این موضوع را صریح گفتم که مسئلۀ تخار خارج از این مسایل است به علت این که قتلی که در آن جا صورت گرفته یک جرم مشهود و صریح است و قاتلین به جرم‌شان اعتراف هم کرده‌اند؛ لذا این موضوع قابل بحث نیست. هرگاه مطلبی در آن قابل بحث بوده باشد، این است که قضا در این مورد اقدام نکند. طوری که

الخدمات» اساس گذاشت که با همکاری احزاب جهادی در پیشاور، به مجاهدین و مهاجرین کمک می‌کرد. اقام عزام سخنران توانا و نویسنده چیره‌دست بود و در طول مدت جهاد افغانستان از هیچ کوششی برای وحدت و یک‌پارچگی صفوف مجاهدین افغان دریغ نکرد و همیشه هم و غم مسلمانان را در سر داشت، او با حضور در پاکستان به آرزویش که جهاد با کفار بود دست یافت و چه جایی بهتر از افغانستان که جبهۀ آغازین برای مبارزه با کفار شوروی کمونیست بود. شهید عزام توسط یک حمله تروریستی ننگین، هنگامی که روز جمعه تاریخ ۱۴۱۰/۴/۲۵ هـ.ق، برابر با ۱۹۸۹/۱۱/۲۴ م، برای اقامت نماز جمعه به همراه دو پسر خود محمد ۲۴ ساله و ابراهیم ۱۳ ساله عازم مسجد بود، به شهادت رسید. نگاه: ماهنامه مشعل، شماره ۳- ۵، نمبر مسلسل ۴۱، نومبر ۱۹۸۹ مطابق عقرب

هیئتی که از طرف حکومت فرستاده شده بود، از آن‌ها تقاضا شد که می‌توانند قاضی تعیین کنند و قاضی‌شان مسئله را بررسی نماید فکر می‌کنم موضوع محوّل ساختن قضایای ما برای هیئت قضایی هم مطلبی جدی نیست در آغاز هم با ارتباط شهادت برادران مان هم قبول کرده بودیم باید قضایی بر اساس شریعت در زمینه تعیین شود نظر کنونی هم به همان شکل سابق است، باید هر مسلمان به فیصله شریعت تسلیم بوده باشد.

عضو انجمن: در این توافق‌نامه آیا در باره قاتلین فرماندهان تخار چیزی فیصله به عمل آمده؟

استاد: نخیر، در این مورد هیچ نوع فیصله‌ای صورت نگرفته و این مسئله از نظر من به کلی یک مسئله کاملاً ثابت و روشن است. شهید عبدالله عزام هم وقتی که زنده بود، اعلان می‌کرد که سید جمال یک جانی و مجرم است و باوجود این قضاوت برحق شهید عبدالله عزام و حضور ایشان در این مجلس، این معنی را افاده می‌کر [که این یک مسئله جداگانه است] د و توضیح جمعیت هم در این قسمت این است که اصلاً موضوع فرخار^۱ یک موضوع کاملاً روشن است که دیگر قابل بحث نیست؛ زیرا مجرمینی که در این حادثه مرتکب جنایات شده‌اند، باید به جزای شرعی‌شان برسند و تنها یگانه راهی که بعد از حکم شریعت در قسمت قصاص قاتلین وجود داشته این است: کسانی حق دارند در آن مورد عوف بکنند که ایشان وارثین برادران شهید مایند و کسی دیگری در مورد، کدام فیصله کرده نمی‌تواند، اگر وارثین شهدای ما در این قسمت آنان را ببخشند، این حق آنان است و شریعت هم این حق را تنها به آنان می‌دهد، این نه حق قاضی است و نه حق کس دیگر!

عضو انجمن: قراری که می‌گویند: در نشستی که جناب شما با امیر

۱. شهرستان فرخار: در ۵۰ کیلومتری شهر تالقان واقع بوده و به‌طور کامل کوهستانی است، مردم آن اکثراً مصروف مالداری و باغداری است، قابل ذکر است که جنرال داود داود شهید، یکی از فرماندهان نامدار جمعیت اسلامی افغانستان از این شهرستان می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۴۷۵. «مرکز تدوین»

حزب داشته‌اید، توافق به عمل آمده که جمعیت اسلامی و حزب علیه یکدیگر از تبلیغات پرهیز کنند، آیا این موضوع حقیقت دارد، اگر صحت داشته باشد، پس تجلیل از شهادت شهداء به خصوص شهدای حادثه فرخار، مشمول این توافق شده می‌تواند؟

استاد: بلی، این موافقه صورت گرفته که تبلیغات صورت نگیرد؛ اما مسئله تجلیل از شهداء و تقبیح از یک جنایت، یک موضوع جداست و این یک امر شرعی است و حدیث پیغمبر ﷺ است که می‌فرماید: «أَذْكُرُوا الْفَاجِرَ بِمَا فِيهِ لِكَي يَحْذَرُوا النَّاسُ»^۱

در قسمت تجلیل از این شهداء و تقبیح جانیان و مجرمینی که دست به این عمل ناروا زدند، باید گفت: این اصلاً مسئله تبلیغ و یا معنی تبلیغ را نمی‌دهد و حتی قاضی وقتی که در مورد قتل و قصاص مجرمین حکمی را صادر می‌کند، این یک امر شرعی است؛ پس این موضوع هیچ نوع ارتباطی به مسئله تبلیغ ندارد. در رابطه به موضوع تبلیغات حتی در گذشته هم، وقتی که دیگران حرف‌هایی، اتهاماتی و بهتان‌ها و برچسپ‌های ناروایی را به ما می‌بستند، ما عین کار را نمی‌کردیم و مشی جمعیت حالا هم از همین قرار است و ما هیچ‌وقت به دیگران تهمت نبسته‌ایم و نمی‌بندیم.

عضو انجمن: در باره دیدار سران به اصطلاح دو ابرقدرت که اخیراً در جزیره فاکس به عمل آوردند، چه نظر دارید؟

استاد: گر چه این دو ابرقدرت به رسم گذشته دل‌شان می‌خواست داستان تقسیم جهان را که اسلاف استعمارگیشان در یالتا^۲ انجام داده بود، بار دیگر

۱. الزرقانی، مختصر المقاصد / ۸۹ و ابن القیسرانی، ذخیره الحفاظ، شماره حدیث: ۲۲۷. (فاجر را با اعمال و کردارش معرفی کنید تا مردم از او بر حذر باشند.) «مرکز تدوین»

۲. یالتا: یکی از شهرهای کریمیه در جنوب اوکراین است که بر کرانه دریای سیاه جای دارد. بر اساس امار سال ۲۰۰۱م، جمعیت یالتا به ۸۰۵۰۰ نفر می‌رسد و کنفرانس یالتا که چند ماه پیش از پایان جنگ جهانی دوم از چهارم تا یازدهم فروری سال ۱۹۴۵م به مدت هشت‌روز برگزار گردیده بود، نیز در همین شهر صورت گرفته است. نگاه: تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، ص: ۲۲۴. «مرکز تدوین»

تکرار کنند؛ اما اوضاع کنونی در جهان دیگر این مجال را برای شان باقی نگذاشته تا آنچه دل‌شان می‌خواهد، در مورد سرنوشت ملت‌ها تصمیم بگیرند. لذا به نظر من نشست فعلی دو ابرقدرت بیشتر به علت درهم‌شکستن کمونیزم در جهان و دست‌وپاچگی که روس‌ها مواجه‌اند، صورت گرفت. روس‌ها از یک طرف به شکل عمده‌تر می‌خواستند که تا پانزده بلیون دالر به روس‌ها کمک نشود، امکان دارد روسیه از نگاه اقتصادی به بحران شدیدی روبه‌رو شود؛ لذا روس‌ها نظر به نیاز و احتیاج شدیدی که به خاطر جلوگیری از هم‌پاشیدگی‌شان و همچنان به خاطر جلوگیری از هم‌پاشیدگی‌ای که فعلاً در اروپایی شرقی هست، ناگزیر بودند با امریکایی‌ها بنشینند و باهم تفاهم بکنند.

به عقیده‌ما بیشتر مسایل این بحث، روی مشکلاتی‌ست که روس‌ها در داخل کشور خودشان به آن روبرویند و شاید روی مسایل محدود ساختن سلاح‌های استراتژیک هم تماس گرفته باشند.

بنابراین، نشست مذکور بنا به علاقه‌مندی روس‌ها صورت گرفته و موضوع پیروزی جهاد در افغانستان و شکست رژیم‌های ضد انسانی (کمونیزم و سرمایه‌داری) و ظهور مجدد اسلام به‌عنوان یک عنصر نجات‌بخش بشریت سرگشته و حیران و زنده شدن روحیه برگشت به اسلام در میان ملت‌های مسلمان و رشد روحیه آزادی‌خواهی در کشورهای اسیر و دربند کمونیزم نیز هردو ابرقدرت را دست و پاچه ساخته است، بنابراین شاید بیشتر گفت‌وگوها به خاطر دوام قدرت‌های استعماری خودشان صورت گرفته باشد.

عضو انجمن: در این دور مذاکرات درباره قضیه افغانستان چه موضوعاتی مورد بحث قرار گرفت و نظر جناب شما در باره گفت‌وگوی آنان چیست؟

استاد: در باره قضیه افغانستان فکر می‌کنم موضوع بسیار جدی مطرح نشده، به علت اینکه جزء آجندای بحث‌شان هم نبود. البته تماس‌هایی هم در این زمینه گرفته شده؛ ولی تماس‌ها به صورت جدی و اساسی نیست. شاید روس‌ها خواسته باشند به مجاهدین هیچ نوع کمک صورت نگیرد و قرارداد

بین‌المللی صورت بگیرد که هر نوع روابط و حتی کمک‌های انسانی هم به روی مجاهدین بسته شود و روس‌ها خود مطمئن‌اند انبار سلاح و مهماتی که به رژیم دست‌نشانده خود داده‌اند، آن قدر زیاد است که می‌توانند سال‌ها با مردم افغانستان بجنگند؛ لذا آنان خواهان آن‌اند که هر نوع روابط و کمک‌های بیرونی با مجاهدین قطع شود.

این موضوعات شاید مطرح بحث قرار گرفته باشد؛ اما فکر می‌کنم روی این موضوعات اتفاق کلی صورت نگرفته باشد.

عضو انجمن: چندی قبل موضوع قطع سلاح و مهمات برای مجاهدین نیز بر سر زبان‌ها بود و متعاقب آن حکمتیار هم خواستار قطع کمک‌های نظامی به مجاهدین شد، در این زمینه نظر جناب شما چیست؟

استاد: به عقیده من قطع کمک‌ها به مجاهدین یک دسیسه است که زیاده‌تر روس‌ها آن را عنوان قرار می‌دهند و بدین وسیله می‌خواهند مجاهدین را در یک حالت محرومیت قرار بدهند و آن‌هم در اوضاعی که عناصر مزدور و دست‌نشانده‌شان را تادندان مسلح ساخته‌اند و مردم افغانستان را دست‌خالی در برابر سلاح‌های خطرناک قرار دهند و بالاخره راهی پیدا نکنند، جز اینکه یا زمینه تباهی گسترده در افغانستان مساعد گردد و یا اینکه مردم به اراده ناپاک روس‌ها تسلیم شوند.

من این پیشنهاد را رد می‌کنم و به عقیده من خلع سلاح کردن مجاهدین در این وقت یعنی تا زمانی که روس‌ها به حکومت دست‌نشانده سلاح می‌فرستد معنایی ندارد. باید مجاهدین تلاش‌های گسترده‌ای داشته باشند و از بازارهای بین‌المللی و از منابع مختلفی امکانات به‌دست بیاورند و جهادشان را گسترده‌تر، ادامه بدهند.

به نظر من راه‌حل قضیه افغانستان تسلیم شدن به خواست‌های دشمن نیست و ما باید کاملاً تا آخرین مرحله، مرکزیت قوی و قدرتمندی در برابر دشمن داشته باشیم. قطع تسلیحات نظامی به مجاهدین به معنی تضعیف ایشان است و باید مجاهدین در هیچ حالتی چنین پیشنهادی را مطرح و قبول

نکنند.

عضو انجمن: پس هدف آقای حکمتیار از این پیشنهاد چه بود؟
استاد: نمی‌دانم. این نظر به شخص حکمتیار مربوط است، به عقیده من نباید در سطح مجاهدین این طور پیشنهادها صورت بگیرد؛ زیرا این کار به نفع جهاد نیست.

عضو انجمن: امیدواریم درباره شهادت برادر دکتور عزام مطلبی به خوانندگان ارایه فرمایید؟

استاد: شهادت برادر دکتور عزام دردناک‌ترین حادثه‌ای بود که مجاهدین دل‌سوز در سنگرها، در بیرون از سنگرها و هکذا جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان را به شدت تکان داد. این دسیسه در اوضاعی صورت گرفت که دکتور عبدالله عزام با بینش میدانی و وسیعی که از داخل کشور پیدا کرده بود و با آگاهی خاصی که در زمینه داشت سنگرهای اصیل انقلاب را شناخته و با شناخت کامل روابط خود را استحکام بخشیده بود.

الحق ضایعه‌ای است دردناک و فاجعه‌ای است بزرگ و المناک.

داکتر شهید برنامه‌های بسیار سازنده‌ای روی دست داشت و من این عمل را یک عمل جنایت‌کارانه و بزدلانه می‌دانم که دشمنان اسلام مرتکب آن شده‌اند. من به این عقیده‌ام که راه مؤمنان مبارز و مردان خدا و راه رسیدن به پیروزی باید از میان خون و آتش و اشک و رنج و درد و آلام عبور کند و این راهی است که دکتور شهید آن را انتخاب کرده بود راهی را که داعیان حق بر خود انتخاب کرده‌اند، باید امثال دکتور شهید ادامه بدهند.

عضو انجمن: به عقیده شما دست چه کسانی در ترور ناجوانمردانه این برادر مجاهد دخیل می‌باشد؟

استاد: او در برابر دشمنان زیادی مبارزه و پیکار داشت. با صهیونیسم، با

۱. صهیونیسم (Zionism): یک حرکت سیاسی و مذهبی متعصب و افراطی بوده که هدفش برپا کردن دولت یهود در فلسطین می‌باشد، دولتی که توسّط آن بالای تمام جهان فرمانروایی کند، این اسم را از (جبل صهیون) کوهی که در قدس واقع است، گرفته‌اند، کوهی که گروه صهیونیه می‌خواهند بالای

کمونیسم و با همه نوکران استعمار^۱ اعلان جهاد کرده بود؛ به این اساس دشمنان زیادی داشت و من فکر می‌کنم بیشتر از دیگران دست (K-G-B)^۲ و یا خاد، در ترور این شخصیت بزرگ دخیل خواهد بود و در پهلوی آن دست‌ها و عوامل زیاد دیگری به‌صورت مستقیم دخالت داشته‌اند.

عضو انجمن: شنیدیم ایران در نظر دارد مهاجرین افغانستان مقیم آن کشور را به اردوگاه‌ها انتقال دهد. در این مورد نظر جناب شما چیست؟
این اقدام از نظر من یک تصمیم کاملاً نادرست است. تصمیم مذکور در

آن هیکل سلیمان Z را درست کنند و دولتی به خود برپا کنند که قدس پایتخت آن باشد، حرکت صهیونی به شخص نمسای (هرتزل) یهودی مرتبط می‌باشد، شخصی که داعی اول به‌طرف فکر صهیونی شمرده شده، حرکت صهیونیسم در تمام جهان بر آرا و افکار وی بنا نهاده شده‌است، گروه‌های تندرو و متعصب یهودیان صهیونیست، خواهان به‌وجود آوردن یک کشور یهودی از راه قهر و سلطه نظامی هستند که به اصطلاح «از نیل تا فرات» ادامه داشته باشد. نگاه: سایت احزاب و مذاهب جهان و کتاب «دانشنامه سیاسی» از داریوش آشوری، ص: ۲۲۷. «مرکز تدوین»

۱. استعمار یا استعمارگری: در لغت به معنای آبادانی خواستن است؛ اما معنای دیگر آن، که امروزه به‌کار می‌رود، تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و یا فرهنگی ملت قدرتمند بر یک قوم یا ملت ضعیف است، مفهوم استعمار امروز با مفهوم امپریالیسم پیوستگی کامل یافته و استعمار اساساً عمل قدرت امپریالیستی شناخته می‌شود و ناگفته نماند که قرآن کریم دو خاصیت را برای آن برمی‌شمارد. ۱- «إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا» (هنگامی که وارد منطقه آبادی می‌شوند، آن را به تباهی می‌ورانی می‌کشاند.) ۲- «وَجَعَلُوا أَعْرََّةَ أَهْلِهَا أَذًى» (و عزیزان اهل آنجا را خوار و پست می‌گردانند.) اما تاریخ مفهوم جدید آن، از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود، درکل تاریخ استعمار را از دوره باستان تاکنون می‌توان به چهار دوره بخش کرد: ۱- دوره باستان؛ ۲- دوره استعمار جهانی؛ ۳- قرن‌های نوزدهم و بیستم؛ ۴- دوره استعمار نو. نگاه: نگرش‌هایی در اسلام، از اقام شهید حسن البنا و دانشنامه سیاسی، از داریوش آشوری، ص: ۲۶-۳۰. «مرکز تدوین»

۲. K.G.B: مخفف نام اداره اطلاعات و امنیت اتحاد جماهیر شوروی سابق است. نام کامل این اداره به زبان روسی این‌گونه است: «کمیته امنیت دولتی» این اداره، در سال ۱۹۵۳ م، پس از مرگ ژوزف استالین رهبر وقت شوروی از ادغام وزارت امنیت دولتی و وزارت امور داخلی تشکیل شد. K.G.B یک نام کلی برای فعالیت‌های سرویس اطلاعات شوروی سابق، پلیس مخفی و آژانس اطلاعاتی (جاسوسی) آن کشور بود. به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ م، K.G.B جای خود را به F.S.B (سرویس ضد جاسوسی روسیه) داد. منتقدان عقیده دارند که این تغییر تنها در نام این سرویس است؛ ولی K.G.B هم‌چنان به فعالیت‌های پشت پرده خود ادامه می‌دهد. نگاه: وبسایت رادیو فردا و وبسایت جمهوری اسلامی ایران، جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیسم، از امیر اعتماد دانشیار و کا. جی. بی در افغانستان، اثر واسیلی میترخین. «مرکز تدوین»

اوضاع فعلی نه به نفع جمهوری اسلامی؛ بلکه صد درصد به ضرر همه است و مخصوصاً در این سرمای سخت زمستان سرگردان ساختن و بی‌جا ساختن مردم محروم و بیچاره ما که بعد از تحمل رنج‌های بی‌پایان و هجرت برای خود سرپناهی ساخته بودند، کار درستی نیست.

من به این عقیده‌ام که باید مسئولین ایران جداً متوجه این موضوع شده و در زمینه تجدید نظر کنند؛ زیرا عملی شدن این فیصله معنی آن را دارد که تعداد زیادی از مهاجرین دوباره به افغانستان عودت کنند و نتیجه این کار باعث تقویّه حکومت از هم‌پاشیده روسی در افغانستان می‌شود و درعین حال این اقدام در این مرحله تاریخی، یک ذهنیت غیر مطلوب و بدی را در برابر ملت برادر ایران نیز پدید می‌آورد، جمهوری اسلامی ایران و ملت مسلمان آن کشور، که طی سال‌های درازی متحمل تکلیف و رنج همکاری و پناه دادن به مهاجرین را شده‌اند، نباید در این مدّت کم که ما در آستانه پیروزی نهایی قرار داریم، بی‌صبر و بی‌حوصله شوند.

من همین‌که این خبر را شنیدم شدیداً ناراحت شدم و به همین اساس، نظر خود را عاجل از طریق سفارت جمهوری اسلامی، به مقامات آن کشور رساندم تا هرچه زودتر در این مورد تجدید نظر کنند و امیدوارم کشور دوست ما جمهوری اسلامی و ملت برادر ایران متوجه عواقب نامطلوب این اقدام بی‌موقع بوده و در قسمت رفع این مشکل و فسخ این تجویز اقدام و دقت اتخاذ کنند.^۱

۱. منبع گفت‌وگو: هفته‌نامه مجاهد، دوشنبه، ۲۷ قوس ۱۳۶۸ هـ.ش - ۱۹ جمادی الاول ۱۴۱۰ هـ.ش - ۱۸۹ دسمبر ۱۹۸۹ م. «مرکز تدوین»

رویکردها



**** قرآن كريم؛**

(الف) منابع عربى:

١- ابن هشام، عبدالملك (١٤١٠). السيرة النبوية، الناشر: دار الكتاب العربي، الطبعة الثالثة، بيروت - لبنان؛

٢- البغدادى، عبدالله بن فتح الله معروف بالغياثي (٢٠١٠م). تاريخ الدول الإسلامية في الشرق، الطبعة الأولى، دارالمكتبة الهلال: بيروت- لبنان؛

٣- الحموي، ابو عبدالله ياقوت (١٩٩٠م). معجم البلدان، ناشر: دارالكتب العلمية، بيروت- لبنان، ج ٣، به عربي؛

٤- الزرقاني، محمد بن عبد الباقي (١٤٠٩). مختصر المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة علي الألسنة، الطبعة الرابعة، المكتبة الإسلامية، بيروت- لبنان؛

٥- شامي، يحيى (١٩٩٣م). موسوعة المدن العربية والإسلامية، ناشر: دارالفكر العربي: بيروت- لبنان، به عربي؛

٦- عبد الحكيم، محمد صبحي (١٤٢٧). أطلس المملكة العربية السعودية والعالم، رقم الطبعة: الأولى، دار النشر: مكتبة لبنان، بلد النشر: بيروت- لبنان؛

٧- واقدى، محمد بن عمر (١٣٦١). كتاب المغازي، مترجم: محمود مهدي دامغاني، ناشر: مركز توليد و انتشارات مجتمع دانشگاهي ادبيات و علوم انساني: تهران، ايران.

ب) منابع فارسی:

- ۱- احمدیان، بهرام امیر (۱۳۷۳). «آسیای مرکزی و حدود آن»، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۵، (بی‌جا)؛
- ۲- آزلوف، الکساندر (۱۳۸۹). تاریخ سری جنایت‌های استالین، مترجم: دکتر عنایت‌الله رضا، ناشر: کتاب‌سرا، تهران، ایران؛
- ۳- اشیپولر، برتولد (۱۳۹۲). تاریخ مغول در ایران، چاپ: دهم، مترجم: محمود میرآفتاب، محل نشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ایران؛
- ۴- آشنایی، محمدعلی (۱۳۸۱). شناخت عربستان، چاپ: اول، ناشر: مشعر، محل چاپ: تهران، ایران؛
- ۵- آشوری، داریوش (۱۳۹۳). دانش‌نامه سیاسی، چاپ: بیست‌وسوم، ناشر: انتشارات مروارید، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۶- آقایی، داود (۱۳۸۲). سازمان بین‌المللی، چاپ: اول، ناشر: نسل‌نیکان، تهران، ایران؛
- ۷- اندیشمند، محمداکرام (۱۳۸۶). ما و پاکستان، چاپ: اول، ناشر: نشر پیمان؛
- ۸- انصاری، سلطان‌محمد (۱۳۹۴). جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، نوبت چاپ: اول، ناشر: انتشارات بین‌المللی سرور سعادت، محل چاپ: کابل، چهارراهی دهن‌باغ؛
- ۹- بختیاری، سعید (۱۳۹۴). اطلس جامع گیتاشناسی، تهیه و تدوین: واحد پژوهش و تألیف گیتاشناسی، چاپ اول، چاپ: هامون؛
- ۱۰- بنا، امام‌شہید حسن (۱۳۸۰). نگرش‌هایی در اسلام، مترجم: مصطفی اربابی، ناشر: سنت‌تایباد، تهران، ایران؛
- ۱۱- بها، ثریا (۱۳۹۱). رها در یاد، ناشر: شرکت کتاب، محل نشر: امریکا؛
- ۱۲- چی‌ون‌شون (۱۳۸۲). مائو و مائوئیسم، محمد رفیعی مهرآبادی، چاپ: اول، ناشر: نشر خجسته، (بی‌جا)؛
- ۱۳- حاجی‌زاده، محمد (۱۳۸۴). فرهنگ تفسیری ایسم‌ها، چاپ: اول، ناشر: نشر

- جامه‌دران، محل چاپ: تهران، ایران؛
- ۱۴- حسن، عمید (۱۳۷۲). *فرهنگ فارسی عمید*، چاپ: نهم، ناشر: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ایران؛
- ۱۵- حق شناس کمیاب، سیدعلی (۱۳۹۰). *مبانی دیپلماسی و آداب دیپلماتیک*، چاپ: اول، ناشر: انتشارات سنا، تهران، ایران؛
- ۱۶- حق شناس، شیر احمد نصری (۱۳۶۳). *دسایس و جنایات روس در افغانستان*، ناشر: کمیته فرهنگی دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان، محل چاپ: تهران، ایران؛
- ۱۷- حق شناس، شیر احمد نصری (۱۳۸۵). *تاریخ تحولات سیاسی جهاد افغانستان*، ج: ۱، چاپ دوم (با تصحیح و اضافات)، محل چاپ: مطبعة نعمانی، ناشر: انتشارات نعمانی، کابل، افغانستان؛
- ۱۸- دانشیار، امیر اعتماد (۱۳۷۱). *جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم*، نوبت چاپ: اول، چاپ: گلینی، ناشر: مؤسسه انتشارات بهینه، تهران، ایران؛
- ۱۹- دفتری، فرهاد (۱۳۷۸). *مختصری در تاریخ اسماعیلیه- سنت‌های یک جماعت مسلمان*، مترجم: فریدون بدره‌ای، چاپ: اول ناشر: نشر فرزاد روز، (بی‌جا)؛
- ۲۰- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، چاپ: دوم، ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، محل چاپ: چاپ گستر، تهران، ایران؛
- ۲۱- ریاض، محمد (۱۳۵۴). *ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان*، (مقاله)، مجله هنر و مردم، شماره: ۱۵۷، ص: ۶۶-۷۲؛
- ۲۲- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۴). *روزگاران تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی*، چاپ: هفتم، ناشر: انتشارات سخن، محل نشر: کتابخانه ملی ایران، تهران؛
- ۲۳- زید آبادی، احمد (۱۳۴۴). *دین و دولت در اسرائیل*، ناشر: نشر روزگار، محل نشر: تهران، ایران؛

۲۴- سجّادپور، سید محمد کاظم (۱۳۹۱). رابطه مفهومی نفوذ، امنیت و پیوستگی سرزمینی؛ مطالعه موردی رفتار امنیتی روسیه در حوزه بالتیک (۱۹۹۱-۲۰۱۱)، فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، ص: ۸۶-۱۱۵، شماره: ۸۰، زمستان ۱۳۹۱ هـ.ش، (بی‌جا)؛

۲۵- سعدی، مصباح‌الدین شیرازی (۱۳۹۰). گلستان سعدی، بر اساس نسخه محمدعلی فروغی، به کوشش: کاظم عابدینی مطلق، ناشر: محراب دانش، چاپ: مهارت، تهران، ایران؛

۲۶- شارقى، محمد کاظم (۱۳۶۰). ارزش خون در کمونیزم و اسلام، (مقاله)، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، ناشر: انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی افغانستان؛

۲۷- شهبازی، عبدالله (۱۳۸۱). سیمای خانوادگی جورج بوش، (مقاله)، زمانه، ۱۳۸۱، شماره: ۱، ناشر: پرتال جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛

۲۸- شهبازی، علی‌رضا شاهپور (۱۳۸۴). راهنمای مستند تخت جمشید، به کوشش بنیاد پژوهشی پارسه- پاسارگاد، ناشر: انتشارات سفیران و انتشارات فرهنگ‌سرای میردشتی، محل چاپ: تهران، ایران؛

۲۹- طلوعی، محمود (۱۳۸۶). از لنین تا پوتین، چاپ اول، ناشر: انتشارات تهران، محل چاپ: دبیا، تهران، ایران؛

۳۰- عباسقلی، غفاری فرد (۱۳۹۰). تاریخ اروپا: از آغاز تا پایان قرن بیستم، تهران، چاپ سوم، محل نشر: تهران، ایران؛

۳۱- عظیمی، محمدنبی (۱۳۷۶). اردو و سیاست (در سه دهه اخیر افغانستان) ۲ جلدی، ناشر: سبا کتاب‌خانه، دهکی نعلبندی، محل چاپ: قصه خوانی بازار پیشاور، پاکستان؛

۳۲- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۴). فرهنگ سیاسی آرش، چاپ: دوم، ناشر: انتشارات آشیان، محل نشر: کتاب‌خانه ملی ایران؛

۳۳- فرهمند، عارف (۲۰۰۹). نقش افغانستان در فروپاشی دیوار برلین، (مقاله)،

ناشر: دوجه وله دری: <https://p.dw.com/p/KRpy>

۳۴- کریمی، مهران (۱۳۸۶). بازگشت با فرجام، (مقاله) شهروند (روزنامه صبح ایران)، ۲۵ سنبله ۱۳۸۶، شماره ۱۶، ص: ۲۴؛

۳۵- کیران، روجر؛ کنی، توماس (۱۳۸۵). خیانت به سوسیالیسم (پس‌پرده فروپاشی اتحاد شوروی)، مترجم: محمدعلی عمویی، چاپ: دوم، ناشر: نشر اشاره، تهران، ایران؛

۳۶- لاهوری، محمد اقبال (۱۳۹۰). گزیده شعرهای اقبال لاهوری، مقدمه، انتخاب و شرح لغات: شهرام رجب‌زاده، چاپ: پنجم، چاپخانه قدیانی، ناشر: مؤسسه انتشارات قدیانی، محل چاپ: تهران، ایران؛

۳۷- متروخین، واسیلی (۱۳۹۴). کی. جی. بی در افغانستان، مترجم: حمید سیماب، ترتیب و صفحه‌آرایی: حزب همبستگی افغانستان، (بی‌جا)؛

۳۸- مری‌شلی (۱۳۸۶). فرانکنشتاین، مترجم: محسن سلیمانی، چاپ: اول، ناشر: مؤسسه انتشارات قدیانی، تهران، ایران؛

۳۹- مهدی، محمود احمد (۱۳۷۸). نقش بانک توسعه اسلامی در بهره‌وری موقوفات، (مقاله) وقف: میراث جاویدان، سال ۷، شماره سوم؛

۴۰- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۲). تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، چاپ: سیزدهم، ناشر: قومس، محل نشر: تهران، ایران؛

۴۱- نیا، جعفر شیرعلی (۱۳۹۵). روایتی از زندگی و زمانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ناشر: نشر کمال اندیشه، محل نشر: تهران، ایران؛

۴۲- یوسفزی، شیرشاه (۱۳۷۹). تاریخ مسخ نمی‌شود، چاپ: دوم، ناشر: مرکز نشراتی میوند، محل چاپ: سبا کتاب‌خانه، دهکی نعلبندی، بازار قصه خوانی، پیشاور، پاکستان؛

۴۳- سال‌نامه افغانستان، (دافغانستان کلنی). شماره ۵۶، سال ۱۳۶۹ هـ.ش، ص: ۲۶۳؛

۴۴- ماهنامه مشعل؛ شماره ۳-۵، نمبر مسلسل ۴۱، نوامبر ۱۹۸۹ مطابق عقرب ۱۳۶۸ هجری شمسی؛

۴۵- میثاق خون؛ دور دوم نشراتی، سال ششم، شماره چهارم و پنجم، ماه سرطان- اسد ۱۳۷۰ هـ ش نمبر مسلسل ۸۲-۸۳؛

۴۵- میزان؛ ارگان نشراتی سفارت کبرای دولت اسلامی افغانستان- دهلی جدید، شماره چهارم، سال اول، ۲۶ قوس ۱۳۷۵ هـ ش- ۱۵ دسامبر ۱۹۹۶ م؛
۴۶- هفته‌نامه مجاهد، ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره مسلسل ۱۳۵، دوشنبه ۵ قوس ۱۳۶۹ هـ ش- ۹ جمادی‌الأول ۱۴۱۱ هـ ق- ۲۶ نوامبر ۱۹۹۰ م؛

۴۷- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره مسلسل ۱۳۹، پنج‌شنبه، ۲۰ جدی ۱۳۶۹ هـ ش- ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ هـ ق- ۱۰ جنوری ۱۹۹۱ م؛

۴۸- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، دوشنبه، ۲۷ قوس ۱۳۶۸ هـ ش- ۱۹ جمادی‌الأول ۱۴۱۰ هـ ش- ۱۸۹ دسامبر ۱۹۸۹ م؛
۴۹- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، سال دوازدهم نشراتی، شماره مسلسل ۱۱۰، دوشنبه، هجدهم جدی ۱۳۶۸ هـ ش، دهم جمادی‌الثانی ۱۴۱۰ هـ ق- هشتم جنوری ۱۹۹۰ م؛

۵۰- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره ۱۲۴، یک‌شنبه، ۱۰ سرطان ۱۳۶۹ هـ ش- ۹ ذی‌الحجه ۱۴۱۰ هـ ق- ۱ جولای ۱۹۹۰ م؛
۵۱- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره ۱۲۶، چهارشنبه، ۳ اسد ۱۳۶۹ هـ ش- ۲ محرم‌الحرام ۱۴۱۱ هـ ق- ۲۵ جولای ۱۹۹۰ م؛

۵۲- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره ۱۲۷، شنبه، ۱۳ اسد ۱۳۶۹ هـ ش- ۱۳ محرم‌الحرام ۱۴۱۱ هـ ش- ۴ اگست ۱۹۹۰ م؛

۵۳- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره ۱۲۸، چهارشنبه، ۲۴ اسد ۱۳۶۹ هـ ش- ۲۲ محرم‌الحرام ۱۴۱۱- ۱۵ اگست ۱۹۹۰ م؛

۵۴- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره مسلسل ۱۳۸، دوشنبه، دهم جدی ۱۳۶۹ هـ ش- ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۱۱ هـ ق- ۳۱

دسامبر ۱۹۹۰م؛

۵۵- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره مسلسل ۱۳۸، دوشنبه، دهم جدی ۱۳۶۹ هـ ش - ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۱۱ هـ ق - ۳۱ دسمبر ۱۹۹۰م؛

۵۶- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره مسلسل ۱۲۷، شنبه، ۱۳ اسد ۱۳۶۹ هـ ش - ۱۲ محرم الحرام ۱۴۱۱ هـ ق - ۴ اگست ۱۹۹۰م؛
۵۷- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره مسلسل ۱۳۶ - سه شنبه، ۲۰ قوس ۱۳۶۹ هـ ش - ۲۴ جمادی الأولى ۱۴۱۱ هـ ق - ۱۱ دسامبر ۱۹۹۰م؛

۵۸- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، شماره مسلسل ۱۶۴، سال چهاردهم نشراتی، شماره ۱۶، ۱۱ میزان ۱۳۷۰ هـ ش؛
۵۹- وبسایت مکتبة القلم، <http://www.qalamlib.net>.